

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱- دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- تظاهرات آوارگان در بروجرд
- مصادره انقلابی يك کامیون و ضربات سنگین
- ییشمرگان پیکار بر دشمن
- اخبار کوتاه کارگری
- "الیاس سرکیس مسیحی" هم به کمک جمهوری اسلامی آمد! صفحه ۲۸
- گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۲)
- رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۳)
- صفحه ۱۶
- صفحه ۵
- صفحه ۳
- صفحه ۱۸
- صفحه ۱۱

جنگ ارتجاعی ایران و عراق و تسدید گسترار در کردستان

بورژوازی "در موقع جنگ دسمن
داخلی" را به مراتب بین اردشمن
خارجی تشقیب مینماید.
(النسن : جنگ و سوسال دموکراسی
روسه).

تشدیدا احتیاق و افزایش فشار
وتجا جمده انقلاب از جمله بیامدهای
جنگ ایران و عراق مانند هر جنگ
ارتجاعی دیگر است. نظری به
عملکردهای رژیم در طریقه ما می گد
از گسترش جنگ میگذرد، بوفوج این
سیاست سرکوبکارانه رژیم جمهوری
اسلامی را نشان میدهد. اما ما این
بقیه در صفحه ۶

آزادی گروگانها: سازشی خفت بار با امپریالیسم

۳۲ صفحه

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها،
زنده باد پیکار توده ها



سیر مقاله

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

مفتد قبل، یکبار دیگر نا همد
بر خوردند و در کیری جنا همای
هیئت حاکمه با یکدیگر بودیم. این
بر خورد و در کیری همانطور که بارها
و بویزه در همین ستون متذکر شده -
ایم اگر چه مساله تازه ای نیست و
عمری به درازای عمر جمهوری اسلامی
دارد، ولی ویژگی آن در دوره اخیر
همانانندت یابی و اوج گیری هر چه
بیشتر تفاذهای درونی هیئت حاکمه
بخصوص بس از وقوع جنگ ایران و
عراق است.

بقیه در صفحه ۲

صد و یکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!



انجمن اسلامی کارخانجات: چماقی برای سرکوب کارگران

۳ صفحه

خشم توده های آواره اوج میگیرد

۱۷ صفحه

راهپیمایی های هواداران سازمان پیکار در آمل

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

حزب جمهوری اسلامی که موفق گردید در سال گذشته اولین ضربه را در حادثه معارت به لیبیا و وارد آورد از همان روز تا بحال توانسته است با تکیه توده های وسیع متوهم از یک سو و در زیر جتر ولایت فقیه و حمایت همه جانبه آیت الله خمینی، مواضع قدرت را یکی پس از دیگری تصرف نموده و بتدریج رقبتهای قدرتمند خود را در موضع ضعیف تری قرار دهد. این سکه طی این روند درجه مطلق و بجهت ترسب حزب توانست هژمونی خود را در قدرت سیاسی اعمال نماید، مساله ایست که حداکثر تا به یاد آید مورد بررسی قرار داد و ما در اولین فرصت بدان خواهیم پرداخت، ولی آنچه که روشن است، به کف گرفتن تدریجی مواضع کلیدی قدرت در این دوره از سوی حزب و عقب راندن لیبیا و سپس زدن آنها از مواضع قدرت و گشادن آنها به موضع کاملاً ضعیف تر از موضع حزب در حاکمیت است. هم اکنون حزب بر ارکانها و نهادها تکیه چون مجلس شورای نگهبان، دولت، قوه قضائیه دادگاهها و زندانها، رادیو تلویزیون، مطبوعات کمیته ها و سایر نهادها را، حاکمیت بی چون و چرا دارد و تا زه این سوی در اختیار داشته است. ارکانهای مهم دیگری چون بسیج مستضعفین، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین، بنیاد شهید و یتیم، برکورداری از امکانات و اختیارات وسیعی است که در سایه اصل ولایت فقیه و شبکه وسیع روحانیت در تمامی نقاط ایران دارا میباشند، در مقابل، لیبیا را علیرغم رانده شدن از بسیاری از مواضع قدرت و قرار گرفتن در موضع ابوزیسیون در هیئت حاکمه، همچنان ارتش، این ابزار کلیدی و بسیار مهم در قدرت سیاسی و فرماندهی آن را در اختیار دارند، بعلاوه لیبیا را با در اختیار داشتن پست ریاست جمهوری و با توجه به میزان اختیارات او بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، محدودیتهای زیسادی برای حزب جمهوری اسلامی و نهائاتاً انحصار طلبانه و بوجوهی آورده نموده آنرا میتوان در مخالفت های بی دریغی بنی صدر باقی مانده کابینه رجائی و از آن جمله وزیر خارجه مشاهده کرد. اضافه بر این، لیبیا را در تمامی ارکانها و موسسات دولتی، بویژه در سطوح مدیران و متخصصین دارای نفوذ و پایه هستند و این با نظرداشت ما هیئت این سیستم چیزی نیست که حزب بیا با تمامی ادعاهای "مکتبی" شان، قادر به نادیده گرفتن آن باشند.

واقعیت اینست که وجود بحران در ایران نشین و رشد جنبش توده ای، بحران در بالا را دارا من زده و جناح های حاکم را بجان یکدیگر انداخته است و هر یک از آنها می کوشند روی شیوه ها و راه حل های خود جهت غلبه بر این بحران و مقابله با جنبش او جگیرنده توده ها تکیه نموده و در همین رابطه

به تحکیم قدرت خود و تضعیف جناح رقیب سیر داد زد. حزب جمهوری اسلامی، از همان ابتدا با لیبیا در تعیین خط منی و سیاست هیئت حاکمه در مقابل بله با بحران کنونی جا معه و اتخاذ شیوه ها و راه حلها اختلافات اساسی داشته و این اختلافات با تندید شرایط بحرانی جا معه و رشد و اعتلا جنبش توده ای، علیرغم تمامی یاد دمیهای - ها و "میثاق وحدت" ها و وسعت و عمیق تر گشته است. خط منی حزب در این مورد از همان ابتدا روشن بود. حزب بیا بباستکار "آیت طی" سکه برنا مع حساب شده همواره در مرده تضعیف بنی صدر و تبدیل ریاست جمهوری به یک مقام تشریفاتی بوده و هستند. رجائی نیز در همان روزهای اول نخست وزیری اثن در توضیح جایگاه و موقعیت نیروهای مختلف گفت که بیا بباستکار نهایی رهبری و تصمیم گیری منحصر در اختیار "مکتبی هسا" قرار گیرد و لیبیا را یعنی غیر مکتبی ها بیا بباستکار در بخشهای اجرایی غیر حسان قرار گرفته و بدون اینکه در تصمیم گیری نقشی داشته باشند میتوانستند در کنار "مکتبی ها" بیا آنها همگساری نمایند.

این برنا مع تا کنون به قدرت از سوی حزب دنبال شده و هما نظر که تا ره شد، آنها توانستند در این دوره بر بسیاری از مواضع کلیدی قدرت دست بیا بند و تجمعات گسترده حزب در یکجا همه اخیر به لیبیا و شخصی بنی صدر نیز در رابطه با یکف گرفتن مواضع بیشتر قدرت و تضعیف بیش از پیش لیبیا قابل تحلیل و توجیه است.

اما آنچه که مورد تمایل حزب است، یعنی راندن لیبیا را از قدرت و در اختیار گرفتن تمامی مواضع کلیدی و بیکه تازی در عرصه قدرت سیاسی، چیزی نیست که با واقعیات موجود در جامعه ما، دست کم در این دوره در انطیاق بیا بشد. قبل از هر چیزی بیا بباستکار نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود وارث سیستم سرمایه داری و وابسته ای است که بنا بر ماهیت طبقاتی خود چاره ای جز بیا زسازی و بیا ساداری از آن ندارد و این بدون تردید، نقش لیبیا را در توانائی و ظرفیت بیا زسازی این سیستم و در تحکیم پیوند آن با امپریالیستهای غربی، دست کم بعنوان یک نیروی مهم و قابل محاسبه برجسته میسازد. در همین رابطه این لیبیا را هستند که بیش از همه قادرند، ارتش و فرماندهی آنرا بعنوان ابزار مناسب این سیستم و در خدمت آن در آورده و از این طریق به سرکوب انقلاب و بیا زسازی سیستم و تامین منافع امپریالیستها و بویژه آمریکا در آورند و همشرازان بیا بباستکار این وسیع توده های متوهم و نا آگاه را در نبود یک آلتزناشو انقلابی، بسمت لیبیا را نیز در نظر داشت اینها شما ما عوامی هستند که مانع از آن میشوند تا حزب جمهوری اسلامی بتواند آنگونه که میخواهد

و در نظر دارد، برنا معها و نقشه های خود را در جهت تضعیف قدرت حریف بیا ده کند.

حزب جمهوری اسلامی در این یکجا ها اخیر کوشید تا بیا جموع خود به لیبیا و مورد هدف قرار دادن شخصی بنی صدر، به تضعیف رقیب برداخته و مواضع اساسی را در جهت پیشبرد برنا معها و نقشه های خود، از پیش بیا بردارد و البته در این مورد موفقیت های زیادی همگسب کرد، ولی لیبیا را هم بیا برنا معها و بیا بباستکار واردی که در بیا راه حریف و البته در موضع ضعیف ترها واردی میکنند، راه بیا بباستکار از بنی صدر در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی و بویژه دادن شعارهای بسیار تند علیه رهبران مذهبی و حزب جمهوری که در اصفهان حتی منجر به "هجرت" اما م جمعی اصفهان به تهران گردید، شما ما نشان دهنده این بود که برخلاف تصور حزب جمهوری لیبیا آنها آنقدرها هم ضعیف نبوده و قادرند برای حفظ موقعیت خود، در بیا بر رقیب ایستادگی کنند. اما حزب جمهوری که میکوشد برنا مع عمومی خود را در جهت قبضه کردن قدرت و محدود ساختن اختیارات بنی صدر همچنان به پیش برد، در مقابل راه بیا بباستکار های اخیر که بویژه ولایت فقیه را نشان نه رفته بود، عکس العمل سریع و در عین حال حساب شده ای از خود نشان داد و بلافاصله از طریق آیت الله منتظری و روحانیون طرفدار حزب در تهران و شهرستانهای مختلف، جنگ روانی تبلیغاتی شدید و گسترده ای را بر علیه لیبیا بیا برآوردند و با انداختن و از مردم خواسته شد تا در روز پنجشنبه ۲۷ آذر، به خاطر طرفداران زروحا نیست ولایت فقیه و مخالفت با لیبیا، یک راه بیا بباستکار سراسری در کلیه نقاط ایران برآوردند. مجلس و سایر ارکانهای وابسته به حزب جمهوری نیز این دعوت را تا شید کردند و قرار بود تا این راه بیا بباستکار هر چه گسترده تر و شایع تر بصورت "رفراندمی" علیه بنی صدر و لیبیا بیا برگزار شود. اما یکروز قبل از برگزاری این راه بیا بباستکار تصمیم خمینی مبنی بر نفو از، زبر و زبحران در شکل بسیار شدید و در عین حال پیچیده کردن آن جلوگیری و این نشان داد که خمینی در سایه کوشش روحانیت مابا زرو عنامری چون اشراقی، مهدوی کنی و... خطر احساس کرده و در شرایط فعلی و با توجه به شرایط جنگی ایران و عراق و نقش ارتش، حمایت در مجموع بیشتر آمریکا از لیبیا را، ناراضی عمومی مردم از اوضاع و امکان بهره برداری عوام فریبانه لیبیا را از این ناراضی ها و در یک کلام شرایط بحرانی شکننده ای که رژیم در آن قرار دارد، مانع از رودروئی دو جناح در بیا بر یکدیگر و متشنج شدن بیش از حد کنونی گردید.

بقیه در صفحه ۲۸

دعوی لیبیا و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان
توده هاست

جنبش کارگری



پیام به تفتگران قهرمان مناطق جنگ زده

کارگران مبارز صنعت نفت

شما در طی سالیان گذشته مبارزات قهرمانانه - ای را بر علیه امپریالیستهای رنگارنگ و رژیم شاه بخت سرگذاشته اید. بعد از قیام بیستم ماه رژیم پسرک را مدکها حاصل سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی و امپریالیسم آمریکا بود. این رژیم در این ۲۱ ماهی که از عمرش میگذرد همواره سرکوب مبارزات کارگران - بردا خت است. از جمله رژیم، مزدوری چون معین - فرار و زیر نفث گرد و بختنا مه های ضد کارگری رایجی پس از دیگری به تصویب رساند. بعد از جنگ اعمال سرکوبگرانه رژیم نیز بیشتر شد.

بطوریکه اخیرا بختنا مه ای ما در کرده اند مبنی بر اینکه هر کارگری در مناطق جنگ زده اگر در محل شبا شد، اخراج شده و به حقوق پرداخت نکند. نخواهد شد رژیم بدین وسیله قصد داشت شما کارگران را بعنوان کوشش دم توب و برای جامعه عمل پوشاندن به منافع غارتگرانه خود در جنس و ب نکهدارد، ولی با مبارزه یکبارچه شما کارگران، این توطئه کثیف و ضد کارگری رژیم شکست خورد. اما رژیم با زهم با حیلها و دسائسی مختلف سعی دارد کارگران را به مناطق جنگ زده برگرداند و این هدف را با فشار مستقیم به کارگران و همچنین با کم کردن حقوقشان (بطوریکه در ماه گذشته به هر کارگر ۴۰۰۰ تومان پرداخت میشد ولی در این ماه کمتر خواهد شد) و عدم تامین مسکن برای کارگریان و یا اخراج کارگران قدیمی، دنبال میکنند البته رژیم اهداف دیگری نیز دارد، از جمله اینکه با کم کردن حقوق کارگران مبالغ هنگفتی ذخیره میکند، اینها همه فقط قطره ای از دریای بیکران اجحافات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است که در حق کارگران و زحمتکشان روا میدارد.

تفتگران مبارز

هما منظور که تا به حال نشان داده اید، مبارزه بقیه در صفحه ۲۱

اخبار کوتاه کارگری

معدن زیر آب: به کارگران معدن اعلام کرده اند که بعلت کمبود پول و بودجه نداشتن دولت، به اید مبلغ ۱۴۰۰ تومان از حقوقشان کسر شود. این امر موجب اعتراض کارگران گشته است. در ضمن قرار است که از طرف وزارت منابع و معادن برای کارگران در این رابطه سخنرانی بقیه در صفحه ۲۰

اعتصاب کارگران مبارز "شرکت گسترش و مسکن" و نقش خائنانه رویز پونیستها

زبان کارفرمایان و عوامشان شنیده بودند، جواب دندان شکنی به این مزدور سرما به داران داده و گفتند:

"ما اعتصاب میکنیم و نخواهیم گذاشت که به بیانه جنگ از این بیشتر ما را بجا بند."

در این موقع یکی از رویزیونیستهای اکثریت بهیاری "برادر بزرگش" آمده و اعتصاب را نادرست میخواند! اما کارگران بی توجه به این خائنین راه خود را محکم و استوار ادامه میدهند. جلوی دفتر اعضای خود فروخته شورای قلبی، سعی میکنند کارگران را از مبارزه باز دارند، که اینها هم موفق نمی شوند. (می بینیم که سرما به داران برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگران چه جوانی رنگارنگی بوجود میاورند!)

خواستهای کارگران عبارت بودند از:
۱- تشکیل شورای واقعی ۲- پرداخت فوری حقوقها که دو ماهه و نیم عقب افتاده است ۳- اعاده بقیه در صفحه ۲۲

روزی چهارشنبه ۵۹/۹/۱۱ کارگران مبارز شرکت گسترش مسکن اصفهان (که یک مجتمع بزرگ ساختمانی است) دست به اعتصاب زدند. پیش از دو ماهه بوده که کارفرمای شرکت از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده بود و بجای آن همواره وعده و وعید تحویل کارگران میداد. این در حالی بود که فشار ناشی از گرانی و بی پولی، بخصوص بعد از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق کارگران را شدیداً در تنگنا قرار داده بود. همین دلیل سرانجام کارگاه مبارزات کارگری در شرکت گسترش بود. در این هنگام سروکله یکی از رویزیونیستهای حزب خائن توده پیدا میشود که تا متوجه اعتصاب کارگران میگردد چاکری خود را به سرما به داران، تمام و کمال به نمایش گذاشته و فریاد میزند:

"نه نه، برادران، اعتصاب غلط است مسأله حال جنگ با عراق هستیم" (؟!)

اما کارگران که بارها اینگونه سخنان را از

انجمن اسلامی کارخانجات؛ چماقی برای سرکوب کارگران

کارگران مبارز!

سرما به داران برای سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران، از ابزارها و وسایل مختلفی استفاده میکنند که هر کدام از آنها وظیفه خاص خود را دارند. در دوران شاه خائن، ارتش، پلیس ساواک، اداره حفاظت و... برای بخون کشیدن مبارزات کارگران جاسوسی و شناسایی کارگران مبارز و سرکوب آنها بکار میبردند و در خدمت سرما به داران قرار داشتند.

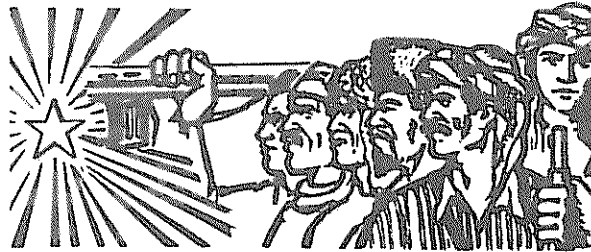
رژیم جمهوری اسلامی نیز از ارتش و سپاه پاسداران و... برای بخون کشیدن و سرکوب مبارزات کارگران استفاده میکنند. به علاوه رژیم برای جاسوسی و شناسایی کارگران آگاه و مبارز و سرانجام سرکوب آنها، جاسوخانه های بنام "انجمن اسلامی" در کارخانجات علم کرده است. رژیم ظالمین و انموم میکنند که گویا این انجمنها

را برای آموختن فرایض مذهبی و نماز روز و... دایر کرده است. در حالی که کارگران بارها تا حد بوده اند که این انجمنها عملاً در کنار مدیران کارخانجات و در خدمت آنها بر علیه کارگران بوده اند.

رژیم با برآوردن این مراکز ضد کارگری میگوید که از احساسات مذهبی کارگران سوء استفاده نموده و آنها را بخود جلب کند. اما این فقط یکی از اهداف شوم رژیم است. در صورتیکه هدف اصلی انجمنهای اسلامی، در واقع شناسایی کردن کارگران مبارز، توطئه و ایجاد تفرقه در میان کارگران، شکستن اعتصابات کارگری و بالاخره سرکوب مبارزات کارگران و حمایت از مدیران و سرما به داران است. بنابراین این می بینیم که انجمنهای اسلامی رژیم جمهوری اسلامی کار همان اداره حفاظت رژیم بقیه در صفحه ۲۱

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلق ها و مسئله ملی



مصادره انقلابی یک کامیون و ضربات سنگین پیشمرگان پیگار برداشتن

کامیاران ۵۹/۹/۱۷ - بعد از ظهر اینروز دو دسته از پیشمرگان انقلابی پیگار (دسته شهید امیر موسعود) جاده کامیاران - سنندج را تحت کنترل خود در آورده و ضمن بازرسی ماشینهای مسافربری به افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداخته و حقانیت جنبش مقاومت و عادلانسه بودن آن و نیز غیر عادلانه بودن جنگ ایران و عراق را به مسافریین توضیح میدادند. مسافریین از این اقدامات پیشمرگان بگریزی استقبال نموده و آنها را برای ادا مسافرت تشویق می کردند. در همین روز رفقای پیشمرگه یک کامیون ده تنی متعلق به جهاد با مطالع سازندگی را بنفخ جنبش مصادره نمودند. مصادره کامیون جها دبا پس خاطر بوده که جها دبا زندگی در کردستان همراه با پاسداران و جاسپا و ارتش در سرکوب و کشتار و تشدید اختناق و تعقیب مبارزین فعالانسه شرکت میکنند و به همین خاطر یکی از ارگانهای سرکوبگر رژیم در منطقه محسوب میشود. همچنین حدود ساعت ۵/۵ بعد از ظهر همین روز، دو ماشین جها دبا پاسداران در کمین پیشمرگان افتادند. پیشمرگان ضمن تیراندازی راننده ماشین جهاد را دستگیر کردند، اما ماشین پاسداران که به کامیون ۵۵ مجهز بوده درگیری ادا مصادره طی این درگیری پیشمرگان انقلابی با شجاعت تمام ۱۰ نفر از مزدوران ضد خلق را به هلاکت رسانده و همراه با یک اسیر، سالم به پایگاههای خود باز گشتند. به دنبال آن، رادیو کرمانشا به کشته شدن ۳ تن از مزدوران رژیم اعتراف کرد.

پیشمرگان انقلابی پیگار ۴ مزدور ضد خلق را به هلاکت رساندند

بود که ماشین مذکور بعد از گذشتن از بیج بدره سقوط میکنند و تمام سرنشینان به غیر از یک نفر مجروح (که موفق به فرار شده بود) به هلاکت می رسند. یک ساعت بعد دسته ای از پیشمرگان کومله بهنگام عبور از آن مسیر متوجه ماشین واژگون شده میشوند و تمام تجهیزات آن مشتمل بر چند قبضه ژ-۳، یک قبضه کامیون ۵۵ چند صندوق فشنگ کولبر ۵۵ و ژ-۳ یک بیسیم و مقدار زیادی نارنجک را تخلیه کرده و به پایگاههای خود منتقل می کنند. ضربات پیشمرگان جنبش مقاومت و سربانیروهای ضد خلق نشان میدهند که علیرغم کشتار وسیع زحمتکشان و تشدید فشار مصادره اقتصادی توسط ارتجاع جنبش مقاومت همچنان به پیش میروند و در هر قدم خود به پیروزیها و دستاوردهای مهمی دست مییابند.

کامیاران ۵۹/۸/۳۰ عصر این روز پیشمرگان سا زمان پیگار (دسته شهید امیر) در مسیر جاده کامیاران - سنندج بین دو پایگاه دشمن (هلتوان و وگاوشان) به کمین نیروهای دشمن نشستند. ساعت ۵/۵ بعد از ظهر یک ماشین سمرغ حامل ۵ تن از مسئولین سپاه پاسداران، مجهز به کامیون ۵۵، به کمین پیشمرگان افتادند. پیشمرگان انقلابی طوری دشمنان را خلع کرد که زیر آتش گرفتند که آنها حتی فرصت شلیک بک تیر نیز پیدا نکردند. ماشین که با سرعت زیادی در حرکت بود در بیج جاده از دید پیشمرگان ناپدید شد. پیشمرگان انقلابی بعد از نیم ساعت جستجوی بی نتیجه برای یافتن ماشین سالم به پایگاههای خود برگشتند. اما واقعیت امر این

پرتاب نارنجک به میان هاداران دانش آموزان زندانی

را در زیر میخوانید.

خلق مبارز کورد

هنوز خون شهدای قتل عام روستا شیکان زحمتکش روستاهای "ایندر قاش" و "یوسف کند" خشک نشده بود که جلادان رژیم و عوامل معبودی و ملاحسنی در صوفیان "دست به قتل عام مجدد زدند و هنوز چیزی از این وقایع سپری نشده که رژیم به بازداشت دسته جمعی دانش آموزان سقز به شیوه آریا میری دست میزند و در ادامه آن خانواددهای آنها را به نارنجک میبندد. رژیم گرچه امروز عوامل مفریبا نه تحت عنوان مبارزه با امیریا لیسیم و بیعت عراق دست به سرکوب انقلابیون و توده های حق طلب میزند اما مسلمان نمیتوانند با این عوامل مفریبا چهره کریه و جنایت بارش را بیوشانند. زیرا این جنایتها را فقط درنده خورترین نیروهای سرکوبگر آفماش فاشیستهای آلمان و صهیونیستهای انگل کرفلسطین و... مرتکب شده اند و رژیم جمهوری اسلامی به حقوق آنها را خوب فراموش کرده است. جالب آنکه مزدوران رژیم در کمال وقاحت به شرمی کومله بقیه در صفحه ۲۶

سقز ۵۹/۹/۱۲

بدنبال مبارزات انقلابی دانش آموزان مدارس سقز برای بازگشایی مدارس و دستگیری وزخمی شدن عده کثیری از آنها توسط پاسداران ما دران دانش آموزان در جلومقرسیه پاسداران اجتماع کرده و خواستار آزادی فرزندان زندانی خود شدند. اما مزدوران رژیم در مقابل خواسته های آنها، نارنجکی بسوی آنها پرتاب کردند که در نتیجه آن یک زن خانه دار رویک کبود ک خردسال بشهادت رسیده و سه نفر نیز بشدت مجروح شدند. خانواددهای زندانیان بشدت به این اقدام جنایتکارانه اعتراض نمودند. پاسداران در جواب گفتند که پرتاب نارنجک کار خدا انقلاب بوده است. مردمی که خود پاسداری را بهنگام پرتاب نارنجک دیده بودند، این اقدام جنایتکارانه را افشا نمودند. چند روز بعد بدنبال عقاب و مت انقلابی خانواددهای دانش آموزان مبارز، رژیم مجبور شد تمام دانش آموزان زندانی را آزاد کند.

حوزه سقز سا زمان در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است. قسمتها را از اعلامیه مذکور

مصادره برخی بدست پیشمرگان و تبلیغات ضد انقلابی حزب خائن توده و جمهوری اسلامی

۵۹/۲۸

در این تاریخ پیشمرگان پیگار در جاده کامیاران - سنندج موفق به مصادره انقلابی یک تریلر حامل بیش از ۴۰ تن برنج گردیدند. این محموله برای ادا رها زکاتنی سنندج و از آنجا برای بخش بین جاسپا و پاسدارها حمل میگردد. پیشمرگان با کمک وسیع زحمتکشان برنجها را به روستاهای اطراف برده و در آنجا با همکاری رفقای کومله آنها بین زحمتکشان چند آبادی به نسبت هر خانوادده نیم کیسه تقسیم نمودند. این عمل پیشمرگان با استقبال وسیع بقیه در صفحه ۲۹

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۱ جنگ ...

سئوال مطرح میشود که چه رابطه‌ای بین جنگ ارتجاعی کنونی و تشدید سرکوب و خفقان و ترور و کشتار در سراسر ایران و بخصوص در کردستان وجود دارد؟ بله، نه‌خواهد بود که اگر ما با سخ این سوال را در تحلیل از ماهیت جنگ کنونی در بیامده‌های ناشی از آن جستجو نکنیم، میکوشیم جنگ اادامه سیاست است، بروشهای دیگر، سیاست رژیم طی حدود دو سال حاکمیت ننکین خود، همواره دو وظیفه اساسی را دنبال نموده است: افزایش بهره‌کشی و تشدید استعمار زحمتکشان از یکسو و ایجاد محیط خفقان و ترور در مجموع سرکوب انقلاب بویژه سرکوب خلیق قهرمان کرد از سوی دیگر، از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی یک هدف اساسی یعنی بازاری سیستم سرمایه‌داری وابسته را تعقیب نموده و برای تحقق این امر دو وظیفه فاسق را همچنان به پیش برده است. ارتجاع حاکم بیوسته جنبش و انقلاب را سرکوب کرده تا ستم و استعمار طبقاتی خود را تداوم بخشد و امروز جنگ ایران و عراق نیز بزیای مدلمان سیاست سرکوب و استعمار میباشد.

جنگ ایران و عراق فرصتی بیش آورده تا ارتجاع بیش از هر زمان دیگر به سرکوب جنبش توده‌ها و تشدید خفقان و ستم و ترور برساند. ارتجاع ایران با ارتجاع عراق در جنگ است، اما ارتجاع ایران از انقلاب توده‌ها بیشتر وحشت دارد، زیرا آن را برای خود خطرناکتر بشمار می‌آورد. امید آنکه در وقت جنگ و گسترش انقلاب مترادف با سقوط اوست، امید آنکه رژیم مرتجع مدام حسین نه در بی سرکوبی رژیم ایران است و نه میتواند تداوم را سا قط کند، اما جنبش او جگر زنده توده‌ها و مقاومت و مبارزه خلیقا و از جمله خلق دلیر کرد، عامل خطرناکی است که مستقیماً حاکمیت ارتجاع را نشانه گرفته است. این جنبش سقوط رژیم حاکم را تعقیب میکند.

به همین خاطر ارتجاع حاکم به گسترش سرکوب انقلاب روی می‌آورد و میکوشد در دوره جنگ این سرکوب را ابعاد بسیار بقیه ای بیخند، در حال حاضر این سرکوب و خضیا نه سراسر ایران را در بر گرفته است. دستگیری وسیع کمونیست‌ها و انقلابیون بجرم بخش‌های انقلابی و آگاه کردن توده‌ها، شکنجه و تیرباران کمونیست‌ها و انقلابیون، سرکوب و خضیا نه خونین مبارزات توده‌ای در ممسنی، آمل، لاهیجان و... سرکوب جنبش دانش‌آموزی در مدارس و دهها نمونه دیگر بیانگر تشدید ترور و خفقان در زمان جنگ است. بعلاوه شدت بیایی هجوم به کردستان قهرمان و کشتار رتوده‌ها در آنجا نشان‌های رز دیگری از سیاست عمومی ارتجاع در قبال انقلاب است. در این رابطه با بد مطرح کرد که بعد از گسترش جنگ

ایران و عراق بنحویس با بقای بوقه‌سای نبلینا شی رژیم روز و شب بر علیه خلق کرد و نیرو های انقلابی فعال در آنجا لجن بر اکنی می‌کند. در کنار این تبلیغات فدا انقلابی، رژیم به تمرکز قوای خود در کردستان برداشته و تنها جسم خود را ابعاد گسترده‌ای بخشیده است.

نیروی وحشیانه می‌ها با دو قتل عام بیشتر از ۲۵۰ نفر و مجروح کردن ۵۵۰ نفر از اهالی می‌ها با در روزهای اول جنگ اولین قدم‌های رژیم در تشدید سرکوب خلق کرد بود. با گسترش ابعاد جنگ، رژیم بزرگترین لشکر ارتش خود در کردستان را با استخدام مزدور و اعرام افرا در منقعی خدمت ۵۶ تقویت نمود. قتل عام‌های بی دریغی اهالی روستاها از جمله بندر قاش، یوسف کند، سه‌روگانی و صوفیان حربه جدیدی است که اکنون رژیم آن را بکار گرفته است رژیم با قتل عام روستا شیان زحمتکشان و تنه‌سدام روستاها و غارت و آتش زدن آنها، حمله‌ای همه‌جانبه و گسترده به روستاها و شهرها می‌کند که در دست بیشرکان باقی مانده است را تدارک می‌بینند. امروز کردستان آماج حملات ارتجاع حاکم قرار گرفته است. جنبش مقاومت خلق کورد مبارزه‌ای است طبقاتی - ملی که در عالیترین شکل خود یعنی شکل مسلحانه به پیش می‌رود. این جنبش بطور مستقیم رکن رژیم ارتجاعی حاکم را نشانه گرفته و از پایه گسترده توده‌ای برخوردار است. این جنبش مفلخ فروزانی است که مبارزات توده‌ها در سائر نقاط ایران را گرمی می‌بخشد، و عاملی است که تا تیریس مهیگی در ارتفاع سطح جنبش‌های توده‌ای در سراسر کشور میگذارد. جنبش مقاومت خلق کرد تا بسه اکنون ضربات بس مهلکی بر نیروهای سرکوبگر دشمن و کل رژیم وارد آورده و هر چند از جانب دشمن متحمل ضرباتی نیز گردیده است اما بطور روزافزون دامنه‌اش وسیع‌تر شده است. بنا بر این خاموش کردن آتش مبارزه و مقاومت انقلابی خلق کرد برای حیات سراسرنگین جمهوری اسلامی امری اساسی میباشد و رژیم میکوشد تا در ادا به سیاست گذشته خود، امروز بیش از هر زمان دیگر، مقاومت کردستان را مورد هجوم قرار دهد. جنگ ارتجاعی ایران و عراق به یاری ارتجاع ستافته تا او بتواند به خیال خام خود تسلط بر مقاومت و مبارزه در کردستان را خاموش سازد و بی سبب نیست که لنین میکوبد بورژوازی در موقع جنگ دشمن داخلی را به صراحت بیش از دشمن خارجی تعقیب می‌نماید.

سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کامل کردستان در سایه جنگ ارتجاعی خواسته تمام جناح‌های هیات حاکمه میباشد. خام‌خیالی خواهد بود هر آینه فکر کنیم که اختلاف در "بالا" و عمیق تر شدن شکاف بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی مانع از تشدید سرکوب انقلاب و

بویژه کشتار خلق کرد خواهد گردید. چرا که سیاست افزایش کشتار خلق کرد و تشدید خفقان و تعرض ارتجاعی به انقلاب در بر توجنگ، سیاستی است که هر دو جناح ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر بر روی آن وحدت نظری عملی و کامل دارند. بعلاوه هر دو جناح رژیم بخوبی میدانند که او جگر گیری، گسترش و تقویت جنبش مقاومت خلق کرد، خطری جدی است که هیات کل هیات حاکمه را تهدید میکند.

تشدید خفقان و سرکوب مبارزات توده‌ها بطور عمده و جنبش مقاومت خلق کرد بطور خاص توسط رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر افسار گریخته‌ها و خیانت‌های رویزونیست - های سوسیال شونیست و فدا انقلابی همچون حزب توده و سازمان چریکی‌های (اکثریت) است. چه توده‌های آگاه، دیگر فریب شونیسم بورژوازی این خائنین را نخورده و سینه می‌بندند که چگونه جمهوری اسلامی، با تبلیغات حول جنگ و "دفاع از میهن" به آنها می‌همانیه به انقلاب "خلق قهرمان کرده است. از طرفی دیگر با تشدید سرکوب و کشتار در کردستان، توسط رژیم جمهوری اسلامی بوج و ابله‌ها نه بودن نغمه "ملح در کردستان" سوسیال شونیست‌های خجولی همچون راهکار گردودفاع طلبانی همچون رزمندگان آشکار میگردند. دفاع طلبان و سوسیال شونیست‌های خجول دیگر نمیتوانند و اقمیست آنچه را که در کردستان میگذرد، کتمان کنند. زیرا روشن است که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی خود نمیتواند به هیچ "ملح عادلانه‌ای" نبی بدهد، مگر ملحق که قدرت مسلح خلق کرد و مقاومت انقلابی توده‌های زحمتکش کردستان به او تحمیل کند.

افشای ماهیت ارتجاعی جنگ و افساد رژیم آزادمان در جهت سرکوب انقلاب و بویژه جنبش مقاومت خلق کرد در شرایط کنونی یکی از مهمترین وظایف کمونیست‌هاست. بیوندادن جنبش‌های اعتراضی او جگر نده با جنبش مقاومت خلق کرد در پست‌ترتسا شدن خواستها و ما هیست انقلابی مبارزه خلق کرد و افشای اهداف و توطئه‌های رژیم در کردستان، از جمله وظایفی است که شرایط کنونی جامعه ما بسر دوش کمونیست‌ها و سایر انقلابیون گذاشته است. و پرواضح است که انجام این وظایف هرگز نمی‌تواند جدا از افشای نیروهای مانده حزر ب دمکرات کردستان باشد. که میکوشد جنبش خلق کرد را به انحراف و شکست بکشد.

تصحیح

در پیکار ۸۵ در اخبار کردستان به لاکت رسیدن ۱۴ مزدور خلق اشتباه بوده و صحیح آن کشته شدن ۱۵ تن از مزدوران و زخمی شدن ۴ تن از آنان میباشد.

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد

مدارس ، شریانهای قیام جنبش جوانان انقلابی

گزارشاتی از مبارزات دانش آموزان انقلابی

مدارس میهن ما، به مرکز نقل مبارزات جوانان انقلابی تبدیل شده است. بسته شدن دانشگاهها مدارس را به شریان قیام تبدیل کرده و او را به جریانی انقلابی و کمونیست مبدل کرده است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تشبیهات فراوانی که برای سد کردن و انحراف جنبش دانش آموزان انقلابی بعمل آورد و با وجود اخراجهای وسیع معلمان و دانش آموزان انقلابی و مبارز و گسیل معلمان ارتجاعی و فشری به مدارس و تبدیل انجمنهای اسلامی به ارگان جاسوسی دانش آموزان نشوونماست مدارس پر جوش و خروش را به گورستان سکوت و آزارش بدل سازد. در هفته های اخیر مبارزات دانش آموزان انقلابی ایجاد گسترده تری پیدا کرده است. آنها بر علیه قوانین ارتجاعی آموزشی رژیم، بر علیه اخراج معلمان و محصلین مبارز و انقلابی، بر علیه تفتیش عقاید در مدارس، بر علیه سرکوب و خفقان موجود در مدارس، برای بدست آوردن آزادی فعالیت سیاسی - اجتماعی در مدارس، برای افشای نقش انجمنهای اسلامی و... دست به مبارزه زده اند. و این مبارزه با وجود دستگیریهای دامنه دار، اخراجهای روز - افزون و تعطیل مدارس همچنان گسترده تر و پر خروش تر از پیش جریان دارد.

دبیرستان عاصمی (تهران)

در پی اخراج سه تن از دانش آموزان انقلابی در روز پانجمین ۲۹ آبانماه، تظاهراتی در مدرسه برپا شد. روز شنبه مسئولین مدرسه از ورود دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کرده اند که منجر به تحصن و تظاهرات در مقابل مدرسه (خیابان آزادی) گردید. در ادامه این وضع روز بعد پاسداران به صف دانش آموزان حمله کرده و چند نفر را مجروح و زخمی می نمایند. فالانزهای انجمن اسلامی نیز بیاری پاسداران شتافته و در اثر درگیری، عده ای از دانش آموزان زخمی میشوند. مردم محله در در و در مدرسه جمع میشوند. آنچه که در این جریان اهمیت دارد گفتگوی ساژشکارانه طرفداران "مجاهدین" یا "دفتر هماغی رئیس جمهور" بود که بوسیله کمیته هماغی نیروهای انقلابی کمونیست افشا شد. مبارزات دانش آموزان این دبیرستان همچنان ادامه دارد.

این دبیرستان از طرف وزارت آموزش و پرورش منحل اعلام شده است.



"اگر آموزش و پرورش و تحصیل فقط محدود به مدرسه بود و از زندگی پرشور جدا میبود، ما بدان ایمان نمیداشتیم"

دبیرستان متحدین (شاهروید)

۵۹/۹/۱: در پی یورش پاسداران سرمایه به خانه چند دانش آموز انقلابی و اشغال آن، گروهی از دانش آموزان علیرغم مانعیت مدیر مدرسه با بالا رفتن از دیوارها به کمک دوستانشان می - شتابند. مدیر متوجه ورقه اخراج ۱۵ دانش آموز را بدیوار مدرسه نصب میکنند ولی روز بعد آنها بی توجه به دستور "مدیر مدرسه سرکلاس میروند که با مقامات ارتجاعی هواداران "انجمن اسلامی" مواجه میشوند. مدیر دبیرستان از یکسوی از دبیران میخواهد که تا "اخراجیها" بیرون نرفته اند، سرکلاس نروند که او رد مینماید و می - گوید وظیفه اش دادن درس است. در برخی از کلاسها دانش آموزان "اخراجی" را راهنمایی میکنند. ما در آن و دیگر اولیای دانش آموزان به اخراج فرزندانمان اعتراض کرده و حاضریم مواظبت - نمانده و از کار فرزندانمان پشتیبانی می - کنیم. ونسبت به رفتار روحشانه پاسداران اعتراض می نمایند. در شهرها هر دو حده ۶۰۰ دانش آموز دختر اخراج شده اند. جاسوسان پاسداران از دانش آموزان انقلابی که اطراف ساختمان اشغال شده تجمع کرده بودند عکس می گرفتند. پاسداران چندین دختر و پسر را خونین دستگیر کردند. مبارزه دانش آموزان علیه دستگیری دانش آموزان، مبارزات انقلابی و اخراجهای دانش آموزان مبارز ادامه دارد.

دبیرستان ۱۷ شهریور (تهران)

برگزاری بزرگداشت ۱۶ آذر، از طرف دانش آموزان انقلابی مراسم بیاس تجلیل از شهیدای روز دانشجو، ۱۶ آذر در محسن مدرسه برگزار گردید و ضمن افشای جنایات رژیم شاه در سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان به برقراری خفقان و ارباب و زندان و... در رژیم جمهوری اسلامی اشاره کرده و سیاستهای

ارتجاعی آموزشی رژیم را افشا کردند. دانش آموزان مبارز ضمن اعلام همبستگی با محصلین مدارس خوارزمی، مرجان، هدف، عاصمی، گارد و غیره که منحل و یا دانش آموزانش اخراج شده اند با فریادهای "محصل اخراجی حمایت میکنیم" "سکوت هر معلم، سکوت هر محصل لطمه به انقلاب است" و... اتحاد و همبستگی خود را با کلیه دانش آموزان و محصلین اخراجی اعلام کردند.

نظا هرات گسترده دانش آموزان انقلابی در سنج

روز یکشنبه ۵۹/۹/۸ - "ارسطو" شما پیسنده تمام الاختیار آموزش و پرورش کردستان با استناد به گزارش مدیر مدرسه و برای سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان در دبیرستان را هماغی خسروی سنندج حاضر شده و به دانش آموزان می - گوید: "قرار بود که ما چند روز دیگر از شما امتحان بعمل آوریم و شما دو سال در یک کلاس ننمانید، اما عده ای فدا انقلاب مانع از اینکار شده و هر روز عده ای مدارس را به آشوب میکشند ما بناچار امتحانات شما را به خردا دامامو کول کردیم در نتیجه شما یکسال عقب افتادید" سخنان این مزدور با اعتراض شدید دانش آموزان مبارز و بیرومی شود. دانش آموزان انقلابی در حالی که شما میدانند "مرگ بیا ارسطو"، "ارتجاع بیداند، ارسطو بیداند، مدرسه سنگر ما است"، و او از مدرسه بیرون میکنند. ارسطو مزدور نیز به تلافی حرکت دانش آموزان دستور انحلال دو کلاس مدرسه را میدهد. دانش آموزان مدرسه بمحض اطلاع از این تصمیم به حیاط مدرسه آمده و بطور گسترده ای به تظاهرات میپردازند. در همین حین پاسداران و جاسوسان به مدرسه ریخته و برای متفرق کردن دانش آموزان، به تیراندازی هوایی اقدام میکنند. اما دانش آموزان به شهر آمده و با پیوستن دانش آموزان دیگر مدارس به آنها به تظاهرات گسترده ای دست میزنند که کلیه مزدوران رژیم (استاندار، ارسطو، شهردا رونما بینندگان خمینی) برای سرکوب آن جلسه تشکیل میدهند. دانش آموزان انقلابی پس از طی خیابانهای شیخان ۲۵ شهریور، محله جورآباد از مردم می خواهند که از دانش آموزان پشتیبانی کنند. مردم مبارز سنندج با دادن شعارهایی از قبیل "پیشمرگه ناورت بهرزه، دوزمن نه خاتلرزه" ("پیشمرگه نمانت بلند است دشمن را به لرزه می اندازد) و "سری بیژان و عیراق، شهری، کهنه پرستان نه ری سرما بیداران، دژ بهرزه زحمتکشانه" ("جنگ ایران و عراق، جنگ کهنه پرستان جنگ سرما به -

بقیه در صفحه ۲۶

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

بت اگر من باشم بت پرستی خوب است!



میگویند جویانی بیش ملای ده رفت و رفت: "ما بعضی وقتها به جای جله دیگران را میدزدیم، آبغیبی ندارد..." ملا جواب داد: "نه، حرام است" جویان گفت: "اگر بپارکد اگر چه به ده میایم یکی از آنها را برای نمایانم و بگویم: "ملا گفت: "حالا ببینیم، عیبی ندارد!"

آیا فریاد نودده های ستم دیده و دغا رسو هم را که در خرداد ۴۲ فریاد میدزدند "خمینی بیست شکن... یادتان هست؟ آن نوهها و ناآکا هی - های توده از یکطرف و ضعفهای جنس اسفلاسی از طرف دیگر کسای را به قدر رت رسانده که حتی انتقالاتی نودده ها را به نا کما می (هر چند بیوفت) دغا را شناخته اند و امروز،

- در حالیکه ما خالی را هم از حلقوم کارگران و زحمتکشان میکشند،

- در حالیکه حداقل یک میلیون نفر آواره جنگ سرسای در این ریمان بدارند،

- در حالیکه تا مین نعت لباس گرم، کفش و بالاخره یک غذای گرم برای کارگران و زحمتکشان

نوجوانان آواره، بجای تحصیل، باید در جبهه بمیرند!



۵۷۱ م ۸۰۰۰۰۰۰۰
۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ن کتایب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف

۵۷۱ م ۸۰۰۰۰۰۰۰۰
۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ن کتایب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف

ن کتایب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف
ن کتب و کتب و کتابخانه های مختلف

و خانواده های آنان بصورت مسالهای مهم در - آسداست ، در حالیکه

میلیونها تومان خرج تبلیغاتی از این نوع که می بسید میشود، مطلقاً صرفی دوران سوم سلطنت سلولی دونا ره بشکل دیگر در خیابانها دیده مسود.

بد عکسی که از خیابان عباس آباد (تهران) جب سیمما شهر فریک گرفته شده و تصویر بسیار بزرگ آیت الله خمینی را روی ساختمان جنت طیفه ای نشان میدهد وقت کنید یک ماه است که چند نفر روی آن کار میکنند. و هنوز تا تمام است، از این تصویرها فراوانست در خیلی جا های تهران و شهرها پیدا در دست گرفته.

اما "مستغفین" نباید تعجب کنند، آنها موظفند جان بکشد در جنگ، کشته شوند، "تربیت سپاه دت" بیست و دو از این تصویرهای بت مانند حاجد بخواهند تا "خبر دت" و "خبر دت" "صیبان کرده!

سالروز ترور مفتوح و بیپناهان دیگر

که گرم نبود و حرکت در آید "به حرکت در آید، او از موسمی لبرالی به فعالیت افتاد و در نماز عبدالقادر قیصر به سال ۵۷" و نظا هرات بس از آن به فعالیت آشکارا پرداخت، او دارای روابط مخفی با سران رژیم گذشته بود، و بعضی از اعمال رژیم شاهما سندنصری در باره روابطشان با مفتوح در دادگاه حرفها بی زدند که ما از جزئیاتش خبر دصعی نداریم و ما نتنها از آن بزرگ اوراق افشا - گرانده دیگر در اختیار رتوده ها فرا نگرفت، او عضو شورای انقلاب هم شد ولی جسون رابطه اش با برخی از سران معدوم رژیم گذشته سابق عدا جبارا و مصلحتاً گنا رگذا شده شد، ترور او وسیله کروه تروریستی - مذهبی فرقه گان در آدرما ۵۸ سوزهای دادیدست فدا انقلابیون خاکمه را و نهید بسا زد و مدتی (هر چند کوتاه) نوده های نا آکا ه را بخود مشغول دارند.

احتیاجی به ما کسد ا رد که رژیم از سر و صدا ها می گذول "مصح" ها را به ما نداد طرفی برخواستند.

رژیم جمهوری اسلامی در جنگ تار ریح و سرتابیدن افتخارات دروغین برای خود دست بسیاری از دروغگویان را ازینت بسته است. هر روز سبانه ای پیدا میکنند و در هفته گذشته هم بیست سالگرد ترور شیخ محمد مفتوح جنگال زیادی بیا کرد، تبلیغات رژیم برای اوچه "قتالی" که ساخت و چه با مصلحت "نا نیرتکرف انقلابی" که برای او ترا سید، مفتوح شیخی بود اهل همدان که در رژیم زندگی میکرد و در دوران اخساق و حاکمیت فاسیدی رژیم شاه، سردر لاک خود داشت، بسه مبارزه کاری نداشت، لباسش معقول و منقول گرفت و دبیر منطق و فاسد دبیر سانه ای نم بود و پس در همین رتبه با مصلحت دکترا گرفت تا از فافله متحدان عقب نماند و سواد دکترا ر مظهری استاد دانشگاه الهیات بود، او هیچ سابقه مبارزاتی (حتی در جیبش محدود و سا - بیکی بر برخی روحانیون در سالهای گذشته) نداشت، او چگیری جنبش انقلابی و گرم شدن محیط مبارزات اجتماعی، او را نیز ما سندنکند فرصت طلبان موقع شناس "چون ماری افسرده

اگر رژیم جمهوری اسلامی

- * - برای فرزندان زحمتکشان مدرسه نمی سازد
- * - دانش آموزان انقلابی را از مدارس اخراج می نماید،
- * - دانش آموزان مناطق جنگی را در زیر سر سبها را تنها به مدرسه میکشاند،
- * - وسایل تحصیل را بیکان فرزندان زحمتکشان را فراهم نمیسازد،
- * - کوچکترین امکانات تحصیلی برای کارگران محصل بوجود نمیآورد....

آری اگر رژیم این اقدامات را انجام نمیدهد ما در مقابل بخشنامه های عریض و طویل می دهک:

- * - فرزندان آوارگان جنگ حق تحصیل ندارند
- * - جوانان مناطق جنگ زده باید "به جبهه بروند" تا "گوشت دم توب سرما بده داران شوند"
- * - جوانان آواره ای که با هزار درد و رنج از مناطق جنگی دور شده اند باید دوباره زیر سر کلوله توپها و بمبهای ارتش ارتجاعی عراق برگردند، مردم مبارز! توده های زحمتکش!

رژیم جمهوری اسلامی همانطور که در این سند می بینید کوچکترین ارزشی برای جوان زحمتکشان و فرزندان شان قائل نیست، رژیم در رادیو - تلویزیون و روزنامه ها بیس فریبکارانه برای "آوارگان" مستغفین سینه چاک میکند، اما رژیم دروغ میگوید و نه تنها دروغ میگوید بلکه به جانی که راه نترین سیاستها اقدام می نمایند رژیم و قیحا نه جوانان مردم ما را به زور از تدریس بازمیدارد و آنها را بزور به جبهه جنگ میفرستد تا آنان قریبانی اهداف فئودرمدی جمهوری اسلامی بشوند، ننگ برجین رژیم که سز فلاکت، سرکوب و کشتار برای توده های زحمتکش و فرزندان شان چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

صدویکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!

"افرادی که به زبانی مختلف صحبت می -
نمایند مضمودیکدیگر را بدرک نمی کنند ،
برابر کلماتی وجود دارد که در تمام زبانها
یکنواخت تلفظ میشود ، این کلمات
عبارت انداز : لنین ، استالین ، شوراه "
(ماکسیم گورکی)

مبارزات استالین: فولاد آبدیده

رفیق ژوزف ویساریونویچ استالین در ۲۱
دسامبر ۱۸۷۹ در شهر گوگی دریک خانوادۀ
کارگری متولد گردید . از همان جوانی به
فعالیت انقلابی و آموزش ماورکسیم پرداخت .
او برای بیدار کردن طبقه کارگر و هدایت
مبارزات طبقه کارگر و نیز در جهت ایجاد سازمانهای
کارگری بنفین با رزی داشت . در مبارزه علیه
تزاریسوم برای تدارک قیام ۱۹۰۵ در متشکل
ساختن و تسلیح کارگران نواحی قفقاز و سپس
مهمی ایفا کرد . رفیق استالین در جریان مبارزه سالهای
۱۹۱۳ - ۱۹۰۲ هشت مرتبه توسط مامورین تزاری دستگیر
شد که آنان میان شش دفعه از تبعیدگاهها فرار نمود .
رفیق استالین به موازات این فعالیت -
های انقلابی ، او در حوزی را بیگرا به دنبال
می نمود و با دشمنان ماورکسیم - لنینیسم -
سختانه مبارزه میکرد . در این زمینه استالین
که خود را سازگار دلتین می دانست همدوش او از
خط مشی بلشویکی به دفاع برداخته و از جمله
رساله "مختصری درباره اختلافات درون حزب" و رساله
"تاریخیم ما سوسیالیسم" را در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ نوشت
در کنفرانس پراگ (ژانویه ۱۹۱۲) بنا بر
پیشنهاد لنین ، رفیق استالین غیبا به دعوت
یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب و در راس ارکانی
که رهبری تمام مورحزبی سازمانهای بلشویکی
را بعهده داشت انتخاب گردید . روزنامه "پراودا"
که نقش براهمیتی در تربیت و تشکل نموده ها
باری نموده ، به استکار رفیق استالین انتشار
پیدا نمود . او در سال ۱۹۱۳ - ۱۹۱۲ رساله ارزنده
"مسئله ملی و ماورکسیم" را در رشته تحریر آورد .

استالین ، ادامه دهنده راه لنین

رفیق استالین در رهبری انقلاب اکثر ،
نقش بسزائی داشت . وی از سزهای آوریسول
لنین مبنی بر تبدیل انقلاب دموکراتیک به
سوسیالیستی و از پیشنهاد لنین برای برپا
نمودن قیام با جدیت تمام پشتیبانی کرده و
مقابل مواضع تسلیم طلبانه زیویف و کاستف



که آغاز نمودن قیام را رد می نمودند -
مخالفت نمود . با لایحه انقلاب اکثریت
داها به حزب بلشویک بدرهبری لنین به
پیروزی رسید و با غرض توبیهای اکثریت
رسا و سیمگین پرولتاریای جهانی بود ، عصر
جدیدی در تاریخ آغاز شد . با پیروزی انقلاب
اکثر در جهان سرمایه داری شکست افتاد و

مبنی بر پذیرش سوسیالیسم توسط کولاکها -
(بورژوازی ده) ، در حقیقت شوری آشتی پذیری
و هم سرنوشتی مالکیت خصوصی و سوسیالیسم را
سر ملا نمود .

رفیق استالین به موازات پیشرفت و
شدید مبارزات درون حزبی بر علیه نمایندگان
بورژوازی که انگکاسی از مبارزه طبقه کارگر
در جامعه شوروی بود ، بر نامه های پنج ساله
اقتصادی را در دستور قرار داد . بر اساس این
برنامه های سوسیالیستی ، کشورش را به کشوری
صنعتی و مدرن تبدیل گشته ، کشاورزی اشتراکی
گردیده و کولاکها به یک طبقه بنا بود گردیدند
حزب بلشویک تحت رهبری رفیق استالین
توانست با برنامهریزی داها به سوسیالیستی ،
کشور عقب مانده روسیه تزاری را به یکی از صنعتی
ترین و پیشرفته ترین کشورهای جهان تبدیل نماید که در
پناه سیستم سوسیالیستی ، رفاه و آسایش عمومی پرولتاریا
وزحمتگشان تا مین گردیده و مضرات و بلاهای
جوامع سرمایه داری در آن نابود شده بود .

حماسه جنگ کبیر میهنی بر علیه فاشیسم

در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ آلمان امپریالیستی
هیتلری غافلگیرانه به شوروی سوسیالیستی
حمله مسلحانه میکند . امپریالیستهای آلمان
بودند تا سوسیالیسم را برای همیشه دفن کنند ، ولی

■ شکست فاشیسم هیتلری توسط کشور سوسیالیستی شوراهای ، اگرچه مایه ناپاک گشته از
زحمتگشان شوروی برجای گذاشت ، اما آزمایش بزرگ برای طبقه کارگر و خلقهای شوروی و
جهانیان بود و توده های زحمتکش شوروی نشان دادند که به سوسیالیسم راه لنین ، حزب
بلشویک و رفیق استالین عشق میورزند و حاضر نیستند به هیچ قیمتی یوغ بندگی فاشیسم را
پذیرا گردند .

■ تنها رویزونیستهای خروشچنی دشمنان استالین نیستند ، بلکه آنها در دشمنی با
استالین از یاری امپریالیستها ، و مترجمین و تروتسکیستهای ضد انقلابی نیز برخوردارند
کینه عمیق آنان به استالین ، در حقیقت کینه ورزی نسبت به کمونیسم است . پس ، آری هر
کس که نسبت به استالین دشمنی ورزد ، بهست و فرومایه است ، زیرا استالین سبیل
ساختمان سوسیالیسم و دستاورد های پرولتاریای جهانی است .

برچهرخ شوراهای سوسیالیستی برافراشته
گشت و جهان به دو اردوگاه قطعی تقسیم گردید .
رفیق استالین در سال ۱۹۲۴ خاتمه
رفیق لنین کست و بدریکلی حزب بلشویک
انتخاب گردید . رفیق استالین در مبارزه
ایدئولوژیک علیه انحرافات "جیت" روانه و
راسرواندیم سزائی داشت ، سوره مبارزات
وی علیه بروسکی و تروتسکیسم و بوخارین و . . .
زبا برد جنس جهانی کمونیستی است ، وی بنا
سوسن رساله اصول لنینیسم " در سال ۱۹۲۴ علیه
محکم تروتسکیسم و اردو اردو و انکار به
شوری لسی رندما موزون اقتصادی - سیاسی
کشورهای سرمایه داری در عصر امپریالیسم و
امکان بربراری سوسیالیسم در یک کشور ، نظرات
تسلیم طلبانه بروسکی را مبنی بر عدم امکان
پیروزی سوسیالیسم در یک کشور افشا نمود .
وی همچنین در مبارزه علیه بورژوازیسم
راس بوخارین ، سزهای انحرافی بوخارین

حکم تاریخ چیز دیگری بود . رفیق استالین در
راس حزب بلشویک و نیروهای مسلح ارتش سرخ
جنگ انقلابی خلقهای شوروی را علیه ارتش
تجا و زگر آلمان هدایت کرد و با لایحه در مقابل
فهرما نیهای طبقه کارگر و سروسایرتوده های کشور
شوراهای وفداکار بیجای ارتش برافتخار سرخ ،
انفیلگران نازی در استالینکرا در هم شکسته
شدند . شکست فاشیسم هیتلری توسط کشور
سوسیالیستی شوراهای ، اگرچه مایه ناپاک گشته از
زحمتگشان شوروی برجای گذاشت ، اما آشتی
بزرگ برای طبقه کارگر و خلقهای شوروی و جهانیان
بود و توده های زحمتکش شوروی نشان دادند که
به سوسیالیسم راه لنین ، حزب بلشویک و رفیق
استالین عشق میورزند و حاضر نیستند به هیچ
قیمتی یوغ بندگی فاشیسم را بپذیرا گردند .
رفیق استالین با شکست فاشیسم هیتلری ، صلاحیت
رهبری مبارزه دفاعی سوسیالیستی کشورش را به



مبارزات توده‌ها و نقش رویزیونیست‌ها

آمل: در جریان درگیری‌های اخیر و گسترش جنبش‌ها و امت‌توده‌ای هنگامیکه رفقای ما و دیگر نیروهای کمونیست متحداً مجاهدین به مقابله با ارتجاع برمیخیزند، هواداران رویزیونیست‌های "اکثریت" در آمل هم‌سایه است رویزگی‌شان در استان ارتجاع حاکم، هیچگاه از سنگ‌اندازی در مبارزه مردم‌وچاپلوسی رژیم دست‌برندا نشدند، برای مثال هنگامیکه یکی از هواداران مجاهدین در اثر کلوله‌ای سلحیه با ساداب آن جهل و سرمایه‌مجرور شد، توسط یکی از رفقای "اقلیت" از محسنه درگیری خارج شد، هواداران "اکثریت" پیورخند زان به تسمخ میبردند و البته آنها با برخورد قاطع و انقلابی رفیق اقلیتی مواجه شدند، ویکی از ما در آن مبارز نیز خیا نشهای جریک‌های اکثریت و حمایت آنها از ساداران را افشا نمود، در این مبارزات توده‌ای هواداران "راه‌کارگر" نیز نقش‌آفرینی نمودند و از صحنه مبارزات مردم‌غایب بودند و رویزیونیست‌ها نه در کنار مردم مبارز، بلکه با روهمدم ارتجاع و پاسدارانش بودند.

بقیه از صفحه ۱۹ **تقویت...**

مشترک خود با آمریکا و استراتژی جدیدشان بخبرکارها بهیافتند. و ناگزیر بر فعالیت و حضور نظامی خود در عمان افزودند، آنها تعداد مستشاران نظامی خود در نیروهای مسلح عمان را افزایش دادند، این مستشاران فرماندهی ارتش قابوس را در دست دارند، اخیراً قراردادی بین قیس الزواوی وزیر خارجه عمان با اربابان انگلیسی اش در این باره به امضاء رسیده است.

از حدود یک سال پیش که ملکه انگلیس از عمان دیدار کرد و دیدارهای متعددی که پس از آن مقامات انگلیسی از مسقط و مسوولین عمانی از لندن کرده اند، اخبارها صحبت از این شده است که انگلیس‌ها میخواهند بر حضور نیروهای نظامی خود در عمان بیافزایند، ما نورمشترک هواشی و دریائی نیروهای انگلیسی و آمریکا شنی اخیراً در آبهای این منطقه صورت گرفت و طی ماههای گذشته بر تعداد ناوگانهای جنگی انگلیس در منطقه ما افزوده شده است.

امپریالیستهای آمریکا و انگلیسی دست اندرکارسان ختن با یگانهای نظامی در منطقه مسندم (رئوس الجبال) هستند و بین خلیج عمان و خلیج فارس کاتالی به طول ۶ کیلومتر قرار است حفرت کنند تا در صورت بسته شدن تنگه هرمز عبور و مرور کشتی‌ها را بتوانند تا مین نمایند، امپریالیستهای فرتوت انگلیسی "فیلشان با دهند و ستان کرده است" و خواستار بازگشت به عهد قدیم هستند، اما خلقهای بیچاره منطقه دیگر فریب آنها و دست‌نشانگان را نخواهند خورد و با سخنان را با قهر انقلابی خواهند داد.

از یاری امپریالیست‌ها و مرتجعین و ترسکینست‌های ضد انقلابی نیز برخوردارند، کینه عمیق آنان به استالین، در حقیقت کینه ورزی نسبت به کمونیسم است و پس از آن هر کس که نسبت به استالین دشمنی ورزد، بیست و فروما به است. زیرا استالین معمولاً سخنان سوسیالیسم و دستاوردهای پرولتاریا را چنانی است. رفیق استالین اگر چاره‌بری نایسته و چهره‌ای برجسته در دنیا، کمونیسم بوده و هست و نام او همیشه در قلب زحمتکشان جهان زنده خواهد ماند، اما در دوران رهبری حزب بلشویک دچار انحرافات جدی گردید که لطمه‌ای جدی به ساختمان سوسیالیسم وارد آورد. از جمله وی به نفس مبارزه با بدثولوزیک درون حسی بخصوص از سالهای ۳۰ به بعد، بهای کافی نداده و این خود مانع از آن گردید که با روتونیست‌های یک مبارزه با بدثولوزیک عمیق و بی‌امان و توده‌ای به اندازه کافی افشا شوند، این انحراف غیرمعمول آنکه رفیق استالین در او از عزم بدستی و بی‌حدودی به انتقاد از آن دست‌یافت، در رتبه رویزیونیسم در حزب بلشویک بی‌تائیر نبود و رویزیونیست‌ها که از حزب طرد و افشا نشده بودند، بعداً از مرکز رفیق استالین بتدریج توانستند قدرت را در حزب و دولت بدست گیرند و ساختمان سوسیالیسم در شوروی را به تکست بگشایند، البته اگر چه این انحرافات، حداً از انحرافات حزب بلشویک در آن زمان نبود، ولی بهر حال بدلیل نقش رهبری، رفیق استالین مقام و جایگاه ویژه‌ای در انحرافات حزب دارا می‌باشد. در همین رابطه باید از تکیه یک جانبه رفیق استالین به عامل زیربنائی و کم‌بها دادن به عامل ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی و نقش آن در تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم یاد کرد، این کم‌بها دادن به عناصر ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی بویژه پس از جنگ جهانی دوم و در شرایطی که آسیب‌های جدی به اقتصاد سوسیالیستی و صنعت وارد شده بود و دنیا زبانه تکنوکرات‌ها و متخصصین شدیداً احساس می‌شد عواقب زیان‌باری را فراهم آورد و موجب قدرت‌گیری تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها به‌مثابه تکیه‌گاه طبقاتی رویزیونیسم و بعنوان نمایندگان بورژوازی در حزب گردید.

بهر جهت برخورد دقیق با نقش و جایگاه رفیق استالین در امر هدایت کشورش و مبارزه پرولتاریای بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و جایگاه‌دار در برابر انحرافات راست و "جیب" در این مورد جنبش کمونیستی ما این مسائل را مورد بررسی دقیق - تروهمه‌جانبه تر قرار دهیم.

مدویمکی سالگرد تولد رفیق استالین را گرامی بداریم و بگوئیم تا به راه‌سرخ پرافتخار وی وفادار بمانیم و برچشم پرولتاریای بین‌المللی را همچنان برافراشته نگاهداریم!



شیوت رسا نشید و تحسین خلقها و پرولتاریای جهانی را برانگیخت، شوروی سوسیالیستی تحت رهبری رفیق استالین و حزب بلشویک از مبارزات خلقهای تحت ستم‌چین، آلبانی، ویتنام و زحمتکشان سراسر جهان حمایت نمود و در پیروزی انقلابات چین، آلبانی، ویتنام و مودموکراسی‌های توده‌ای در اروپای شرقی و... نقش موثری داشت، علاوه بر آن با ایدئولوژی آرزنده رفیق استالین در هدایت کمینترن و کمینفرم‌ها درگرم، کمینترن به رهبری رفیق دیمتریف با رهنمودهای رفیق استالین نقش مهمی در هدایت احزاب و سازمانهای کمونیستی سراسر جهان ایفا نمود و آنها را در مبارزه ملی و طبقاتی مورد حمایت همه‌جانبه خود قرار داد. در ضمن با ایداز مبارزات رفیق استالین و کمینفرم علیه تیتوئیسم نیز یاد کرد، پس از آنکه دارودسته رویزیونیستی تیتو به قدرت رسید و به طبقه‌کارگر خیان‌ت‌آشکار نمود، رفیق استالین و حزب کمونیست شوروی به مبارزه انقلابی با آن پرداختند و چهره‌گریبه رویزیونیسم تیتوئی را به احزاب کمونیست سراسر جهان نشان داد، این مبارزه نشان داد که تیتوئیسم بزرگوار بوده و بویگوسلاوی به یک کشور سرمایه‌داری تبدیل شده است، بدینال این مبارزه بود که تیتوئیسم به‌مثابه یک جریان ضد انقلابی و خدمت‌گزار امپریالیسم افشا و طرد گردید.

بدینال یک عمر مبارزه فداکارانه در راه سوسیالیسم در شرایطی که بیش از ۳۰ سال رهبری کشور شوروی سوسیالیستی را به عهده داشت رفیق استالین در مارس ۱۹۵۳ درگذشت. پرولتاریای جهان با مرگ رفیق استالین یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین فرزندان مارکسیسم - لنینیسم را از دست داد، و دنیای کار و زحمت در سوگ مرکش در غم و اندوهی عظیم فرو رفت.

دشمنی با استالین،

دشمنی با کمونیسم است

بعداً از مرگ استالین بدلیل برخی انحرافات وی و حزب بلشویک و رشد رویزیونیسم در حزب کمونیست، رویزیونیست‌های خروشقی بشدت رسیدند و بتدریج کلیه بیروان استالین و در حقیقت کلیه رهروان کمونیسم را از حزب تصفیه کردند.

آنان که نمیتوانستند کمونیسم، محبوب کارگران و زحمتکشان شوروی را مستقیماً مورد حمله قرار دهند، گوشیدند درین حمله به استالین به کمونیسم حمله کنند، خود را زیر نقاب مارکسیسم پنهان نمایند، تا از آماج حملات توده‌ها در امان بمانند، اما تاریخ ثابت نمود که استالین دوست خلقهای جهان و برچمداراه کمونیسم بوده است و رویزیونیست‌های مرتد خروشقی دشمنان خلقهای شوروی و جهان و از زمره رهروان راه‌سرمایه‌داری بوده و هستند.

اما تنها رویزیونیست‌های خروشقی دشمنان استالین نیستند، بلکه آنها در دشمنی با استالین

پیکار

رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۳)

این مقاله در ادامه مطالب قبلی به اتکای نظرات رفقای رزمندگان درباره جنگ و سایر موارد تا شماره های اخیر رزمندگان (قبل از ۴۱) میباشد. ما در اولین فرصت نظرات خود را درباره مواضع جدید رفقای رزمندگان (مدرج در شماره ۴۱) اعلام خواهیم کرد.

ج- راه کارگر: مخالفت تلویحی با جنبش خلق کرد.

رزمندگان: آتش بس مبارزه طبقاتی در جنبش خلق کرد!

راه کارگر در چندین مقاله اش در مورد کردستان، آشکارا مدافع صلح اجتماعی و سازش طبقاتی گردیده است. برای نمونه میگوید: "در این شرایط اوجگیری توطئه های امپریالیسم بر علیه زحمتکشان ایران، برقراری آتش بس در کردستان و آغاز مذاکره به جهت یا فتنه راه حلی که تضمین کننده یک صلح پایدار (؟) در این قسمت از خاک میهن ما باشد، بیش از هر هنگام مدبر ضرورت خود را نشان میدهد." (راه - کارگر ۲۵ که تاکید خود را بر راه کارگر است). راه کارگر تا آنجا می رود که تلویحا از خلق کرد می خواهد دست از مبارزه مسلحانه بردارد. (راه کارگر ۵۱)

صلح پایدار یعنی چه؟ مگر امکان دارد بین خلق کرد و رژیم فدا انقلابی، راه حلی که تضمین کننده یک صلح پایدار باشد یافت؟ مگر برقراری صلح پایدار بجز با بود کردن رژیم فدا انقلابی یا با سرکوب جنبش خلق کرد، دست یا فتنی است؟ آیا راه کارگر زمانیکه از "صلح پایدار" سخن میگوید، خواهان آن نیست که خلق کرد از مبارزه مسلحانه دست بکشد، آیا خلق کرد با دست کشیدن از مبارزه مسلحانه میتواند در جهت تداوم انقلاب دموکراتیک خلقها گام بردارد؟ دعوت برای توافق هم برقراری صلح پایدار و دست کشیدن خلق کرد از مبارزه مسلحانه، در حقیقت دعوت از خلق کرد برای دست کشیدن از مبارزه قهرآمیز و تبلیغ رفرمیسم و رویزیونیسم است.

و اما رزمندگان: رزمندگان شاعران می دهند "آتش بس در کردستان بسود خلق ما سببیت" (رزمندگان ۲۴) و بی توجه به ماهیت ارتجاعی رژیم، به رژیم رهنمود میدهد که سر باز نشود از کردستان به خوزستان منتقل کند. (رزمندگان ۳۱) رزمندگان نمیگویند که کدما آتش بس، تحت چه شرایطی و به چه دلیلی بسود خلق ما است. آیا صلح مسلح و تحمیل آتش بس به ارتجاع، برای تقویت صفوف خویش و آماده شدن برای جنگی عظیمتر بسود توده ها یا بیدردستور با شدت آتش بس جهت تثبیت رژیم مرتجع حاکم؟ یا در جنبش شرایطی کمک به جنبش مسلحانه خلق کرد، شعله ور ساختن آن برای بیرون راندن ارتش و پاسداران

و در حقیقت برای سرهم زدن نظم تثبیت شده بنفع توده ها است یا آتش بس؟ آیا فرمان چنین آتش بسی، جز فرمان ایست دادن به مبارزه ملی - طبقاتی خلق کرد و جلوگیری از آن است؟ رزمندگان زمانیکه از رژیم ملتسازانه

تفاهای آتش بس و انتقال ارتش به خوزستان را میکند، نشان میدهد که در تعمیق ابورتونیسم خود حرکت میکند. مگر یک رژیم فدا انقلابی حاضر است دست از سرکوب انقلاب بردارد؟ مگر ممکن است تا وقتی نیروهای انقلابی صلح را سرا و تحمیل نکرده اند، به صلح موقت با انقلاب تن - دردهد و مگر ممکن است "دلش به رحم آید" و از سر کوب خلق کرد دست بردارد، که ارتش را از کردستان به خوزستان ببرد و با عراق بجنگد؟ چه بسا راهای باطلی اما اگر ایفای مصلحت که میآورد - انقلاب ممکن است با فدا انقلاب سازش کند و لسی با انقلاب هرگز! آری اگر این درک الفبای مل برای رزمندگان آموختنی نبود، واقعیت شوخی - ناپذیر، سبلی محکمی بر صورت رزمندگان نواخت، چه رژیم بسا به ما هیت خود نه تنها حاضر نشده است از سرکوب خلق کرد بردارد، نه تنها ارتش را از کردستان به خوزستان نبرد، بلکه به تشدید سرکوب خلق کرد پرداخت و بخشی از نیروهای دا و طلب جبهه جنگ را هم به کردستان فرستاد تا سرکوب را شدت بخشد!

چنین است که رزمندگان و راه کارگر، هر یک به فراخور میزان گرایشات رویزیونیستی گشتان در برخورد به جنبش خلق کرد، نغمه های فدا ثبات اکثریت را ساز میکنند، اکثریت نیز از شعار صلح در کردستان شروع نمود و سرانجام به دشمنی آشکار با جنبش خلق کرد پرداخت و کمربند خدمت بورژوازی حاکم بست، اگر انحرافات این رفقا تعمیق یا بدیه سر نوشت فدا ثبات اکثریت منجر خواهد شد. باز هم هشدار که خطر عمیقا نزدیک است!

د- راه کارگر رزمندگان: در فکر اصلاح ارتش ارتجاعی!

یکی از معیارهای اساسی برای شناخت میزان وفاداری به ما رکیسم، چگونگی برخورد به نهادهای سرکوبگر ارتجاع این یا به ها و ستونهای اصلی برقراری سلطه بورژوازی است. برخورد به ارتش و سایر دستهای صلح در یک کلام به معنی برخورد به ماشین دولتی است. از نظر گام - ل ارتش و دستهای صلح رژیمهای بورژوازی ابزار سرکوب پرولتاریا توسط

بورژوازی است و به قول لنین در دموکراتیک ترین جمهوریها نیز با "تسلیح بورژوازی، بر ضد - پرولتاریاست" (انقلاب پرولتری کا شوکتی مرتد)

بدین ترتیب هیچ جای شکی باقی نیست که ارتش در جوامع نظیر ما ابزار سرکوب توده ها است و هرگز نمیتواند انقلابی عمل کند. چرا که اگر یک دولت ارتجاعی است، ابزار سرکوب آن نیز ارتجاعی خواهد بود، اما رویزیونیستها همواره میگویند به این اعتبار که توده های تشکیل دهنده ارتش، کارگران و زحمتکشان هستند بر ما هیت آن برده است و فدا کننده و حتی آنرا انقلابی بخوانند، آنها آگاهانه فدا موش میکنند که ارتش، مانند هر نهاد دیگری، دستگاهی است که توسط سیاست حاکم بر آن عمل میکند و توده های ارتش هر چه باشد، بدلیل آنکه نظم، سیاست و سلسله مراتب حاکم بر آنهاست، مترتب بر آن توسط حکومت تعیین میگردد، این افراد نقشی در سیاست ارتش ندارند، همانطور که در جامعه سرمایه داری، آنجا که مناسبات تولیدی سرمایه داری در آن حاکم است، آنجا که مالکیت در دست طبقه سرمایه دار است، آنجا که قدرت سیاسی در دست اوست و در یک کلام نظم سرمایه داری بر آن جامعه حاکم است، بسا بر این یک نظام ضد انقلابی است، هر چند که اکثریت قاطع افراد تشکیل دهنده آن جامعه، کارگران و زحمتکشان باشند، رویزیونیستها میگویند به اعتبار توده تشکیل دهنده ارتش، به آن جنبه مترقیانه بدهند و بر نقش فرماندهان و سیاست و نظم حاکم بر آن برده افکنند. فی المثل کیا نوری در مصاحبه ای در دیماه ۵۷ ارتش شاه شاهان را خلق خواند، چرا که ۹۰ درصد آنرا فرزندان زحمتکشان تشکیل میدادند، فدا ثبات خلق نیز آن هنگام که هنوز رویزیونیست نشده بودند، از آنجا که سرکوب توده ها توسط پاسداران را میدیدند، جناحی از آنرا ارتجاعی میخواندند و از آنجا که در ارتش در مقابل بورژوازی بودند جناحی انقلابی برای آن میتراشیدند، بدین بها نه که توده های این نهاد (پاسداران) را تشکیل داده بودند، البته زمانیکه انقلابی با این یافت و بسا رویزیونیسم در غلطیدند، آنگاه این نهاد سرکوب انقلابی شد. "تا آنجا که" در آ میختن خون پاسداران فدا ثباتی "نهایت آرزوی ما است گشت!

اما اگر رویزیونیستها آشکارا ارکانهای سرکوب بورژوازی را ستایش میکنند، رفقای رزمندگان و راه کارگر، هر یک بنوبه خود با تحریف ما رکیسم، به جدا کردن توده های ارتشی از نظام حاکم بر آن می بردند و گرایشات رویزیونیستی خود را عیان مینمایند. رزمندگان میگوید: "غافل از آنکه نیرومند بودن روحیه"

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم



استقلال طلبان نه‌فدا مپریالیستی در میان توده های ارتشی و سایر توده ها ... آب سردی بر آتش نقشه های "امپریالیسم ریخت ویا" در این میان توده های ارتشی بیش‌تر گشتند، آنها در موارد بسیاری فرماندهان خود را بزور اسلحه وادار به شرکت در جنگ میکردند و خود نیز بسا رشادت و از جان گذشتگی توده ای که از انقلاب خود دفاع میکنند، با به میدان نهادن خود، " (رزمندگان ۳۵ تا کیدازماست .)

بدین ترتیب رزمندگان مدعی میشوند که :
۱ - توده های ارتشی علیرغم فرماندهان نشان در نبرد با امپریالیسم شرکت میکنند .
۲ - فرماندهان نشان مخالف این شرکتند، اما بزور اسلحه در جنگ شرکت میکنند. چه استان جالبی ! اپورتونیستها زمانیکه فایده شان تنگ آید به هر شعبه بازی هم کلازمها شد دست میزنند، بدین ترتیب اولاً، ارتش در رژیم پارسا سدار سرمایه داری وابسته میتواند به نبرد علیه امپریالیسم بپردازد، ثانیاً این سیاست ضد امپریالیستی را توده ها تعیین میکنند، بدین معنی که سیاست حاکم بر جماعتی سرکوب طبقه ای از آن طبقات حاکم نیست ! یعنی این ضد انقلاب نیست که ارتش خویش را بعنوان جماعتی برای سرکوب انقلاب بخدمت میکند، بلکه این توده های ارتشی هستند که ارتش را بصورت جماعتی بر علیه امپریالیسم بکار میگیرند و ارتش "فرد امپریالیست" میشود، ثالثاً، در این ارتش تنها فرماندهان بدهستند که آنها را هم بزور می توان تحت کنترل در آورد و در جنگ با امپریالیسم شرکتشان داد، بدین ترتیب رزمندگان با جدا کردن توده های ارتشی از سیاست حاکم بر آنها و فدا مپریالیست قلمداد کردن آنها در اساسی ترین مقولات ما رکیسیم یعنی دولت (و ارگانهای سرکوبش) تجدید نظر میکنند، ارتشی که رزمندگان تصویر میکنند علیرغم وجود فرماندهان نشان، توده ها بر آن حکم میرا نند و عبارت دیگر سیاستش که "فدا مپریالیستی" است از پائین تعیین میشود نه از بالا، علاوه بر این در اینجا یک سؤال برای ما مطرح میشود آن اینکه چرا این توده مین پرست، انقلابی و فدا مپریالیستی ارتش در جنگ گردستان، فرماندهان خود را به زور وادار نکردند، بدفاع از خلق کرد بچنگند؟! گریپرسنل انقلابی ارتش میتواند خود سیاست طبقه ای اش را به این جماعتی سرکوب دیکته کند، چرا در گردستان این کار را نکردند؟! تکنجذب توده و فدا نشینان اکثریت، راست میگویند و این "ارتش ضد امپریالیست" در گردستان هم بر علیه امپریالیسم می جنگد؟

راه کار رکنیز که برای تحریف ما رکیسیم رزمندگان کورس گذاشته است میگوید: "اینگونه اقدامات (منظور کار شکنی های فرماندهان بیکار)، فداکاریها و از خود گذشتگی سربازان و درجه داران میهن پرست را که با ما موجود از سرزمین خویش دفاع مینماید، با شکست روبرو

میما زد،" (راه کار رگر ۴۷)

رفقای راه کار رگور رزمندگان که توده ارتش یعنی اکثریت قاطع ارتش را جدا از سیاست حاکم بر آن فدا مپریالیست میداند، یک اشکال در تبدیل این ارتش به ارتش خلق دیده و آن شکل شورا در ارتش جمهوری اسلامی است، رزمندگان میگوید: "ما فکر (؟) میکنیم که فرماندهان ارتش قایل اعتبار نیستند و بهمین دلیل با بدبختیها و نگرانیها و نگرانیهای ارتشی و تفویض اختیارات به آنها خطر قدرت گیری فرماندهان معلوم الحاح را خنثی کرد،" (رزمندگان ۲۲) و یا بقول راه کار رگر: "نظام کهنه ارتش که نظامی است جدا از مردم و بر اساس سلسله مراتب و اطاعت کورکورانه بنیان گذاشته شده (صحت از اساس ما هیت طبقه ای ارتش جمهوری اسلامی این جماعتی سرکوب سرمایه داری نیست - بیکار) با عث گردیده است که ارتش علیرغم تمام امکانات و تجهیزات مدرن و حمایت بیدریغ توده ها نتواند تنها و زنجینکا را نه رژیم عراق را درهم کوبد، تنها با نظام شورائی است که می توان برای این عدم هماهنگی و هرج و مرج و بی انضباطی غلبه نمود،" (راه کار رگر ۴۷)

به انقلاب و قهر است، بهمین ترتیب میتوان به مقصود رسید!

بدین ترتیب راه کار رگور رزمندگان نه تنها میگویند جدا کردن توده ارتش از سیاست حاکم بر آن و مستقل نمودن عملکرد آن از عملکرد دستگا ه "ارتش، جنگ، ارتش یا رژیم" را هم مترقی جلوه دهند بلکه حتی میگویند با از آنکه رهنمودها و پیشنهادات نظام فدا انقلابی ارتش را به نظام انقلابی و فدا مپریالیستی در چهار چوب رژیم جمهوری اسلامی بدل گردانند! واقعا این انحرافات نذر راه کار رگور رزمندگان حکایت از چه میکنند؟ در یک کلام این انحرافات حاکی از تعمیق گرایشات رویزیونیستی این دو جریان است، رفقا بخود بیا نید که رویزیونیسم در راه فتح سنگراست

راه کارگر : اپوزیسیون گراتی

با دیدگاهی که راه کارگر نسبت به اساسی ترین مقولات ما رکیسیم دارد: اعتقاد به استقلال سیاسی رژیم، رنگ آمیزی ارگان سرکوب مانند ارتش، مخالفت تلویحی با جنبش خلق کرد، تاکید بر افزایش تولید کارگران، تشویز به کسردن

ما به همه هواداران و اعضا صادق راه کارگر اعلام خطر میکنیم، این ره که راه کارگر می رود به انقلاب اکثریت فداشان خواهد رسید. هشداری که رویزیونیسم جشن دیگری برپا ندارد!

فرمولی اپورتونیستی برای افشاکری کسه معنای جز دست کشیدن از انضای برا و مستقیم ارتجاع بنا در رهنمود و خواهی را بجای افشاکری مستقیم پیشنهاد نمودند، آری با چنین دیدگاهی و با تعمیق هر چه بیشتر ترز هسای رویزیونیستی، راه کارگر راه دیگری بجز دست شستن از اقدامات انقلابی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ندارد، اپوزیسیون گراتی، بعنوان ادامه طبیعی این انحرافات ظاهر میشود.

هنگامیکه رفقا معتقد میشوند: "هر نوع عمده کردن مبارزه با ارتجاع داخلی در لحظه کنونی، انحرافات از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف مردم ما در برابر امپریالیسم منتهی میشود،" (راه کارگر شماره ۴۳) بایستی نیز در انتظار توقف اقدامات انقلابی از سوی آنان بود، راه کارگر ناراحت است که: "هیچ اپوزیسیون انقلابی و حتی مترقی در چارچوب قانونی امکان عرض وجود ندارد،" (راه کارگر ۵۳) متأسفانه خود میگویند "اپوزیسیون" رژیم بدل شود، حتی اگر قانوناً به رسمیت شناخته نشود! بدین ترتیب راه کارگر به نصیحت ارتجاع می پردازد و به امید میگوید که پذیرش رهنمودهایش بسود خود ارتجاع نیز خواهد بود.

راه کارگر میگوید: رژیم باید آزادی بدهد تا ما بسج سیاسی راه بیانند ازیم و بسج نیز میبایستی در خدمت بقیه در صفحه ۱۴

فعلا با این شیوه برخورد ناصحانه و غمخوارانه با آنها در کوب رژیم کاری نداریم، اما رفقای رزمندگان و راه کارگر! پس ما هیت ارتجاعی رژیم چه می شود؟ پس ما هیت ارتجاعی ارتش دست پرورده آمریکا چه میشود؟ رفقا چه میگویند؟ ما پیشنهاداتی مبتنی بر تنظیم فعالیت ارتش میدهید، که چگونه هرج و مرج را از زمین ببرد و نظم را ایجاد کنند، کدام نظم؟ مگر ممکن است ارتش جمهوری اسلامی نظامی بجز نظم فدا انقلابی داشته باشد؟ مگر "ارتش متحجرترین آلت پشیمانی از نظام کهنه و سفت و سخت ترین تکیه گاه بورژواژی و پشیمانی سلطه سرمایه و وسیله حفظ و تربیت روح انقیاد برده و اردر زحمتکشان و تابع نمودن آنان به این سلطه نیست؟ (لنین - انقلاب پرولتری و کوشکی مرتد) (تا کیدازماست)

بنا بر این رفقا چگونه میخواهید با سپردن اختیارات در درون چنین ارتشی بدست شوراها (در جمهوری اسلامی) نقش و عملکرد آنرا اصلاح کنید، مگر هدف کمونیستها اصلاح ماشین دولتی (ارتش) از طریق سپردن قدرت بدست شوراها در چهار چوب جمهوری اسلامی است؟ مگر برای تعیین نقش ارتش نباید این نظم را درهم شکست و تنظیم نوینی ایجاد کرد؟ چرا سخنی از ضرورت درهم شکستن آن در میان نیست؟! گریبتوان طبق رهنمود شما توسط چنین "شوراها" سربازان کار کرد و ارتش را در گگون نمود، دیگر چه نیازی

پاسخ به رفقاهم، ن، ف

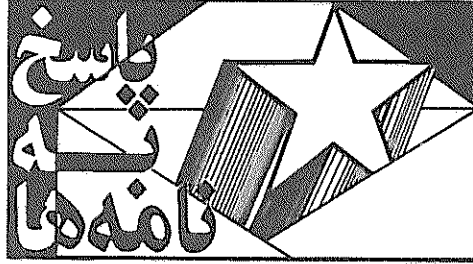
رفقا، "م، ن، ف" تا ماه شما از میا ندو آب رسید. ما از اینکه شما رفقا به همراه سه رفیق دیگر که هوادار سازمان چریکهای فدائی بودید، هم - زمان با انشعاب در این سازمان، با رویزیو - نیمم و سوسیال امپریالیسم مرزبندی نموده و به صفوف هواداران سازمان ما پیوستید - خوشحالیم. شما با این مرزبندی انقلابی - خود نشان دادید که خواهان ادامه انقلاب و پیروزی طبقه کارگر هستید، چرا که برستی عدم مرزبندی قاطع با رویزیونیم و سوسیال امپریالیسم - انجائی جز در غلطیدن به آشوش بورژوازی نتیجه دیگری ندارد. انحطاط کامل سازمان چریکها (اکثریت) و تبدیل آن به یک نیروی ضد انقلابی و خائن به طبقه کارگر نتیجه جبری عدم مرزبندی آن با رویزیونیم میباشد. این مسئله تجربه در آموزی میباشد، هرچنانکه که با رویزیو - نیمم یا بمعنای دیگر ایدئولوژی بورژوازی در لباس مارکسیسم، مرزبندی نداشته و با در قبال آن دارای تزلزل باشد، چنانچه به تمحیح خود نپردازد، جز سقوط به دام بورژوازی و امپریالیسم راه دیگری ندارد. و پرواضح است که رفقا شئی مانند شما که به مرزبندی و مبارزه علیه رویزیو - نیمم برخاسته اند، خود را در برابر بورژوازی و نوکران آن مسلح نموده اند.

رفقا، شما مطرح کرده اید که در رابطه با وحدت، چرا ما شعار "افشای گری، مقامت، سازمان - دهی" را نمی دهیم، آنچه در اینجا با دیدگفت اینست که این شعار نه در رابطه با وحدت جنبش کمونیستی، بلکه در رابطه با جنبش خودمان مطرح است. کمونیستها در رابطه با ارتقا و هدفیست جنبش خودمان با دیدبیر حمانه ارتقا افشا کنند، مقامت و مبارزه خودمان را گسترش دهند و مبارزات آن را در راه پیروزی بردشمن سازماندهی نموده و هدایت کنند. حال آنکه در رابطه با افروختن جنبش کمونیستی میباشد بطور همه جانبه علیه انحرافات غیر پرولتری بویژه علیه رویزیونیم مبارزه کرده و با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در متن مبارزه طبقه کارگر وحدت راستین جنبش کمونیستی را تأمین کرد، رفقا در مورد اعتلای انقلابی، ما در آینده نزدیکی نظرات خود را توضیح خواهیم داد. در مورد اعتلا شما می توانید به نوشته های لنینین مانند "اعتلای انقلابی" و "موقعیت انقلابی" رجوع کنید. پرواضح است که اگر به سوالات دیگر شما جواب ندادیم بخاطر آنست که در شماره های قبلی پیگا رجواب آنها آمده است.

موفق باشید!

رفیق الف - سارا

رفیق نامه ای برایمان نوشته و تا کیبده کرده است که با دیدبیرالها را بین از پیش افشا



نمود و بصورت یکجا نبه تنها به افشای حـزب بسنده نکرد، ما ضمن تأکید مسئله مورد نظر رفیق با دیدبگوئیم که افشای لیبرالها از جهت آنکه نظرات ضد انقلابی ایشان در نزد توده ها، "منطقی - تر" اندیشندانه تر و "آزادخواهانانه" بنظر میرسد، بسیار ضروری است. چه، حـزب جمهوری تنها به اتکای سیاست سرکوب، حتی دوستان نزدیک خویش را از خود می راند چه برسد به خلق ستم دیده ما! اما لیبرالها به اتکای سیاست قریب و یا ن شیرینی (و جدیگری سیاست سرکوب) بسیار سریع می توانند بیگانه توده ای کسب کنند، کما اینکه در این چند ماه اخیر با به - ایشان گسترده شده است. از اینرو افشای منظم سیستماتیک و کوبنده لیبرالها و تبلیغ برنامه کمونیستها از اهمیت بسیار برخوردار است تا توده ها شئی که از حزب جمهوری اسلامی بریده اند به سوی لیبرالها روان نشوند. ما خود کوشیده ایم در مقالاتی چون "لیبرالیسم ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار" و... به افشای لیبرالها بپردازیم. در این راه نشریه تنها کافی نیست کلیه رفقا در هر کوی و برزن، صف بفت و بنزین - و صف نان خواروبار، در مسافرت، در تاکسی و اتوبوس، در خانه و محل کار و بطور مداوم ضمن افشای حزب جمهوری اسلامی به افشای عوام فریبی لیبرالها دست بزنند و برنا مه کمونیستها را تبلیغ نمایند. کلیه نشریات محلی و... سازمان نیز در همان محدوده نیز با دیدب افشای لیبرالها (در کنار افشای حزب) بپردازند.

رفقا، اگر در اینجا ما این وظیفه تحمل و رزیم در سیردن توده ها به مسلخ گاه بورژوازی، عملا همدستی کرده ایم

خ - ق کارگزاران ماه شهر

نامه ای را که در زیر می خوانید یکی از رفقای کارگر هم از رفقای شهید منوچهر نیک - اندام و محمد شرفی، است که بمناسبت اعدام و شهادت آنها برایمان فرستاده است. ما قسمت - های از این نامه را (با کمی اصلاح انشائی) در زیر می آوریم:

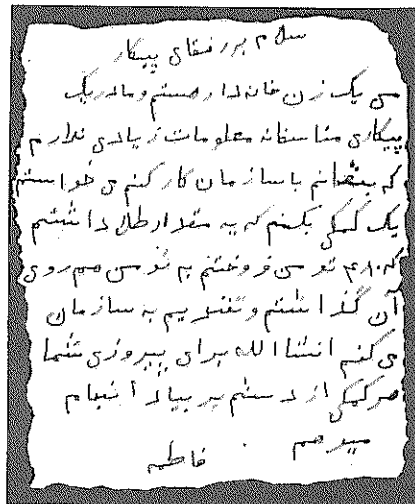
با درود فراوان به سازمان پیگا روتامی پیگا رگران شهید خلق قهرمان ایران! درود به رفقای شهیدی که برای آزادی طبقه کارگر خون ریختند. بیاد شهیدانی باشیم که تنها هدف آنها آزادی زحمتکشان بسود. بیاد آن شهیدان آغا جازی که برای سیل زدگان، برای آوارگان جان نشان را

فدا کردند و در دادگاه بی عدالتی خلخال جلا د اعدام شدند. من یکی از سیل زدگان کوره ها (ب) بودم و محمد و منوچهر را دیدم که در حال کمک کردن به مردم بودند. من در سیل از رفقا یا دیگران که کمونیستها چه کساننی هستند، به ما یاد دادند. کمونیستها تنها هدفشان آزادی زحمتکشان است. رفیق منوچهر مسافت دوری از امیدیه به کوره ها و مناطق دیگر را با موتورسیکلی میگرد که با کمک کند. به ما زحمتکشان، به ما سیل زدگان، هدف رفیق منوچهر این بود، هدف همه رفقای ما این است. هدف همه رفقای ما که در دادگاه بی عدالتی جمهوری اسلامی اعدام شدند.

من زمانیکه میشنوم که یکی از رفقای ما را اعدام کرده اند بیشتر مریا زهره را دوست دارم. به هئیت خاکمه ارتجاعی بگوئید که رفقای ما از مرگ نمی ترسند. ما با اعدام رفقا از راهمان دست نمی کشیم بلکه بیشتر مبارزه را دوست میداریم. یعنی اگر با یک قدم پیش میرویم با اعدام رفقا بیشتر از یک قدم جلو میرویم. خلخال خیال نکنند با اعدام رفقای ما نیروی ما را کم میکند، بلکه برعکس نیروی ما بیشتر میشود و رفقا بیشتر آگاه میشوند. به سرمایه داران بگوئید ما مثل ستاره های در آسمان هستیم یعنی یک شب می بینیم خیلی کم ستاره در آسمان پیدا میشود و فردای آن شب ستاره ها آسمان را پر میکنند. ما هم مثل ستاره ها هستیم با اعدام کردن، بیشتر میشود و مبارزه ما ن هم محکمتر میشود.

مرگ برای امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلقهای ایران گرامی باد یاد شهیدانی که برای آزادی طبقه کارگر خون دادند

نامه ای از یک مادر مبارز



این نامه را از زمین نامه های متعهد

(ب) - کوره ها جایی است که رفقای شهید در موقع سیل در آنجا فعالیت میکردند و در پیگار ۸ به اسم "سکوره ها" نوشته شده است.

مشابه، بدون شرح جاب می‌کنیم، مسلما بهترین پاسخ ما به اینهمه محبت و فداکاری ادا مسه مبارزه سیکران در راه آزادی طبقه کارگراست.

نامه‌ای از یک کارگر مبارز

یکی از رفقای کارگرنماهای همراه با یک طرح برای ما فرستاده است که در قسمتی از نامه چنین آورده است:

"... من این طرح را به نثریه پیکار کسه حقیقتا در باره کارگران و دهقانان کامسپاری برداشته و در جنوب شهر در منطقه‌هایی که ظلم و ستم بیشتر بوده فعالیت بسزائی دارم تقدیرم میکنم، در حالیکه ۲ سال از انقلاب میگذرد تمام زحمتکشان میدانند که کاخ نشینان در کاخانشند و حلبی نشینان در آلونکشان، پس آن انقلابی که ما کارگران میخواهیم، نیست. و به امید روزی که رهبریت کارگری و انقلاب کارگری این سرمایه‌داران را از کاخشان بیزرکشیسته و ارتجایی که سرسفره رنگین سرمایه‌داران احسان خوردند و شما رحمانیت از مستضعفین دادند زیر کتیده شوند

به امید پیروزی استعمارندگان و مناسبت رنجبریستن کارگران و نابودی این ارتجاع و سرمایه‌داری، که در آن زمان است که کارگران بیروز خواهند شد.

پیروزی دیکار در راه آزادی طبقه کارگر! رفیق کارگر! طرخی را که فرستاده بودی متاسفانه بعلت اشکالات فنی نتوانستیم آنرا جاب کنیم، امیدواریم با هم طرخی جدیدی و با نونه‌های دیگری برایمان بفرستیی و ارتباط خود را با نثریه همچنان حفظ کنی

رفیق کارگر صفحه بند

این رفیق کارگری نامهای که برایمان نوشته است، بصورت مشروح و دقیق ایسزادات صفحه‌بندی‌های پیکار را مورد بررسی قرار داده است و بطور مشخص در پی بررسی هر صفحه، پیشنهادها را در رابطه با صفحه‌بندی ارائه داده است. ما ضمن تشکر فراوان از این رفیق و دقیق و فعال رفیق، پیشنهادش را مورد توجه قرار میدهم.

نامه‌های سایر رفقا

رفیق از جوادیه - اکبر، با از سیان شهری - ف از زاهدان - با باک، از انزلی - مریمیه الف از انزلی - سی، بی، از رشت - غ، سیا، ام - توک از مسجد سلیمان - ش، ق از مسجد سلیمان - د، گ از بوشهر - اراک -

عده‌ای از رفقا سوال کرده‌اند که درک ما از اعتلای انقلابی چیست و آیا بردرک لنینی از اعتلا منطبق است یا خیر؟

ما در جواب به این دسته از رفقا باید بگوئیم ما هم اکنون سرگرم تدقیق درکمان از اعتلای انقلابی و توضیح آن هستیم. بدین ترتیب در اولین قسمت بس از تدقیق و تشریح آن، مقاله - ای در این باره منتشر خواهد نمود.

* - رفیقی سوال کرده است که آیا ما محکوم نمودن تجا و زویستنا مه کامیوج، در حقیقت از رژیم بول بوت حمایت میکنیم و آنرا سوسالیستی می‌دانیم؟

در پاسخ به این سوال باید بگوئیم اولاً محکوم کردن عمل مشخصی یک رژیم معنی حمایت از رژیم مقابل نیست فی‌المنال ما حمله چپین به ویتنا مران نیز محکوم میکنیم، بی آنکه از رژیم ویتنا حمایت کنیم. بنا بر این محکوم کردن تجا و زویستنا مه کامیوج، در چارچوب بررسی عملکردها و سیاست‌های ویتنا مورد ارزیابی قرار گرفته است و ربط مستقیمی به حمایت و یا عدم حمایت از رژیم کامیوج ندارد. در ثانی در مورد اینکه آیا ما رژیم سابق کامیوج را سوسالیستی و یا قابل دفاع می‌دانیم اکنون در برابر آن موضعی نداریم و در حال بررسی می‌باشیم.

نظریه‌های رسیده

طرخیها و نگارها طرخیها توسط رفقا و هواداران بدست ما رسیده که بعضی از آنها قابل استفاده است چه بصورت جاب در نثریه و چه جهت ایده‌گرفتن از آنها. ما ضمن تشکر از این رفقا، انتظار داریم طرخیها و پیشنهادها را بیشتر برای نثریه بفرستند. از این رفقا طرخیها بی بدست ما رسیده است:

رفیق ملیحه - رفیق حمید از اصفهان - م - خرم آباد - هسته تلاش اصفهان - غ - م - طرح پیشنهادی تالش د. د. غ - رفیق "ح" طرخیهای پیشنهادی کمیته شمال، قزوین و... و...



بقیه از صفحه ۱۱ **رزمندگان...**
جذب شده‌ها بسوی جنگ باشد:

"سیج سیاسی یعنی مبارزه بیکریابی - تفاوتی بخشش از مردم که به دلیل سرخوردگی از سیاستهای مدمردمی حکومت جمهوری اسلامی بایی میلی، بی تفاوتی و حتی در مواردی انفعالی با جنگ عادلانه توده‌ها برخورد میکنند با یسد توده‌ها از نسبت به منافع حیاتی شان آگاه کنیم." (راه کارگر ۴۵، ضرورت سیج سیاسی توده‌ها) پس راه کارگر آزادی را در جهت سیج توده‌ها، حول دفاع از جنگ غیرعادلانه کنونی میخواند، آنرا لازم‌مدارده، تا توده‌هایی که با سی میلی از این جنگ استقبال میکنند، میل و

علاقه ببخشد و طبیعی است که چنین آزادی کسه جز در خدمت جمهوری اسلامی نیست را نیز بایستی با ذکر نمرات آن برای رژیم، از رژیم‌گدائی کرد و بدین ترتیب تا سر حدیک اپوزیسیون ناصح و غمخوار بورژوازی سقوط کرد. راه کارگر به "آزادی" از زویه انقلاب نمی‌نگرد، بلکه ناصحانه از آن برای نصیحت بورژوازی سود میجوید راه کارگر به سیج سیاسی توده‌ها از زویه پیشبرد انقلاب نمی‌نگرد، بلکه قول می‌دهد که از آن در جهت مبارزه با تنفر توده‌ها از جنگ (چیزی که راه کارگر بی میلی اش میخواند) یعنی در جهت خاک با شیدن به چشم توده‌ها بسود بورژوازی استفاده میکند.

آری، راه کارگر به رژیم جمهوری اسلامی از پدید - کا هک اپوزیسیون میکند، ما آیا راه کارگر میدانند که اپوزیسیون کرائی، طریقه و شریعت رژیمونیستهاست؟ آیا برخورد لنین بسه کارگوشکی مرشدرا در مورد اپوزیسیون گرائی در مقابل رژیمهای ارتجاعی بخاطر درادگسه چگونه قاطعانه میگفت:

"ای مورخ و سیاستمدار دانشمند! چه خوب بود، اگر شما میدانستید که "اپوزیسیون" مفهوم مبارزه صلح آمیز و فقط با رلمانمی یعنی مفهومیست مربوط به وضع غیرانقلابی مربوط به دورانیکه انقلاب وجود ندارد (تا کیدار لنین است) در انقلاب سروکار ما با دشمن بیرحم در جنگ داخلی است و هیچگونه قهقهه‌زاری مرتجانه خسرده - بورژوازی که همانند کارگوشکی از چنین جنگی هراس دارد، این واقعیت را تغییر نخواهد داد. به مسائل جنگ داخلی بسی اما می‌تواند بورژوازی به هرگونه جنایتی دست میزند... از نظر گراه "اپوزیسیون" نگریستن، مضحک است، (انقلاب پرولتری و کارگوشکی مرتسد، منتخب آنا ریگلدی، صفحه ۶۴۵)

آیا رفقای راه کارگرنمی‌دانند که "اپوزیسیون" از راههای انقلابی دست می‌شود و به نصیحت و بند او اندر زویه بورژوازی میکراید. چگونه است که از یکسویه تخفیف مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا می‌برد از زند، افشاگری مستقیم را به حداقل رسانده، تلو بجا خلق کرد را به تسلیم و روی گرداندن از مبارزه مسلحانه فرا میخواند و از طرف دیگر از رژیم میخواهند، که آزادی بدهد که اخبار را درست بخش کند، که شوراها را کارگری و توده‌ای در ارتش ترتیب دهد، چرا که بنفیع اوست. آیا اینهمه روی آوردن به رفرمیسم بورژوازی و چشم بستن بر ما هیت رژیم ارتجاعی نیست. بیا بدقت گه انحرافات راه کارگر بسیا ر تعمیق یافته است و از اینرو ما به همه هواداران و اعضا، صادقانه راه کارگر اعلام خطر میکنیم، این راه کارگر را که میروید به منجلا ب اکثریت فدائیان خواه رسید. هندا ر که رویونیسم چپ دیگری برپا ندارد!

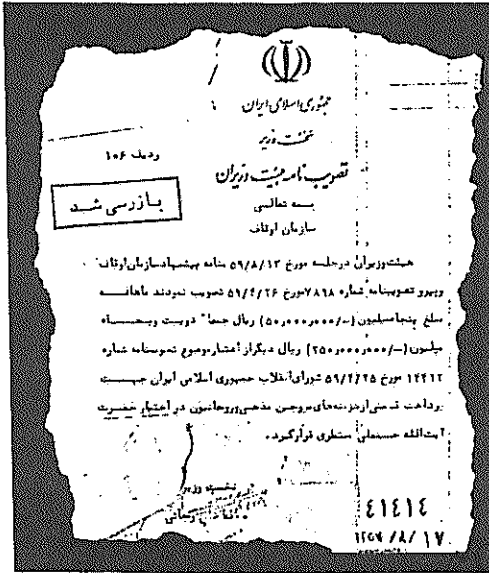
نمونه‌های دیگر از مبارزات
طلاب آگاه در قم

رفیقی از قم گزارش داده است که تظاهرات هفتگی پیش در آن شهر که تا راحتی شدید طرف داران آیت الله را بدنبال داشت (نگاه کننده سخن رانی مندرج در روزنامه‌های اول آذرماه) و منجر به تظاهراتی با صلاح در حمایت از روحانیت گردید اما با جیب‌های توده‌ای داشته است و بهیچ وجه آنطور که روزنامه‌ها و اشعور ذکر کرده اند حمایت از لیبرال‌ها نبوده است.

در واقع فشار روی طلاب مبارز و قطع شهریه طلاب جهت بررسی و تفتیش عقاید و با صلاح با کسری "حوزه علمیه" از طلاب طرفدار نیروهای انقلابی (بیکار ۸۲) عامل اصلی آن را همیابی اعتراضی بوده است و به همین دلیل بسیاری از مردم قم را بین حرکت اعتراضی حمایت میکنند. فعالیت دانش آموزان هوادار بیکار در مدارس نیز به جواز انقلابی موجود در آن زده است.

وجود جنبش اعتراضی در شهر قم نشانگر بروز هر چه بیشتر توهانات توده‌هاست و شاید این پشتیبانی هر چه بیشتر از طرف نیروهای کمونیستی و انقلابی بر اساس گزارش‌های واسطه‌خیزان انقلابی و جب‌دربین نیروهای آگاه هم و بخصوص طلاب مبارز و جوان بطور نسبتاً گسترده‌ای پخش میشود و یک نمونه آن انتشار مصاحبه تیکار و رفیقی - تراب حق شناس پیرامون باوه‌های شیخ محمد منتظری است که بقول روزنامه "آزادگان" بصورت پلی کیبی بین طلاب دست بدست میگردد.

۲۲ میلیون تومان
هم برای روحانیون سنی!



نامه آیت الله العظمی منتظری به سرپرست اوقاف در مورد رسیدگی به امور مادی روحانیت اهل سنت

از سوی جناب آیت الله العظمی منتظری نامه‌ای خطاب به سرپرست سازمان اوقاف در رابطه با امور روحانیت اهل سنت صادر شد که متن آن از این قرار است:

بسم تعالی، سرپرست محترم سازمان اوقاف، جناب آقای منکران لادی دام‌برخیز، پس از اسلام، همانگونه که اطلاع دارید موضوع توجه به امور روحانیت برادران اهل سنت در ایران رسیدگی بوسیله‌ی آقایان ازجمله روحانی اول و دوم و سوم مورد توجه خاص رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی منظره‌المانی قرار گرفت و دستوراتی بوسیله‌ی اینجانب و دیگران به مسئولین و نهادها صادر شد. ولی متأسفانه به علت گرفتاری‌های زیاد خواست منظره‌المانی عملی نشده، بنابراین ایشان این مسئولین را مستقیماً به اینجانب گذاشتند و تقاضای خود ایشان مبلغ ۸ میلیون تومان جهت فرموده‌ی پس از مذاکره با اوقاف دولتی نتوانستند هزینه آن از ناحیه آنها تأمین کرده و شنیده شد در این رابطه مبلغی از طرف هیات دولت تصویب شده که هنوز اینجانب از مقدار آن بی‌اطلاعم. فقط تا این حد مبلغ ۱۴ میلیون تومان از آن ناحیه اوقاف به اینجانب تحویل شده که با تلاش و همکاری افراد متعهد و نایب‌المنان در منطقه‌های مختلف کشور بین وضع رسیدگی و ترتیب تقسیم شهریه‌ای با رعایت ضوابط دینی و علمی برادران روحانی اهل سنت داده شد. اینک ضمن تأکید بر لزوم ادامه کار یادآور میشود که مسئولیت اینجانب تمام شده و با موافقت رهبر انقلاب مقرر گردید سازمان اوقاف مستقیماً با کمک افرادی که در طول این چند ماه دارای تجربه و شناختی شده‌اند ادامه کار را بر عهده گیرد.

برای روحانیت شیعه یک قلم

برای روحانیت سنی تاکنون ۲۲ میلیون تومان

اطلاعات ۱۷ آذر ۱۳۵۹

زیرا دستگاه روحانیت هم برای مشروع و قانونی جلوه‌دادن است شما روحانیت سنی در حال تلاش است.

آیا روحانیت نیا یدبخوا طرا این خدمتی که به شما به‌داران میکنند و توده‌های ناآگاه را همچنان در جهل بی حساب نگه میدارد "حداقل" دستمزدی دریافت دارد؟ آنچه در زیر میخوانید جزء کوچکی از این دستمزد "ناچیز" است!

آری، آیت الله خمینی به عنوان ولایت فقیه مبلغ ۸ میلیون تومان "مرحمت فرموده‌اند" که همان حد تم بخش‌های خلفا را بیاد میآورد و آیت الله منتظری هم معترف است که "تا ایس" ساعت ۱۴ میلیون تومان "به روحانیون سنی یعنی کسانی که امثال مردوخ، مفتی زاده، نقشبندی و مولوی عبدالعزیز... داده شده است. این مبلغ جزء کوچکی است از آنچه جیب‌گشاد شما به‌داران و حامیان آنها میروند.

دشمنان کارگران و روحانیت را افسانکنیم آگاهی را هر چه وسیع‌ترین توده‌ها ببریم! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۱۷

سری ب - ت ش ۱۰۵

اگر کارگران و روحانیت کار پیدا میکنند، اگر گران و کمیاب می‌ماند ما نیاز داریم که در همه جا پیدا میکنند.

اگر شکم‌بچه‌های کارگران و روحانیت سالان خالی هم سیر نمی‌شود.

اگر در این زمستان نفت و زغال در خانه‌های روحانیت نیست.

اگر کودکان مردم زحمتکش از شب تا صبح از سرما سرخود می‌لرزند.

اگر بچه‌های یک میلیون نفر در نتیجه جنگ ارتجاعی ایران و عراق آواره و بی‌پایان باشند، اگر کودکان شاهد قتل عام و روستاها یکی پس از دیگری بدست نیروهای جمهوری اسلامی است.

و اگر صدها ساله در دناک دیگر مردم ما را احاطه کرده است.....

چه بانه!؟

زیرا شما به‌داران به‌جا پیدن ته‌مانده بساط زحمتکش‌ان مشغول‌اند، و یک نمونه آن بازاربان محترمی هستند که در همین یکی دو سال گذشته به آلف والوف رسیده‌اند.

زیرا رژیم شما بنده منافع شما به‌داران به "حل و فصل" امور غلبه کارگران و زحمتکش‌ان مشغول است.

تکذیبی بر توضیح
"کار" رویزیونیستی

بدنبال خرافات کارخانه‌ای که در بیکار ۸۲ نسبت به تماس نماینده سازمان فدائیان (اکثریت) با یونا ماریوف در بیروت داشتیم، نشریه "کار" رویزیونیستی شماره ۸۷ بیان کننده‌ی کاری که منجس پیش‌خلاق باز خود، راه‌حاشا پیشه کرده، به ما فحاشی نموده و با اصطلاح "خبر" را کذب محض اعلام کرده است!

ما از کسانی که با سقوط خویش بدامان رویزیونیسم چشم‌اندازی را بین سوسیالیست‌امپریالیسم کشوده‌اند که در فکر استفاذه از آنچه بعنوان "اسب نروا" علیه جنبش کمونیستی ایران باشد، از کسانی که از گفتن حقایق به توده‌ها - که هیچ - حتی به اعنایاران خودیش بیم‌دارند، از کسانی که ساخت و پاخت با پشتی

خبر را موردتأکید قرار میدهم و در فضای آنها که اریست به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی دیگران تیک خلقی‌های ما خنجر زده اند لحظه‌ای تردید روا نخواهم داشت.

را نیز "امری بدیبهی و در جهت استقلال و آزادی منهن" مان توجه میکنند! نظری جز تکذیب خبر تماس با نماینده شوروی نداریم. در اینجا ما یکبار دیگر مطالب مندرج در آن

توضیح

با شروع جنگ ایران و عراق، برای مطلع ساختن توده‌ها نسبت به مسائل و اخبار جنگ و برای خنثی نمودن سازش ارتجاعی ما مدت به انتشار خبرها جنگ نمودیم. در شرایط خاص توجه به مسائل جدیده‌جشن و ضرورت انعکاس آنها در نشریه مرکزی سازمان ویا توجه به این امر که در باره مسائل جنگ "خبرها به جنگ" و "فردا آوارگان" از سوی کمیته خورستان و "ندای آواره" از سوی کمیته اصفهان چاپ و پخش میگردد پس از آننا ۱۱ شماره "خبرها به جنگ" دیگران خبرها به بطور مستقل چاپ نخواهند، بدین ترتیب ما با توجه به مسائل زنده‌ها، به آنها سه تکثیر و پخش ۳ شماره فوق در سراسر ایران اقدام می‌نمائیم، بلکه همجنس دو صفحه از سبک را به اخبار جنگ و مبارزات آوارگان اختصاص میدهم:

امپریالیسم امریکابه رژیم جمهوری اسلامی اسلحه میدهد

هواپیما ی ۷۰۷ به شماره پرواز ۱۷۱۴ کد در تاریخ ۵۹/۹/۹ به مقصد ما درید (با سبک ایسانا) پرواز نموده بود در تاریخ ۵۹/۹/۱۰ ساعت چهار و سی و پنج دقیقه به تهران مراجعت می‌نماید. این هواپیما، جسمه‌هایی را که حامل مونیور - جت‌های جنگنده‌ها نمود و لوازمی که هواپیما - های آمریکا ۴۵ و ۴۶ بودند به تهران آورده بود، روی جسمه‌ها فقط کلمات "مقتدایان" به چشم میخورد، خبر دیگر چاکلی است که اوایل آذرماه یک هواپیمای ۷۰۷ هم از مرا نکفورت مقدار زیادی لوازمی که برای هواپیماهای فانتوم، ومیقات از قبیل توب و خرج آن، به سه ایران آورده است.

این میقات بدنبال شوافعیای اخیر رژیم ایران و آمریکا از طریق سبک‌های امپریا - لیسم تئوریک آمریکا به ایران ارسال میگردد. رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه میلیونها تومان از غارت و استعمار زحمتگان را صرف خرید اسلحه از امپریالیسم میکند در تبلیغات کرکننده اش ادعا میکند که به ازای امپریالیسمی آمریکا و نه روس و یا اروپا بی اسلحه نمیخرد، در حالیکه اخبار فوق نه تنها بی تکیه کوچکی از خرید اسلحه از امپریالیسم است بلکه همجنس روشنگرما هیت تریکا راه رژیم جمهوری اسلامی نیز میبند، آیا هنوز باور ندارید که رژیم ایران "مدا امپریالیست" است؟! *

اخبار جنگ

تشدید نارضایتی در ارتش

یوسهر: با ادا مدحک دامند در کسریهای درونی ارتش کسری بسیار میباشد. نکا و ران دریائی بایگه یوسهر به سببها به های مختلف از شرکت در جنگ سرباز میزند. علاوه بر آن نکا و ران انقلابی خواستار اصلاحات و محاکمه صوری فرماندهان مزدور بسکال ثوراها ی نظامی بوسنل جزء، دخالت مستقیم در تصمیم گیریها، رسیدگی به وضع تشویه - ندگان و سایر کسری ها و... میباشد.

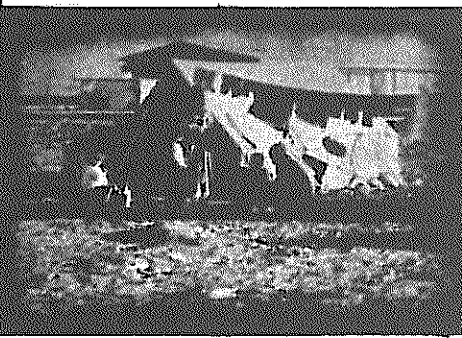
در ادا مداین موج اعتراضی نکا و ران اخیرا عوامل رژیم مدسوحا نه کوشش می نمایند تا بسا کرمین نه عهدنا به ای ارتکا و ران (سندزیر) هرگونه راه فرار از جنگ را برای آنان ببینند. اما ارتشبان آگاه و مستقیم در باره فتنه اندکها بین جنگ بر علیه خلقیای دو کشور ایران و عراقی است و از شرکت در آن خودداری میکنند. آنها به ماهیت فرماندهان مرتجع و مزدوری برده و خواستار محاکمه آنانند و رژیم پاشخ آنان را با جماع سرکوب میدهد و آنها را از "اخراج" و "بیکرد قانونی" می ترساند.

تعهد کتبی

من نکا و ران با آگاهی به شرایط سخت خدمتی نکا و ران و اینکه با بستن پرسنل نکا و ران در هنگام مرز در خط مقدم جبهه حاضر باشند بدون هیچگونه تعهد و شرطی مقررات جاری ارتش را بدینترتیب و مستقیم میگردم ضمن اینکه مسئول اجرای وظایف فردی خود باشم، بعنا وین مختلف از قبیل (بیماری، گرفتاری خانوادگی، بیمساری کسان و غیره...) سانه از سربا مسئولیت محوله خالی ننموده و در هنگام مرز و در زمان عادی مطیع دستورات مادمه بر محور اصول و امور نظامی باشم.

حنا نه برخلاف تعهدی که میدهم عمل نمائیم، ضمن اخراج از ارتش در ادا دکاه نظامی تحت بیکرد قانونی قرار نگیرم.

امضاء:



تظاهرات آوارگان در بروجرد

کراسی و فلاکت ناشی از جنگ ارتجاعی فعلی، توده‌های زحمتکش و بیوزنه آوارگان جنگ - زده را، بطرف مبارزات خودبخودی سوق داده و جنبش اعتراضی توده‌ها هر روز اوج تازه تری بخود میگیرد. برای نمونه در تاریخ ۹/۹/۵۹ عده‌ای از آوارگان که در مدرسه ما نداننا سکونت دارند، بطور خودبخودی گرد آمده و یکی از مردان زحمتکش آواره شروع به دادن شعار میکند و بقیه نیز با دادن شعارهایی چون: "نوطشه حکومت افشا باید گردد - رفسنجانی نامرد اعدام باید کرد" و... وی را همراهی میکنند، در همین حین یک نفر با حالت تمسخر رویه مرد زحمتکش کرده و میگوید: "شعار رنسنده میگیرنت!" گه‌وی از شنیدن این حرف خشمگین شده و میگوید: "هری بدروما دری میخواد همسرا بگیرد، بسا بد بگیرد، خانه امرفت، زندگیم رفت مرا بگیرند و مثل بقیه اعدام کنند، آره آنها مگر چه میکنند، آنها هم حرف مرا میزدند، آنها هم در ددل من ر ادا شتند ما مثل ما زیر بار زور نمیرفتنه."

آری کاسه سیرتوده‌ها لبریز شده منتظر است با بستن حرکتیهای خودبخودی توده‌ها با سازمان - دهی آگاهانه کمونیستها درهم آمیزد.

فلاکت و سرکوب آوارگان در کرمانشاه

در حدود ده هزار نفر از آوارگان جنگ در سرب نیلوفره ۵ کیلومتری کرمانشاه سکنی گزیده اند. تعداد محدودی از آنان در خانه‌های پیش ساخته (ب) و بقیه در جا درها اسکان داده شده‌اند. سرمایه‌های جانفرومای زمستان و نیم و رطوبت ناشی از آن آوارگانی را که در جا درها زندگی میکنند شدت عذاب میدهد. به هر نفر دو پتو میدهند که گاهی اوقات تنها پتوها برای گرفتن کناره‌های جادر و جلوگیری از نفوذ سرما بکار گرفته میشود. چراغ آوارگان هر دو روز یکبار نفت میشود و از مدرسه و حجام خیری نیست. گاهی اوقات جتی فقط یک دکتر به بیداری اردوگاه سرکشی میکند، که بعلت زیاد بودن مریضیه خیلی از آنها نمی رسد و دواها را معمولا همان فرمایشی "گچی" تشکیل میدهد.

تلنبار شدن زیاده در اطراف اردوگاه و نبردن آنها، احصال شیوع و بروز انواع بیماریها را هر روز بیشتر میکند. اردوگاه را با ساداران سرمایه‌بشدت تحت کنترل دارند و بقیه در صفحه ۱۷

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

بقیه در صفحه ۱۶ فلاکت...

همین چندی پیش بود که پاسداران زیر پوشش "جمع آوری" اسلحه "تک تک خانه ها و جاده های آوارگان را بازرسی کرده که در بسیاری موارد این بازرسی ها با ضرب و شتم و توهین به آوارگان همراه بوده است.

توده های زحمتکش آواره در رویا روشی بسیار رکانهای سرکوب رژیم، هر روز و هر لحظه بیشتر بی به ما هیت ضد خلقی رژیم حاکم می بینند! آنها بیس از پیش در میبیا بند رژیم که فلاکت را به آنها یاد داده تا چاراست سرکوب را همدرد قبال آنها بکار گیرند. فلاکت و سرکوب توده ها نتیجه مستقیم سیاست رژیم ارتجاعی حاکم است.

(*) - منظورا ز خانه های پیش ساخته، خانه های است که رژیم مزدور شاه را خراب، برای به انحسراف کماندن مبارزات توده های کرد عراق و بعد از سائز با رهبران حزب دمکرات کردستان (بارزانی و...) برای اقامت هوا داران بارزانی ساخته بود.

وضعیت آوارگان در اصفهان

۱- آوارگان در خوابگاه دانشگاه صنعتی را در دو ساختمان جداگانه (بلوکهای ۴ و ۵) اسکان داده اند و افراد و بیلوک به هیچ وجه حق وارد شدن به بلوک دیگر ندارند. ارتجاع با اینکار میخواهد از اتحاد دو همبستگی آوارگان جلوگیری کند چون از اتحاد آنان وحشت دارد.

۲ - روز ۵۹/۹/۱۷ از طرف صدا وسیعهای ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مصاحبه با آوارگان، چند خبرنگار و یک فیلمبردار به دانشگاه آمدند و آوارگان میخواهند تا چگونگی وضع خود را با زکوشا بیند. زحمتکشان آواره هم در مقابل خبرنگاران دست به افشاکری میزنند یکی از این زحمتکشان میگفت: "چند روز پیش در آئی که به ما داده بودند کرم پیدا شد و وقتی ما به ما مور پیدا شد نشان دادیم بی تفاوت از کنار آن رد شد. دیگری میگفت: "خرمائی کسه بریش به ما دادند کرم زده بود و وقتی به آقای نیابتی (عامل و مزدور رژیم در دانشگاه) گفتیم که این چه وضعی است جواب داد که: "خرما انزوی - زاست! "فقوی است!" و اطلاعاتی نیا ورده که کرم زده است. زحمتکشان آواره از اینکسه غذایشان نان و پنیر شده، از مریخی و بی دکتری از شیرندان به بچه ها، از اینکسه سرویس محاسنی رفت و آمد به شهر نیست و مجبورند کراما به بندگان اینکده در دانشگاه تفتیش عقاید و ختنان حاکم است و پاسداران نقش ساواک را بازی میکنند و... سخن گفته و کینه بی پایان طبقاتی خود را نسبت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشان میدادند. اما رژیم نه تنها فریادهای اعتراضی زحمتکشان را پخش نکرد، بلکه همانطور که تا حد

خشم توده های آواره شیراز اوج میگیرد

۵۹/۹/۴: در خوابگاه ۲۱ شیراز بیست و سه خانوار اسکان داده شده اند. وضع بهداشت و غذا مانند سایر مناطق مسکونی آوارگان بسیار بدویا تین است. دستسویی و توالت ها ناکافی بوده و آوارگان از این نظریه بسیار در مضیق هستند. پتوهای که به آنها داده میشود پرا خاک و شپش است. آوارگانی که برای سکونت بکسه خوابگاه مراجعه میکنند توسط پاسداران با شکار شکرکت نفت فرستاده میشوند. تا بعد از شناسائی کامل اگر جاشی بوده به آنها واگذار کنند. هر روز تعداد دریا دی از زحمتکشان آواره برای گرفتن سرپناهی بکسه در همسای بکسه با شکار اجتماع کرده و دست به افشاکری رژیم و مسئولین آن میزنند. از طرف دیگر پاسداران مستقر در خوابگاه هم همراه با دیگر ارگانهای رژیم از آوارگان اذیت و فحاشی نسبت به زنان زحمتکش دست برنداشته و با بی اعتنائی خود نسبت به خواسته های زحمتکشان خشم آنان را چند برابر میکنند. زن زحمتکشی در اتاق پاسداران با اشاره به وضعیت آنان میگفت: "آخری کسف

نیست که عمرمان ما جان خودمان را برای این جنگی که نما بر آه انداخته اید از دست بدهند و نما اینجا درینت میرها نکمان را روزی - روز بررک کنند. املا به ما جهری بی دارد که بکنیم خودمان این آس را بیا کرده اید و خودنسان هم خاموش کنید. زنان دیگر پاسداران را فحش داده و میگویند: "خدا کند که این رژیم سرنگون شود، جرد بخنی هیچ چیز برای ما نیا ورده اید! زن زحمتکش دیگری که خوش به جوش آمده بود میگفت: "هر کس که کوچکترین اعتراضی میکند به ما و سوسون بنجم میگوید حالا بیدار گردیدیم! نظرها بی راه نماند خشم، حالا که نما هسا کشفه اید همه با دانیها و خورستا نیها کمونیت هستند. اگر روزی به شهرها یمان بازگشتیم همه ما در نظرات کمونیتها شرکت خواهیم کرد نه در راهیمانی های شما"

توده های زحمتکش بتدریج در می یا بندند که تنها کمونیتهای انقلابی هستند که با بی کبری و دفاع از منافع آنان قابل اعتماد میباشند.

آوارگان کرمانشاه: مصادره انقلابی - جمهوری اسلامی: باز هم سرکوب

آنها هینا را در نزدیکی کرمانشاه مصادره کردند. اما چون شهرک فاقد در و پنجره و وسائل رفاهی بود، "هتل سروش" را در خودشیر به تصرف در آورده و در آن مستقر شدند. عمرها بروز سرکوب سرکوبگران رژیم پیدا شد، سرهنگ "سمعی" رئیس شهرپانی چندین بار از آوارگان خواست تا هتل را خالی کنند و به شهرک بروند و "قول" بگیرند بقیه در صفحه ۱۸

آوارگانی که در کرمانشاه مستقر شدند، اکثر آنها قرض شیرین و اطراف آن آمده اند. آنها که پیش از دو ماه و نیم است که آواره شده اند از همان روزهای اول بارها برای گرفتن سرپناهی به ارگانهای رژیم مراجعه کرده و اما نتیجه های نگرفته و در عمل میدیدند که با خواهش و تمناسا نمیتوانند خواهسته های خود را بدست آورند. به همین خاطر خود دست به کار شده و ابتدا شهرک

بوده ایم، رژیم بارها مبارزات آوارگان زحمتکش را توطئه آمریکا و عوامل صدام و غیره نامیده و با سرکوب مبارزات آنان ما هیت خود را بخوبی نشان داد.

۳- در دانشگاه صنعتی تفتیش عقاید جنبه رسمی بخود گرفته است. چندی پیش پاسداران ارتجاع بر سشناهای راه میان آوارگان (و بخصوص آنها بی که مبارز ترند) برده و سوالات زیر را از آنان می پرسیدند:

نظرتان راجع به دولت در مورد جنگ چیست؟ از نظر شما مردم اینجا از نظرافکار و عقاید چگونه هستند؟ این جنگ بخاطر چه چیزی شروع شد؟ نظرتان راجع به سپاه پاسداران، ارتش، بسیج، زاهدان و... چیست؟ نظرتان راجع به مسئولین اینجا چیست؟... البته سوالاتی نظیر اینکسه شهید داده اید یا نه، با وضع غذا

چطور است و... هم جاشی اش کرده بودند تا هدفهای ارتجاعی رژیم را زیر کردن این برش - نامه لایوشانی کنند. این تفتیش عقاید به شیوه ساواک نشانه وحشت ارتجاع از خشم توده های فلاکت زده است.

۴- ارتجاع برای آنکه تا تیر تبلیغات و افشاکریهای کمونیتهای واقعی و بیگیرا در بین آوارگان با صلاخ خنثی کنده حیلله جدیدی متوسل شده و در دیوار خوابگاهها دانشگاه صنعتی (محل سکونت آوارگان) را با اعلامیه های ارتجاعی خود بر کرده است، و توهین های آیت الله خمینی به نیروهای انقلابی را بزرگ کرده و در قوامل سردیک به دیوارها چسبانده اند، غافل از اینکسه حمایت توده ها از کمونیتها روز بروز فزونی میکند.

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۲)

تصمیم اول اس کرارین را که سوبید
حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در
سال ۱۹۷۷ میلادی در مقابل خوانند

برگشتنای اوضاع فعلی در رسم تحلیل موارد
اسی برناتیل درک محمد :
- سیاست جدید آمریکا در منطقه غربی و عراق
- رفتارهای درونی بلطحات
- سبکبندی سیاسی رژیم سوسیالیست
گازیکر، آرادکنداردن فعالیت سوری برای
با سوره های رژیم سوسیالیست مالد کردها و سیاست
آن در فعال مسائل غربی و حزب روبرو نیست

سیاست جدید آمریکا: بازستانی بجای اهدام

سیاست آمریکا را باید چنینی کار بر
و اساتیل جدیدی را جهت محض اهدام خودکبار
برده است. اس سیاست شارباست از سوسیالیست
بعود آمریکا روی دولتیای غربی، اتحاد دلتله
اقتصادی برای کشورهای وارسین بردن مسعود
سورون در منطقه منظور عام و در عراق منظور حسانی،
نهادنی سیاست کارکا بر عراق را در راس کشور
هائنی ترارنده که در آنجا آمریکا لسم آمریکا
با مسعود خود را با لمانا مله بعد از حزب عربی
آسیا کمپنیش دهد، کار بر، در دهم روش ۷۷ در برابر
روزنامه ای که از آنجا می آید اعلام نموده:

"گزارش خود من برای اس که بله سوری
و دیگران، با سیاست ولی ار راه مسالمت -
آمریکا بله کرده و بعد از خود آمریکا را در
بعدادی از کشورهای که آمریکا بنا بر
اهمیت رسانی میدهد (ارجالا تا ۲۵ سال
آینده) کمترین داد. اس مناطق، کشورهای
چون وینامو عراق، سومالی و الحار و
مناطق مسالمتی ما سنجش وحی گونا را در سر-
مسکود، زمانی که اس ماله در دسور باشد
می هم سردندی به خود راه نمده هم،
(جبرالدیسون ۱۳ روش ۷۷).

کار بر عیلا سراسر است حیاتی آمریکا را در
یک سحرای در تاریخ ۲۵ مه ۷۷ شرح کرده
بودار "مخاطره آس سوبله آس" بحای تا آنس
علیه آس جنگدن "بعنوان اس سیاست مسعود
محبت کرده بود، کار بر همچنان سیاست قدیم
آمریکا را که همان سیاست بر سلطه در آوردن مناطق
نظامی متزلزل بود را در کرد، کار بر به سوبندگان
خود با آوری سوبنده سیاست جدید آمریکا موهبت
- هائی دانست و گفت: "سور سبهای بررکی که

ار طریقی دیگر اس در هندوستان، برناتیل، سوبان
و اساسا سبب ما سنده نشان سنده که دلتله
مائی اس سوبده است.
نا حاکم از این سیاست آمریکا لسمی،
مخالف رهبری آمریکا، گوس در حکم روابط
خود را عراق، سوریه، سومالی و کشورهای دیگر
منطقه غربی و چین دارند. آمریکا لسم آمریکا
در همین حال، اس کشورهای را تحت تاثیر قرار میدهد
با آنها در های خود را بر روی خود سرمایه های
امریکا لسمی و سیاست آمریکا را کند.

محمد میداند که سیاست آمریکا، غلبه اطلی
حدائی در او یک سیاست، آمریکا را تحساج
عربستان سعودی را محور نموده که قسمت قسمت
خود را تا سبک دارد اس در زمانی بود که
قسمت سولنداب سبسی، بدون نفت و طلا
اس موضع نظوری که محمد میداند، اس عیالین
آندن در آنده های نفسی کشورهای دار در کسند
ار حیلد عراقی است. بدلیل همین سیاست آمریکا
بود که سبسی ار ترسار منسج و ساخته شده
گردید آمریکا دعوت سبده اس بخاطر اس
تار روی رژیم عراقی بود که سبسی آمریکا
بر دیک سوب و جلوی خود سوری را در عراق بکیرد،
میدانم که آمریکا لسم آمریکا موفقت -
هائی در سبسی کشورهای ما سبسی سوریه ار طریقی
عمال خود در عربستان سعودی و ایران واردن -
هائنی سبسی آورده است، امروز آمریکا می -
خواهد که کمالا رضای روس خود را با سوب دادن
عراق سبسی روابط خود را سبسی در مسکو
مخاطره کرده و عراق را محور سبسی قبول مسعود

خود کند، در همین جا رجب، تما سبسی رسمی
بین نمایندگان آمریکا و دولت عراق ایجاد
شد، بدینال این تما سبسی اعلام شد که روابط
سبسی بین عراق و آمریکا بزودی مجددا برقرار
خواهند شد.

همچنین رژیم عراق در مقابل ما نورهائی
که برای سبسی (امنیتی) خلیج و قبول آن انجام
میگرفت سکوت کرد، در حالی که قبلا در سبسی
نصایات مرزی خود با کوییت و اشغال لبنان
بوسیله سوریه در سبسی ۷۶ آنها را اندیدند
مورد حمله قرار میداد، و ا تعیت دیگری که بدون
سک نمشوند موجب اشتباه شود میمانی شاهانه
ای است که برای اعضای خانواده سلطنتی ایران
در سبسی در سبسی داده شد، سیاست نویسن، "در های
باز" عراقی در سبسی حوی قابل درک است.

امروزه آمریکا لسم آمریکا سبسی دار سلطه
خود را بر سبسی راهائی کشورهای و بر اقتصاد این
کشورها تقویت کند، اسخا داین سیاست، بدینال
سبسی سیاست سبسی جهان بزور سلاح میباید شد،
امروزه، اس آمریکا لسم است که سیاست "در های
باز" اقتصادی و سیاسی را مطرح کرده و از مساله
"حقون بشر" سبسی استفاده می نماید، اس مسائل
زمانی رخ میدهد که و سبسی سبسی سبسی
نیستیای روس در مورد "راه سبسی سرمایه داری"
و "همکاری با اردو که سبسی لسمی" کمالا
آسکا رسده است.

این در طبیعت سیاست جدید آمریکا لسم
آمریکا است که مسابقه تسلیماتی را شدت بخشیده
و سبسی بین آمریکا لسم است را جهت سلطه بر روی
کشورها و تروتهای جهان سوم حدت بخشد و در این
کارزار، عراق در صفا اول اس این کشورها قرار
دارد.

داران یعنی "سرکوب" توده ها متوسل شده بیش از
۴۰ تن از اسادها بدستور و به مردم حملات
کردند، اسما زحمتگاران و آواره به مقابل انقلابی
دست زده و دشمن را وادار به عقب نشینی کردند و
جناب سرهنگ پس از کتک جانانه ای که از مردم
خورد فرار را برقرار ترجیح داده و از پشت بسام
هتل فرار میکند، آوارگان تمام می شیشه ها و
وسائل هتل را در هم کوبیده و در حالیکه خشم فرو
خورده ما هیا، ناینگ به فریادی تبدیل شده بود
به خیابان ریخته و به راهیمائی و شعار دادن
برداختند، در این تظاهرات ۴۰۰ تن از آوارگان
شرکت داشتند، اساداران مزدور که در روز از
محله فرار کرده بودند شبانه مبادرت به دستگیری
نمایند و آوارگان میکنند.

مبارزه انقلابی آوارگان در کرمانشاه
بین از بین ما هیبت ارتجاعی رژیم را برایشان
آسکا رساخت.

شماره از متحد ۱۷ آوارگان...

داده که طرف ۲۸ ساعت ما سبسی موسائل راهی را در
سهرک آسها میباید سبسی اما توده های آواره
رسمی ارتجاعی "حباب سرهنگ" سبسی و با اس -
کری خود سبسی بودن وعده های رژیم را نشان
میدادند یکی از زحمتگاران آواره میگفت:
"حوب، ما تا ۴۸ ساعت همینجا می مانیم، در اس
تا سبسی سبسی سبسی اس سبسی مان
سبسی سبسی سبسی سبسی سبسی سبسی سبسی
مردم را میباید کند، بعدا ما هم ایجا را سبسی
سبسی، سال که دو راه ما است همیشه سبسی -
داران سبسی اس هتل سبسی سبسی سبسی
۴۸ ساعت هم مانده می کنیم".

"سرهنگ مردور که سبسی آوارگان به هیچ وجه
چار سبسی سبسی سبسی آوارگان و سبسی
و سبسی سبسی سبسی سبسی سبسی سبسی

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

طرح امپریالیستی برزنف، توطئه‌ای دیگر علیه خلقهای منطقه

برزنف در سفر اخیر خود به هند طرحی ۵ ماده‌ای تحت عنوان "دکترین برای صلح و امنیت منطقه خلیج فارس" را ارائه نمود. رثوس اساسی این طرح عبارت است از: ۱- عدم استعمال یا تهدید به استعمال زور علیه کشورهای خلیج فارس و عدم دخالت در امور داخلی آنها ۲- احترام به مواضع غیر متعهد کشورهای خلیج و نگشیدن آنها به دسته‌بندیهای نظامی ۳- احترام به حق حاکمیت کشورهای در مورد منابع طبیعی شان ۴- اجتناب از تحریم تجاری و ایجاد مانع در راههای دریائی منطقه ۵- خودداری از ایجاد پایگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج و جزایر مجاور و عدم آرایش سلاح هسته‌ای.

طرح برزنف به چه خاطر ارائه گردیده و چه اهدافی را تعقیب می نماید؟ در دوره اخیر، امپریالیسم جنایتکار آمریکا، بخصوص پس از روی کار آمدن ریگان بیش از گذشته در پی تشدید مسابقه تسلیحاتی برآمده است. منطقه خلیج فارس واقیانوس هند یکی از مراکز است که آمریکا بطور گسترده‌ای میکوشد تا در آن حضور نظامی خود را تحکیم نموده و به تدارکات جنگی بسیار باقیه‌ای دست زند. رشد مبارزه خلقها، عدم ثبات برخی از رژیمهای ارتجاعی منطقه و فعالیت‌های نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی آمریکا را بر آن داشته تا برای حفظ منافع استراتژیک خود در این نقطه از جهان، فعالیت‌های نظامی خود را تشدید کرده و بدین ترتیب ظرفیت جنگی خود را افزایش دهد. بنا بر این امپریالیسم روس از گسترده شدن اقدامات نظامی و شدت یابی رقابت طلبی آمریکا سخت دچسار نگرانی میباید. بعلاوه مسئله اشغال افغانستان توسط ارتش مهابه شوروی و بدنبال آن تمرکز نیروهای نظامی روس در مرزهای لهستان و احتمال دخالت نظامی شوروی در این کشور، مورد بهره برداری سیاسی - تبلیغاتی وسیع امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی قرار گرفته است. این جنگ سیاسی تبلیغاتی شوروی را در عرضه بین المللی در موضع دفاعی قرار داده و وارد میدان کشورهای منطقه دچسار محظورات مشخصی نموده است.

حال ببینیم با توجه به دفاع فوق ارائه این طرح چه اهدافی را تعقیب می نماید؟
۱- شوروی با ارائه این طرح میکوشد تا چنین وانمود سازد که دولت "صلح طلب" است و بدین ترتیب تبلیغات امپریالیسم غرب را خنثی نموده و افکار عمومی جهانی را از مسئله تمرکز قوا در مرزهای لهستان و احتمال دخالت در آن منحرف سازد.



۲- طرح برزنف در پی آن است تا حضور نظامی و تشدید رقابت امپریالیستهای غرب بخصوص آمریکا در منطقه تخفیف یا بند - منظور برزنف از "عدم استعمال زور" یا "خودداری از ایجاد پایگاههای نظامی خارجی" و... دقیقاً آن است تا آمریکا یا همپیمانان او از گسترش پایگاههای نظامی و رقابت تسلیحاتی در منطقه دست بکشند تا شوروی خود، قدرت مانور بیشتری در منطقه پیدا کند.

۳- شوروی برای تحقق هدف فوق میکوشد تا کشورهای متقابل و یا نزدیک بخود در منطقه را هر چه بیشتر متحد سازد و امکان مقابله با آمریکا را بیشتر سازد. برزنف از زوار نشستن کشورهای منطقه به "دسته بندیهای نظامی" صحبت می نماید. ما میروا می بینیم که منظور او دسته بندیهای نظامی است که تحت سیاست ورهبری آمریکا قرار دارند.

۴- سوسیال امپریالیسم شوروی در پی آن است تا زیر پوشش "دکترین برای صلح" نفوذ خود را بعنوان "دولت حامی صلح" در منطقه گسترش دهد و به توسعه طلبی بیشتری بپردازد. شوروی با طرح برزنف میکوشد دست و پای امپریالیستهای غربی را ببندد تا خود به فعالیت‌های نظامی و تسلیحاتی گسترده تری روی آورده و پایگاههای نظامی جدیدتری کسب نماید.

بدین ترتیب روشن است که طرح جدید امپریالیستی شوروی در پی عقب راندن رقیبان غربی اش در منطقه میباید. حال آنکه خلقهای منطقه "آقا بالاسر" نمیخواهند. آنها آزادی و استقلال میخواهند و این امر تنها با نابودی همه امپریالیستها از جمله شوروی میسر است.

"هنگ" جنایتکار وزیر امور خارجه امپریالیسم آمریکا

تا یک ماه دیگر دولت ریگان فعالیت خود را عملاً آغاز خواهد کرد. اما برای این آغاز، در حال حاضر ریگان جنایتکار در پی انتخاب افراد مناسب دولت خود میباید. آنچه در این انتخاب

جلب نظر میکنند این است که ریگان برجسته ترین جنایتکاران و جنایتکاران امپریالیسم آمریکا را برای دولت خود بر میگزیند. یکی از این افراد برجسته "ژنرال" الکساندر هیک" میباید که اخیراً به سمت وزیر امور خارجه آمریکا انتخاب گردیده است.

الکساندر هیک کیست؟ این ژنرال جنایتکار فرمانده نیروهای تاج و زکا ریگان ناتو بوده و سالها در آری نقش بسیار مهمی در سرکوب خلقهای جهان داشته است. هیک در زمانی که امپریالیستهای خونخوار آمریکا طی در ویتنام کشتیف ترین جنایات دوران را مرتکب میشدند، در اجرای سیاست تاج و زکا را نه آمریکا نقش مهمی داشته است. در سال ۱۹۷۳ هیک رئیس دفتر کاخ سفید بود و در اجرای "وا ترگیت" و ایجاد سیستم استراق سمع در اداره مرکزی دولت آمریکا و مقامات نظامی و غیر نظامی یا نکی ها بسیار فعال بود. هیک یکی از نمایندگان برجسته امپریالیسم آمریکا که بطور وسیع مورد حمایت گروه بندیهای تسلیحاتی قرار دارد و به همین خاطر سیاست او مبتنی بر گسترش وسیع هزینه نظامی و تقویت ظرفیت تسلیحاتی آمریکا میباید.

اخیراً هیک دولت کارتر را متقاعد کرده تا در مورد انتقاد در رابطه با سیاست او موجب شده شوروی جرات کند تا در رقابت با آمریکا در پی ریسکهای بیشتری بماند. نمونه این امر لشکرکشی شوروی به آنگولا و افغانستان میباید. به همین خاطر هیک معتقد است که سیاست "تشنج زدائی" یا شوروی اشتباه است و میباید با سیاست تقویت نیروهای هسته‌ای و استراتژیکی اقدام نمود. بعلاوه هیک بر آن است که باید به مقابله با رشد قدرت نظامی شوروی بپردازد و آمریکا میباید از خلیج فارس "حمایت" بیشتری نماید و از اسرائیل شدت دفاع کند.

سیاست فوق بروشنی سیاست جنگ طلبانه هیک در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی را نشان داده و بعلاوه این سیاست بیانگر آن است که وزیر دفاع دولت ریگان چه اهداف توطئه گرانه و جنایتکارانه ای در مورد خلقها و انقلابات سراسر جهان تعقیب مینماید.

تقویت نیروهای انگلیسی در خلیج

رادیو بیجه خلق برای آزادی عمان - سنه ۵۹/۹/۲۲. وقتی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و از کون شاد ارتش ایران که امپریالیستها فقط منافع خود و حمایت از رژیمهای نظیر شاه را میپسندند و آنرا گذار کرده بودند از عمان عقب نشینی کرد. بنا بر این امپریالیستهای کهنه کار انگلیسی ساکن در هند در چارچوب منافع

اشغال مجدد اداره کارپابی گرج: اقدام انقلابی کارگران پیکار

این خواستها برسر دروازه کارپابی نصب می-شوند. دولت سرما به داری که از اقدام انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، نما پندگمان خویش را مرتب به میان کارگران میفرستاد تا با ایجاد تفرقه و دادن وعده وعید، مبارزه شان را منحرف نمایند. در این میان نما پندگمان سازگار، مقامات رژیم را در پیشبرد اهداف ضد کارگری، عملاً یاری میکردند. تا اینکه حتی یکبار مقامات رژیم موفق میشوند برای مدتی در میان کارگران تفرقه انداخته و تعدادی را (۳۵ نفر) جهت بردن سرکار، از بقیه جدا کنند. اما زمانی که این عده را بعد از سوارا توپوس کردن، در نیمه راه نپایا ده میکنند، آنها به جمع کارگران باز میگردند. و دوباره شکل کارگران حفظ میشود. سرانجام سازگار و چند نما پندگمان موجب آن میشوند که نما پندگمان بدون قبول خواستهای کارگران از جانب دولت، سرکاری چندمین بار از کارگران جهت رفتن سرکار نام نویسی میکنند (هما نظور که با رها و با رها این عمل تکرار شده و نتیجه ای برای کارگران نداشته است).

در این میان پاسداران سرما به که با لباس شخصی به شانسائی کارگران مبارز می پرداختند همواره از موضع "نما پندگمان دفاع" میکردند و آنچنان جوی بوجود آورده بودند که اگر کسی مخالفت میکرد و را بعنوان "اخلالگر" می - شنا ساندند! این نما پندگمان سازگار علی رغم "حسن نیت" شان عملاً بیخبر رژیم و برخلاف منافع کارگران حرکت کردند. بنا براین کارگران می بایست مبارزات خود را آگاهانه تر پیش بردند و تنها قریب نوظنه های رژیم را نخوردند، بلکه با بدمراقب با شدتاً مبارزات دنبال و سازگار کردند!

مبارزه در شرکت منجیق (گیلان)

شرکت ساختمانی منجیق ۴۵ کارکردارد و مدبرعامل آن که فردی مفتخور بنا مادی است ۲۵ نفر از کارگران را اخراج میکند. کارگران هم برای اعتراض به این عمل ضد کارگری، مانع خاکریزی میشوند. مادی فدکارگر برای سرکوب کارگران از بناگاه جمع با زار کمک میگیرد. هنگامیکه از بناگاه به محل کار میروند، کارگران زحمتکش میگویند: "ما روزی ۱۴ الی ۱۵ ساعت در این شرکت کار میکنیم و الا که زمستان است میخواهند ما را اخراج کنند". در این مبارزه کارگران فدیمی از کارگران جدید (اخراجی) حمایت میکنند، مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

روز دوازدهم آذر برای دومین بار اداره کارپابی گرج به اشغال کارگران سبک زدند. کارگران سرخلاف دفعه بیست و همدومین بار را اشغال کرده و حتی چند روز اول اجازه کار کردن به کارمندان کارپابی ندادند. کارگران که از طرفی تحت فشار کارگری و بیگاری، زمستان سختی را پیش روی خود خوانده شان می دیدند، و از طرف دیگر هیچ امیدی به دولت سرما به داری جهت ایجاد کار، نداشتند، اقدام به اشغال مجدد "کارپابی" نمودند. تا شاید طریق تحت فشار قرار دادن دولت، بتوانند خود را از این فلاکت نجات دهند.

چند روزی از اشغال اداره کارپابی، کارگران نمایندگان خود را انتخاب میکنند. اما بعلمت عدم شناخت کافی اغلب نما پندگمان بجای برخورداری از موضعی انقلابی که بتوانند خواستهای کارگران را به پیش برد، موضعی سازگارانه داشته اند (کارگران نما پندگمان انقلابی نیز انتخاب کردند که در اقلیت بودند) این نما پندگمان خواستار آن بودند که کارگران به وعده های تکراری مقامات دولت اعتماد کنند و در اجتماعات به نما پندگمان دولت اجازه میدادند تا برای کارگران صحبت کرده مقامات خویش را جهت به تجراف کشاندن مبارزه کارگران دنبال نمایند. اما از آنجائی که کارگران دارای روحیه قوی مبارزاتی بودند، مبارزه شان ادامه یافت. کارگران خواستهای خود را از سه خواست زیر طرح نمودند:

- ۱- شرکت نما پندگمان کارگران در تصمیم گیریهای مقامات دولتی
- ۲- فرستادن شام کارگران در یک روز سرکار
- ۳- پرداخت حق سبک کاری تا زمان اشغال سبک

این کارگران زحمتکش را میدهد!

همچنین در جریان آتش سوزی سه تن از کارکنان را دستگیر و زندانی میکنند که برای دو نفرشان مبلغ ۵۰۰ هزار تومان قرار صادر میکند. این اعمال موجب خشم و نفرت کارگران میگردد.

تهران: اخیراً رژیم به منظور جلوگیری از مراجعات و اعتراضات دسته جمعی کارگران سبک به ادارات کارپابی، سه اداره کارپابی و از جمله کارپابی شماره یک را تعطیل میکند. این اقدام ضد کارگری موجب میشود که سرکار سبک کارگران سبک را بیشتر شده و کارگری که مثلاً در غرب تهران زندگی میکند مجبور باشد در شرق (یعنی در جایی که اداره کارپابی باز است) دنبال کار بگردد.

بقیه از صفحه ۳ اخبار...

شود! لابد میخواهند در این "سخنرانی" سرای کارگران از "خیرات" جنگ صحبت کنند؟!

تهران:

روز پنجشنبه ۶ آذر نخست وزیر اطلاعاتی منتشر کرد مبنی بر اینکه "۵۰ درصد حقوق کارکنان کارگاههای تعطیل شده پرداخت نمیشود". یعنی نسبی از حقوق کارکنان پرداخت نمیشود! و اینهم یکی دیگر از "خیرات" جنگ است!

گیلان:

هیات باصلاح باکساری رژیم جمهوری اسلامی، پس از سرکشی در کارخانجات گیلان و اخراج کارگران مبارز، حالا به سراغ کارگران سبک رفته است! در نامه ای که استاندار به اداره نیروی انسانی داده است صحبت شده که باید یک کارگر گیلان به هیات باکساری رفته و پس از اینکه مکتبی بودن (!؟) آنها روشن شد به کارخانها میروند، اما کارگران سبک را میگویند: ما کار میخواستیم و شکم گرسنه دین و ایمان سرش نمیشود. از این گذشته مگر برای کارگران حتماً لازم است که مثلاً بیشتی و حزب جمهوری اسلامی را شناخته و قبول داشته باشند؟ کارگران میگویند ما حاضر نیستیم یک جنس قانون ضد کارگری اجرا شود. (بمنقل از "تیک بوشن" شماره ۱۲)

اصفهان:

حدوده ما هست که از هر کارگر ذوب آهن به بیانه جنگ، دور و حقوق در ماه کسر میکنند. کارگران که به ما هیات سرما به داری را شه جنگ و دروغ بودن تسلیفات رژیم در باره آن بی برده اند، دست به اعتراض میزنند و تصمیم می - گیرند که دیگر هیچگونه کمکی به رژیم برای پیش بردن اهداف ضد مردمیش نکنند. دولت که اعتراضی کسرتده کارگران را مشاهده میکند، مجبور به عقب نشینی شده و مقامات ذوب آهن قول می - دهند که از این به بعد هیچ میلی از حقوق کارگران کسر نکنند، و این در حالی است که رفعتی ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید سلاح به سپاه پاسداران میبردند، آیت الله منتظری هر ماه ۵۰ میلیون تومان برای روحانیون دریافت میکند و ۲۲ میلیون تومان به روحانیون سنی پرداخت میشود!

پایان نگاه اصفهان:

در جریان حادثه آتش - سوزی قسمتی از پایانشگاه، دارو دسته حزب جمهوری اسلامی سعی کردند تا از این حادثه اتفاقی، برای کوبیدن رقبای خود و همچنین نفرتکاران مبارز استفاده کنند. هنگامی که رهایی برای بررسی علل آتش سوزی در اطاق در بسته با مدیران پایانشگاه صحبت میکرد، کارگری بنا اصرار را از او میخواست که با کارکنان نیز صحبت کند ولی بعد از برخورد شدید با وی، حکم اخراج

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اتحاد کارگران شرکت "ببا" نوطنه اخراجشان را درهم میگوید

سسیم! خدا تملاب کا فرماست که حق ما را میخورد و میخواهد در این سرمای ریمان ما را بیروز باندازد، ما کارگران بودیم که قیام کردیم، باه خاش را فراری دادیم و انسجدت سوس دادیم! ولی حالگویه است که تویا این انسجد از صاحب سرمایه داران دفاع میکنی؟! کارگر دیگری خطاب به ببا در این رژیم میگوید: "اکثر راست مگوشند، ببا شد و فقط بکساعت در این سرمای بیرون کا رکندتا بفهمد که در هر کسعی میکند، ما برای سرکردن تکمزن وجهه شان مجبوریم روزی ۸ ساعت بر این تونل کارکنیم حالا کار فرما میخواهد ما را بیرون کند و تو هم با انسجدات از او دفاع میکنی! ولی اگر کار فرما بخواهد همین کاری بکند، همگی دست از کار میکشیم!" کارگران همه یکمدا میگویند با همه ما را بیرون کنید و با همه ما بکا رکنیم، کار فرما با ببا در این سرمایه بینی که قدرت بولادیسن و اتحاد و استوار کارگران را می بینند مجبوره عقب نشینی کنند و میگویند فعلا ما زمانی کیه بر طرف بیاید، همگی کارکنند.

این نمونه سخوی بیانگران است که کارگران در مقابل نوطنه های سرمایه داران و رژیم، هیچ نقطه اتکالی بجز اتحادشان ندارند مخصوص در شرایط فعلی که از طرفی بیکاری و کرای بیاد میسند، و از طرف دیگر سرمایه داران برای اخراج کارگران به انواع نوطنه ها، دست میزدند، کارگران مناسب هتاری خود را حفظ کرده و همچون رفقای کارگران در کارخانه "ببا" با یکجگرگی و اتحاد خویش منت محکمی بردهان سرمایه داران نرسند، علاوه بر این با سدخا طربا سد سرمایه داران مزدور و بحض بسا هده کوچکرس خطلی در یکجگرگی کارگران از فرض استبا ده کرده و اهداف فدکا رگری خویش را بین خواهند برده، با بر این حفظ انسجدات، ندا و موا رسقا، بسا رراب کارگران، همسواره ضروری است.

۴ - برای بیسردن امر ما برده و هر جد مستحکم کردن صفوف طسندا کارگر، کارگران مناسب کوس بسا بید ما رراب خود را با ما برده هم - نظر را ن خود در دیگر سیرها نظرسنیران و سیرار، هما همک سارند.

با ما رراب محدودیتها رجه خود نوطنه های رژیم را حسی کمیم! سیرد برداری عواما مرسا نه رژیم مجبوری اسلامی! رجه ما غا دلانگی نوی را با انگیم (بتل و بلخس را علامند) ما مان سکا در در راه آزادی شند کارگر - کسند احقیان

روزه آدر در شرکت بسا (فانم شهر) بسایع میسود که کار فرما میخواهد ۱۲ تن از کارگران را اخراج کند. به همین علت سورا ی کارگری کارخانه کارگران دعوت میکنند سار ۹/۱۰ کرده ام آیند. در این روزیکسی از نمایندگان کارگران به افشای نوطنه برداخد و میگوید: "دوستان کارگر! کار فرما نا حالا کارکننده و جیب خود را بر کرده است، ولی حالا میخواهد در این موقعیت حسان که کرای بیکاری در سراسر ایران پیدا میکند ۱۲ تن از ما را اخراج نماید، سرمایه داران فقط بدنمال سود میگردند، آنها هر وقت استاده شان را از وجود ما بردند و دیگر احسان جی به ما نداشتند، ما را بیرون میاندازند و دولتی دیگر آفای خرسند (کار فرمای شرکت) و امثال او کور خوانده است! کارگران دیگر آگاه مدها ندوبه این سادگی ریر با رظلم نمی روند، کارگران بقدرت خود بسی برده اند اینها فهمیده اند که کار با هم مسجدا نند میتوانند سرمایه داران را نابود کنند، حال اگر ما کارگران در این شرکت دست اتحاد بدهیم و متحد و یکجا رجه در مقابل کار فرما بسسیم، او را به زان سود رخواهیم آورد". سعدار سخنان این نماینده بسا رجه سس ار کارگران آگاه، در باره اهمیت و نتیجه اتحاد کارگران محبت کردند.

روز ۹/۱۲ نیر سورا مجددا کارگران را سده کرده ایم دعوت کرد تا با هم به افشای نوطنه کار فرما بپردازند. ما کار فرما که سورا را مانع بربسبرد مقام سدکا رگری خویش میدید، ما بسد تمام سرمایه داران بد رژیم که خامی آنها ست متوسل گردید و بسا دران سرمایه داران سساید، و بیسر ما نه ادعا کرد که از دست نمانده - گان سورا تا مین جایی ندا ردانگی ارسسد بسا داری که از بسا بیل سدکار خانه آده بودند، به کارگران گفت: "ما شنیده ایم که در این کارخانه خدا نقلا رخنه کرده است و کارگران را بد سورش زامیدا رد،" اما بکی ار کارگران بلافا طه جواب دسندان نکلی بدوی داد و گفت: "ما خدا بنقلاب

مهمی بازی خواهد کرد.

۲ - کارگران ما رزیس از برسی خواستهای خود میباشد با اعتراض دسجمعی و راهما کمی در سطح شهر، خواستهای حق طسنا به خود را بدکوس نوده های رجمکس برسانند و سسبانی آنان را جلب نماید در همین رابطه افشای حسان سب رژیم بپردازند.

۳ - در صورتیکه رژیم برای کارگران سسکس مناسب بسایح سکن تامین نکند، لازم است که ما کس عمومی (هنلهای سرمایه داران و اماکن دولتی و ...) بسوسله کارگران مصادره انقلابی بشوند.

بقیه از صفحه ۲ آنچمن ...
چنانکه بنا را در اینجا می دهند فقط اسم خود را عیوض کرده اند. در حالی که هدفها و وظایفشان همان است که ما واک برای اداره حفاظت تعیین کرده بود.

کارگران آگاه و مبارز!

سرمایه داران برای به ابحراف کشاندن و سرکوب مبارزات کارگران از شیوه های بسیار پیچیده و تشکیلات ظاهری بیسی چون اداره حفاظت گذشته و آنچمن اسلامی کشونی، همیشه سوجسسه و هم اکنون سیز استفاده میکنند این سرمایه داران سرمایه داران آگاه و مبارزان است که با روشن کردن ماهیت این مراکز فدکا رگری و افشای هدفهای آنها، برای سوده کارگران، مانع از فریب کارگران و بسا تحسراف کشانده شدن مبارزاتشان کردند.

انجمن های اسلامی ضد کارگری، در کارخانه نجات، منحل باید گردند! هر چه رسوا تر باد ما مهیت ضد کارگری انجمن های اسلامی!

برقرار باد جمع سوری دمکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۲ پیام ...
یکجا رجه و متحد بسا میتوانند کمرا رنجاع را خرد کنند، مبارزات بسا در بسو بسا مبارزات دیگر رجمکسان و خلقهای قهرمان کشور، کامهای بزرگی است در راه رهبری از بسوع ستم و استعمار سرمایه داران و رژیم ما سسنا. خواستهای فعلی ما با مبارزه بیکیسارانه و متحدان قابل حصول است. بس مبارزات خود را حول خواستهای ذیل متسکل کنید:

- ۱ - براداحت کامل حقوق
- ۲ - تامین مسکن متناسب با براداحت حق مسکن
- ۳ - لغو بارتستکی کارگران ۵۰ سال به بالا
- ۴ - جلوگیری از اخراج کارکنان مبارز که تحت لویای دروغین "با کساری" "انجا میسود."
- ۵ - لغو فساد و تصیفات ارتجاعی حاکم بسکارگران بطا طربا رگشت به مناطق جنگ زده.
- ۶ - قطع تبلیغات ارتجاعی (امثال ظاهری اما جمعه اضفهان و استنادار) بر علیه آوارگان و اعاده حیثیت از آنان در رسانه های گروهی و ...

کارگران قهرمان!

برای تحقق خواستهای فوق بسا بد رسا رجه، شیوه ها و تاکتیکهای مناسب اتخاذ کردن اماکن بیروزی، قطعی شود. در این رابطه لازم است که:

- ۱ - کلیه کارکنان مبارز صنعت نفت مستقر در اضفهان روزها در بنا نگاه کارگران نفت اجتماع کرده بسا بل و منکلات خود را برسی نمایند و بسا تبادل نظر، مبارزات خود را هما همک سارند! این اجتماعات در هم بسبکی و یکجگرگی کارکنان نقش

فان، مسکن، آزادی

بقیه از صفحه ۳ اعتصاب...

حیثیت از یکی از کارگران مبارزه مورد فحاشی یکی از سردمداران مروج شرکت توار گرفته بود. زمانی که کارگران خواست تشکیل شورا را طرح کردند، رویزونیست توده ای مذکور مجدداً به کمک سرمایه داران شافته و مکیود: "برادران، خواهسته شورا خواهسته درستی نیست و بایست سندیکا تشکیل دهیم!" ولی کارگران که خاطر هیدی از سندیکا های مرامی رژیم تازه داشتند و ما هیت فدکا رگری فرودمدور را می - شناختند میگویند: "نه، ما شورا میخواهیم - سندیکا بدردمای خود" و بدین ترتیب بار دیگر کارگران بطور غریزی مرز طبقه ای بین خود و رویزونیستها (این دشمنان طبقه کارگر) را متشخص میکنند (مسلطورا شورا که کارگران می - کشند و موردنا شنیدماست، در واقع سندیکای سرخ است و سندیکای مورد نظر رویزونیستها سندیکای زرد میماند - بیکار). کارگران مبارز شرکت کشرش مسکن اگر چه حرکت یکپارچه خود لرزه بر اندام سرمایه داران و خاد میسین رویزونیست آنها انداختند، اما بعلت عدم شناخت کافی از جوهری ادا م مبارزه نشان، نتوانستند به تمام خواسته های خود برسند و تنها قسمتی از حقوق عقب افتاده خویشان را دریافت کردند ولی ارا سحائی که طبقه کارگر برای رسیدن به بیروزی نهائی و کسب قدرت سیاسی راه بر بیخ و خمی را با بدسری نمابند، اینگونه مارات کامی است به بین در این راه که تجربه مبارزاتی کارگران را افزایش میدهد و در صورتی که آگاهی طبقه ای (آگاهی سوسیالیستی) نشان درآ میرد، راه انقلاب هموار میگردد.

قیام قهرمانانه کارگران مسکو، جلوه ای از قهر انقلابی طبقه کارگر

عملیات مسلحانه، بلکه برعکس عدم آمادگی کافی برای به انجام رساندن تمام و کمال قیام و ایجا دهما هنگی لازم با تمامی مناطقی بوده است لنین کبیر در مقابل ادعای ابورتونیستها که مدعی بودند: "تنها یک کارگران دست به سلاح میگردند"، میگوید: "برعکس، از اینهم قطعی تروجدی تروبا قصد تعرضی میبایستی دست بسلاح زد، لازم بود که به توده ها فهمانده شود که تنها اعتصاب آرام غیر ممکن است و مبارزه بی باک نیست و بیبرحمانه مسلحانه ضروری است."

و اقعیت این گفتار با انقلاب اکثریت در سال ۱۹۱۷ اثبات گردید.

اعتصابات سال ۱۹۰۵ روسیه ۳ میلیون کارگر (و حدود یک میلیون کارمند) را در بر گرفت که تا آن زمان در تاریخ جنبش کارگری جهان بیما بقه بود. طبقه کارگر قهرمان روسیه نشان داد که زمانی که متحد شود و اراده کند، همه جریها از حرکت باز خواهد ایستا دوزندگی سرمایه داران و انگلیهای جامعه فلج خواهد گردید. قیام دسامبر کارگران نیز نشان داد که تنها در صورتی که مبارزات کارگران تا حد مبارزات قهرآمیز و منتظر کسب قدرت سیاسی ارتقاء یابد، می - توان اندر ضرات کاری بر بیبرگرژیهای مدافع سرمایه داران و اردما زد، این قیام با شکوه تجلی قهرمانیهای کارگران است که بمنظور نا بودی ستم و استثمای سرمایه داری و برقراری جامعه سوسیالیستی، صورت گرفته است. برخلاف رویزونیستهای خائن که سازش طبقه ای را تبلیغ میکنند و از دیدن حرکت یکپارچه و قهرآمیز طبقه کارگر، وحشت میکنند، کارگران روسیه در قیام ۱۹۰۵ نشان دادند که "انقلاب مجلس میمانی نیست"، و برای رسیدن به دنیسای عاری از استثمای روسخ کمونیسم، راه بر بیخ و خم و دشواری در مقابل طبقه کارگر جهان وجود دارد که تنها با اتحاد مبارزه آشتی ناپذیریگیر و یکپارچه کارگران میتوان در آن گامهایی به پیش برداشت.

بررسی این قیام، درسهای بزرگی برای کارگران جهان به همراه دارد. قیام قدرت لایزال طبقه کارگر را بوضوح نمایان ساخته و از جمله به کارگران ایران میا موزد که با اتحاد آگاهی و یکپارچگی خود میتوانند مبارزات خود را بسا ابعاد میلیونی به پیش برند و سرتاجا م با توسل به قهر، قدرت سیاسی را کسب نمایند.

هدهم آذر ماه برابر با ۹ دسامبر، سالروز قیام کارگران مسکو در سال ۱۹۰۵ میماند. ۲۵ سال پیش در چنین روزی طبقه کارگر قهرمان روسیه در مسکو و سایر شهرهای مهم کشور بر علیه رژیم تزار، دست به قیامی مسلحانه زدند. اعتصابات کارگری، مبارزات دهقانان و سربازان و سایرین نقاط مختلف روسیه در این سال آنگنان اوج گرفته بود، که انقلاب عظیمی بوجود آورد. انقلابی که گرجه شکست خورد، اما آنچنان دست - آوردهای گرانبیهائی برای توده های تحت ستم حکومت تزاری و بخصوص طبقه کارگر این کشور، به همراه داشت که ۱۲ سال بعد (۱۹۱۷) سربر آوردن دوا ره آن، نه تنها مستبدترین حکومت آن زمان اروپا را سرنگون ساخت، بلکه در تار و موخیش با انقلاب کبیرا کثیر، نخستین حکومت کارگری و سوسیالیستی را در چکره زمین برقرار نمود.

در ماه دسامبر ۱۹۰۵، کشرشرا اعتصابات کارگری بدانجا رسید که سرانجام روز ۹ دسامبر نخستین سنگربندیها در مسکو توسط کارگران جدیداً مدودبیری نگذشت که کوچها و خیابانهای مسکو را سنگربندی پوشیده شد. حکومت تزاری به کمک توپخانه و بیروهای مسلحش به مقابله با کارگران مسلح که تعدادشان به چندین هزار نفر میرسید، شتافت. کارگران طی ۹ روز مبارزه قهرمانانه، برکهای سرخی را بر دوش مبارزات طبقه کارگر جهان افزودند، بلشویکها نقش فعالی در رهبری کارگران رزمنده بهمه ده داشتند. نیایا اگر چه به مسکو محدود نما ند و در بسیاری از مراکز مهم صنعتی کشور نیز برپا گردید، ولی به علت وجود اسکالانی مانند پراگندگی در رهبری و عدم هما هنگی با مبارزات دهقانان، بوسیله نیروهای تزاری سرکوب گردید. این نقطه آغازی بود برای افول انقلاب ۱۹۰۵ روسیه.

بگفتند که این قیام بر شکوه برای کارگران جهان داشت، لزوم یکا بردن قهر انقلابی بر علیه استثمای کارگران و مترجمین می - باشد. این اصل تعیین کننده توسط بلشویکها و آموزگار کبیر طبقه کارگر، رفیق لنین، طرح گردید و در میان کارگران تبلیغ میشد. جریان قیام بوضوح نشان داد که برخلاف ادعای ابورتونیستهای آن زمان روسیه (منشویکها)، در مقابل قهرمانان انقلابی استثمای کارگران، تنها و تنها میبایست به قهر انقلابی کارگران و زحمت - کشان تکه نمود و علل شکست قیام منتهی قدامه

باز هم لجن پراکنی علیه پیکار، باز هم شکست برای ارتجاع

بروجرد: روز سوم آذر ماه در تیسع جنازه چند نفر از باسداران کشته شده در جنگ، در کورستان "جهان آباد" یک آخوند مرتجع بنام "آقا سخی علی" اعلامیه ای از سازمان "بیکار..." را از جنبش درآورده و با خواندن آن که جنگ کهنوسی را ارتجاعی ارزیابی کرده بود شروع به لجن - پراکنی علیه کمونیستها و بیوزمه سازمان ما میکند. مردم زحمتکش که از "خیرات" جنگ (کرائی کسار، فقر و فلاکت، درماندگی، قحطی و...) نصیب فراوان برده اند، فریاد اعتراضی برآورده و شیخ مرتجع را هومیکند.

توده ها در عمل در میا بند آنچه کمونیستها میگویند حقیقت است و توده ها بسا آگاهی و فداکاری خود تبلیغات مسموم ارتجاع را با نکت مواجه میازند.

حمایت توده ها از معلمین اراچی

بل دختر - چهارشنبه ۵۹/۹/۵ تظاهرات عظیمی به حمایت از معلمین مبارز اراچی و همچنین

اخراج شهردا رتجیبیلی و تشکیل شورا های محلی از جانب مردم مبارز بل دختر سوا ه اقتصاد که بگفته شاهان عینی بیش از سه هزار نفر از مردم شهرداران شرکت داشتند. در شهر بل دختر چنین نظارهائی کم نظیر بوده است. پیروز با دجنش او جگیرنده توده ها!

دومین سالگرد شهادت رفیق
استاد کامران نجات الهی
شهید بازگشایی دانشگاه

تولد: ۱۳۳۳ در بهجار،
فرزند مبارز خلیق کرد،
ابد تولدوی: مارکسیسم-لنینیسم
شرکت فعال در مبارزات تودهای
سالهای: ۵۶ - ۵۷
و بالاخره شهادت در
تحصن دانشگاهیان، ۵ دیماه ۱۳۵۷



رفیق شهید کامران نجات الهی، استاد دانشکده پلی تکنیک تهران، در جریان تحصن دانشگاهیان مبارز در وزارت علوم "بخاطر همبستگی با مبارزات نکوهمند توده ها و برای بازگشایی دانشگاهها که توسط مزدوران امپریالیسم بسته شده بود، بدست دروغیان رژیم مزدور محمدرفا شاه جلاد به شهادت رسید. رفیق جوانان پرور خلق کرد بود که در اثر روحیه جستجوگرو انقلابی به ما رکنیسم گرایش پیدا کرد و بطور فعال در مبارزات انقلابی توده ها شرکت نمود (وی بسرعه رفیق شهید حسن توسلی از رهبران مثنی انقلابی توده ای بود. رفیق توسلی در بهمن سال ۵۴ به شهادت رسیده است.) رفیق با تکنیرویختی اعلامیه های انقلابی در مبارزات فدا میریالیستی - دموکراتیک خلق بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم شرکت مینمود و در انتشار نشریه "همبستگی" و در کارهای سازمان ملی دانشگاهیان نقش ارزنده ای داشت.

هنگامیکه حکومت نظامی از هاری جلاد با زدن قفل بر دهان دانشگاه گمان میکرد که میتواند دانشگاه، این سنگر آزادی و جنبش انقلابی دانشجویان ایران را به سکوت بکشاند استادان متعدد و دانشگاهیان مبارز و انقلابی در همبستگی با خلق بیخاسته برای بازگشایی دانشگاهها مبارزه سرخاستند و پس از تحصن در دانشگاه تهران، در اولین روزهای زمستان ۵۷ در ساختمان "وزارت

سالگرد شهادت رفیق کارگر
علیرضا کرکوندی گرامی یاد

۲۷ آذر ما در سال اولین سالگرد شهادت رفیق کارگر علیرضا کرکوندی کارگر کارخانه سیاهان سیاهان میباید. رفیق زحمتکن که از هوانا زمان ما بود در خاندانش فقط از کوه به شهادت رسید. رفیق علیرضا از کارگرانی بود که با آگاهی به آرمان انقلابی طبقاتی و با عشق فراوان به زحمتکنان به بردن آگاهی به میان آنها برداخت. و با کینه به دشمنان طبقاتی زحمتکنان، زندگی را بدرود گفت. یادش گرامی و از هنر جاودان ما باد

یاد دور رفیق شهید
رزمنده را گرامی میداریم

یاد دور کونیست دیکریخاطر عشق به آرمان رهایی بخش طبقه کارگر و پیروزی زحمتکنان به شهادت رسیدند. دور رفیق از "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" در نورا یاد و تهران به اشوبه شهیدان انقلابی و کونیست مین پیوستند. رفیق معلم حمزه قربانی در روز ۸ آذر ما در قتلگاه هرات زحمتکنان نورا یاد (ممنی) به پشتیبانی از مبارزات معلمین با کلوله های باساران سرمایه خون سرخی را نثار آزادی زحمتکنان از قید ستم و استعمار کرد. رفیق دختر رزمنده ای در اوایل آبان ماه در جاده انفجار با روت به شهادت رسید. ارتجاع حاکم و بویزه جناح "حزب" مذسوحا نه تلاش نمودار و افشاده شهادت این رفیق برای نیات پلیس طبقاتی این سو استفاده کند و با داستان سازی به تبلیغ علیه کونیستها برخاست. بی خبر از اینکه خلق های زحمتکنان با جدکافی در دوران رژیم شاه با چنین شیوه های کثیف تبلیغاتی آشنا شده و بکرات ایضا خود را از جنبش ساستها بی نشان داده اند. یاد این دور رفیق کونیست را گرامی داشته و اطمینان داریم که راهبان نابیروزی نهائی بوسیله خیل بیروان سفید رهایی طبقه کارگری خواهد شد.

علوم "متحصن شدن. رژیم مینوریتلوی و حمله یونان مزدور و سر به عیبت تلاش میکردند که با سرخ سرنیزه ها و ولیک گلوله ها عزم را سخ فرزندسان انقلابی و مبارز خلق ما را در مبارزه برای سرنگونی آن رژیم شکنند رژیم بجای بازگشایی سنگر آزادی، نظامیان مسلح را به مصاف (دانشگاهیان مبارز فرستاد که در نتیجه شیراندازی آنها استاد کامران نجات الهی روز پنجم دیماه ۵۷ به شهادت رسید. خون سرخ رفیق نجات الهی و نیکه بازگشایی دانشگاهها بود. توده های انقلابی از شهادت این فرزند انقلابی خلق نیرو گرفتند و با ادامه و گسترش مبارزه رژیم شاه را مجبوره باز کردن دانشگاهها نمودند. اما دانشگاهها پس از مدتی نه چندان طولانی، توسط رژیم جمهوری اسلامی، زنجیرهای تعطیلی برگردان آویخته شد. ولی مرتجعین از ارتجاع درس نمی گیرند. توده های مبارزمیهن ما، یکبار دیگر بدستان پرتوانان درهای دانشگاه این سنگر همیشه خروشان آزادی را دوباره بازخواهند گشود در آرزوی بیروزی خلقهایمان در مبارزات در حال اعتلای علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی یا در رفیق شهید کامران نجات الهی را گرامی میداریم.

بزرگداشت هفتمین روز
شهادت کارگر شهید
حسین سالار محمدی در آمل

بدست باساران محکوم است "و... جاساس رژیم جمهوری اسلامی را انکار کرد. با وجود ریش باران سده هزاران نفر از مردم آمل

گرامی یاد هفتمین روز شهادت کارگر شهید حسین سالار محمدی که با کلوله باساران سرما به در خون خود غلطیده بود. در شهر آمل بزرگداشت کردید. هوا داران سازمان اورفقای "رزمندگان" با راهبانی بطرف خانه شهید و از آنجا بطرف محل برگزاری مراسم... و با شعارهای "مرک برای آمریکا، مرک برای ارتجاع"، "سالار، سالار کارگر شهیدم، قسم به خون یا کت از ارتجاع حاکم کبریم انتقامت"، "زندانی سیاسی آزاد باند کرد"، "این جنگ ارتجاعي برای مردم ماحاطی جز کرانی، یکبارگی ندارد"، "کشتار زحمتکنان

برای برگردان شهیدان اجتماع کرده بودند هوا داران محاهدین نیز جداگانه راهبانی خوسرارص ما ترتیب داده بودند. مردم در مسیر راهبانی ارتجاعها حمایت میکردند. تذکر این بکنند ضروری است که رفقای "اقابست" فدائیان بجای شرکت در صف کونیستها، در صف "محاهدین" قرار ندهند. مراسم در تکیه آمل برگزار شد و محاهدین به این دلیل که "سلسله کو مراسم" مال آنهاست با انحصار طلبی مانع ترانسپارتمان سهیم شده از طرف رفقای ما و رزمندگان نبودند.

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

**گوانفروشی، پاسداران
و اعتراض مردم**

روزشنبه ۵۹/۹/۱ پاسداران کمیته روابط کریم یک وانت با رحایل سایدرا برای فروش بیس میدان مقدم واقع در خرابه قلعه عرفی برده و قیمت یک تا بیست و نه تومان اعلام میکنند. بدنبال اعتراض مردم بگوان سدن قیمت، پاسداری با عداوت بلنداد میزند که: "هرکس میخواد بخرد و هرکس هم که نمخواد نخورد، ما را بسین که داریم برای اینها خوبی میکنیم". مردم با شنیدن این حرفه از پاسداران شعار "مری بزرگان نفروشی" را سر میدهند. در مقابل یکی از پاسداران با کمربند به جان مردم افتاده و پاسدار دیگر کلت کمری خود را در آورده و مردم را تهدید میکند. اما مردم همچنان شعار دادن ادا نموده و پاسداران را هومیکنند. پاسداران ارتجاع را از صحنه فراری میدهند. مردم می - گفتند: "این اجناس منطبق به گوانفروشیان است که پاسداران بعنوان جرم ضبط کرده اند و حالا به قیمت گرانتر به مردم میفروشند". این اقدامات یکبار دیگر ما هیت فدمردمی و تبهکار - انهرژیم حاکم و عواملس را به مردم میسنا ساند.

**فقط مجاهدین،
دیگر هیچکس!**

واغیبتی تلخ، چند آه و زاری آه و زاری با ر - ها روی دیوارهای شهر دیده ام:
"زندانی سجاهد آزاداند کردیم"، "هه هه هه هه"
زندانی حواد رجا همدس خلق پاسدار دسود"
وشعارها وموضکیری های مشابهی سیکرد در روز - نامه مجاهد.

این واقعیت، تلخ وجدش آورا - ز را نیروی انقلابی ودموکرات را که قا عتا با سدن در مبارزه ضد امپریالیستی کنونی نقش بارزین بعهده داشته اند، دچار رجسین خود محور بینی و تنک نظری عبیبتی، کوئی در این کشور زندانی سیاسی غیروا بسته به مجاهدین خلق وجسود ندارد. کوئی این کمونیستها نیسنند که بیش از مجاهدین فعالیت هاشان متنوع شده اودرواقع هرگز قانونی نبوده (و خونشان "خلال" اعلام کشته است. کوئی در صحنه وسیع وعظیم مبارزه انقلابی دموکراتیک وفدا میرال ایستی میهن ما فقط این مجاهدین اند که حضور دارند. تنها خود را دیدن و دیگران را ندیدن، خود را "محسور عالم" تلقی کردن ومنافع کل جنشی سسند امپریالیستی خلقهای ایران را ندیدن: این است سیاست رهبری سارمان مجاهدین خلق، سیاستی عمیقا خرده بورژوازی وبهمین دلایل در برررسی عملکرد این سازمان درس آموز! در

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

**ثانیا: تبلیغ با بستی با زبان
توده های میان گرد**

رویزیونیستها همواره به بیانه توده ها بودن و با زبان آنها سخن گفتن، مانع آگساره شدن توده ها میگردند، اما در نقطه مقابل نیز روشنفکران سرکوشی قرار دارند که گویا برای خود می نویسند، تبلیغشان طوری است که نمی توانند مورد استغاده توده ها قرار گیرند. گویا آنهاست که در مورد محتوای تبلیغ بدنبال توده ها نیستند. اینند و به گفتار لنین وفادارند، در شکل، روش و زبان تبلیغ، مسئله انطباق با توده ها و خاصیت جلب کنندگی آن توجه کافی ندارند. لنین در مورد محتوای تبلیغ میگوید:

"جیزی خطرناکتر و تبهکارانه از سوء استفاده عوام قریبانه از روش نایافتگی کارگران نمی تواند وجود داشته باشد، اگر معسار فعالیت آن جیزی باشد که بنحویلاوا سطنه مستقیما وبه بیشترین حد در دسترس وسعتر - بین توده ها است، ما باید بحسب ربا شیم آنتی سمبلیسم (فدیهودی گری - که تزار با تبلیغ آن تا شریزادی بر توده هسا گذاشته بود - سیکار) را موعظه یا بگذا رید بگویم که بر مبنای فراخوانی که از طرف بدر مفسدین جان گروشتادت به عمل آسوده آن را تبلیغ کنیم،" (۲)

آنچه لنین میگوید مربوط به محتوای تبلیغ است که همواره رویزیونیستها آن را به فرا موشی می سارند، نه مربوط به شکل، روش و زبان آن که معمولا آنها رشتها به آن توجهی نمیکنند. این مسئله مهم که زبان تبلیغ بگونه ای باشد که نه تنها توده ها، قادر به درک آن باشند، بلکه توده ها را ترغیب به درک محتوای تبلیغ کنند، مسئله ای است که همواره مورد توجه کمونیستها و مورد چشم پوشی روشنفکران در ازگو و آکا دمیسین - ها بوده است. رفیق دیمیتریف در نقطه - افتتاحیه هفتمین کنفره کمیشنرن (۱۹۳۵) در این

صورتت تاکید میکند:
"توده ها، تا وقتی که بزبان قابل فهم آنها سخن نگوئیم، نمی توانند تصمیمات ما را فهم کنند."

اوبه توصیه یک قانون بلشویکی می بردازد:
"وقتی که می نویسد یا صحبت میکند همیشه به فکر کارگزاران توده ای باشد که با بد حرف شما

انتقارات و تبلیغات مجاهدین هما نظور که - "تما راه ها به رم ختم میشود" حل مساله گروگانها و رابطه رژیم سارمیریکا نیز گویا فقط به محاکمه ساداتی و تعقیب رهبری مجاهدین خلق منتهی میگردد! شکنجه زندانیان هم محدود به هواداران مجاهدین است و شکنجه گرم فقط کسانی هستند که به شکنجه مجاهدین برداخته اند مثل شاه الله قصاب! دردوره قبل از قیام حتی لیبرالها و مذهبیون متعصب هم جرات نمیگرددند در شعار توده گیر "زندانی سیاسی آزاد باید گسرد"

را بفهمد، به مطلب شما معتقد شود و برای تسبیت از شما آساده گردد! شما باید فکر کسانی باشید که برای شان مینویسید و برای شان صحبت میکنید (۴)."

(تاکیدا ز خود دیمیتریف است)
رفیق ما شونیز به تبلیغات کسل کننده و پرگوئیهای روشنفکری شدیدا حمله ور میشود و از جمله بدین منظور "مبارزه ای علیه سیک الگو - سازی در حزب" را سارمان میدهد. که با نقسند سرخورد روشنفکری به تبلیغ میگوید انگار این روشنفکران "املا" خیال ندارند که مقالات - شان را بخوانند و با بگفتار شان گوش فرادهند". اوبه اعطای حزب دستور میدهد:

"زبان توده ها را که کنجینه ای غنی وزننده است بیا موزند تا تیر تبلیغاتشان سهد ف یعنی نفوذ در توده های وسیع اما بابت کتله (۵) باید زبان توده ها را فرا گرفت، ضرب المثل - ها، استعارات، فولکلور و... را آموخت و بسا این زبان زنده برای توده ها تبلیغ کرد. باید بدانه نیم که سخن تکفتن با زبان توده ها موجب میشود که بسا سارمان توده ها به محتوای انقلابی تبلیغ مانیز توجهی نکنند، مثالی که رفیق دیمیتریف ارائه میدهد بسیار عبرت انگیز است. او از سخنرانی یک فاشیست و یک کمونیست در میتینگ کارگران بیکار سخن میگوید، که سه فاشیست با احاطه به زبان توده ها و بسا استفاده از شیوه های مناسب تبلیغ، ایده رجا عبش را مورد توجه کارگران قرار میدهد، در حالی که رفیق کمونیست که بسا طر کمونیست بودن بسیار مورد توجه کارگران است و کارگران بزور دشمن را وادار به پذیرش سخنرانی او میکنند، آنچنان روشنفکرانه سخن میگوید که فقط برای کارگران کسالت بسیار وارد و در این فرصت مناسب دشمن او را که علیرغم صحت و درستی گفتارش مورد توجه کارگران نیست، از میز خطا به دور میکند. (۶) ادا مه دارد.

- ۱- رومن رولان - ژان کریستف، جلد ۲
- ۲- لنین - گزارش قهرانی درسوسیال دمکراسی روسیه
- ۳- لنین - درباره مبارزه مافدوفو
- ۴- دیمیتریف - سخنرانی "وحدت طبقه کارگر در برابر فاشیسم" نقل از هجوم فاشیسم،
- ۵- ما شود - مبارزه علیه سیک الگوسازی در حزب

استثنائی قائل شوند و بر گروه خاصی تاکید ورزند، حالا چه شده است و کدام "دمکراتیسم انقلابی" حکم میکند که مجاهدین فقط بر زندانیان مجاهد را روروزند؟ چرا جهت مرز بندی بسا زندانیان لیبرال وفدا انقلابی و در دفاع از زندانیان مترقی و انقلابی و کمونیست شعار: "زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها، آزاد باید گردد" یا چیزی نظیر آن انتخاب نمی شود؟ این اعضا و هواداران انقلابی مجاهدین هستند که با دیده این سوال پاسخ دهند.

بقیه از صفحه ۵ پرتاب...

را مسئول این جنایت معرفی کرده اند و چنین وانمود کرده اند که آنها از این کارها نمیکنند و گروههای سیاسی دست به این اعمال نمیزنند اما راستی این مردوران ارتجاع و سرما به کی را میخواهند بفریبند؟ مگر خلق ما در عمل، حدود گروههای سیاسی انقلابی و چگونگی برخورد آنها را با مردم ندیده و با کوشش و پیوستن خود احساس نکرده اند؟ آنها در راه منافع خلق از رهح کوشی و حتی فدا کردن جانان بعنوان هدیه - ای ناجیره خلق کوناهمی نکرده اند؟ هر حال این هم نمونهای دیگر از اخلاق اسلامی سرکوب - کران خلق سود که بقول خمینی رهنا رنسان جوانمردیهای مدرن اسلام را بسا دیبا ورد! و در اینجا منب موا مفریانی همچون حزب خائسن نوده و جریکهای فدائی (اکثریت) که سعی میکنند این جلادان را خلقی و انقلابی و خدا میریالست فلما دکرده و مردم را به انحادبا آنها و در واقع تسلیم شدن به آنها بکشانند، بخوبی بازمیشود و ماهیت و رسالت آنها که خدمت و شوکری سرما به - داری حاکم میباید روشن میشود.

این مسئله بخوبی نشان داد که با این جلادان هیچ راه دیگری غیر از مبارزه بی پایان و بیکیرو وجود ندارد و فقط در سایه مبارزه ای بی وقفه از راه گسترش حرکتهای اعتراضی بر علیه آنها میتوان به حقوق حقه خود رسید و با بدستیده هر چه بیشتر مبارزه برای آزادی فرزندان دربند خود و نیز مقاومت هر چه بیشتر در مقابل اعمال ضد خلقی این سرکوبگران آنها را وادار به عقب نشینی نمائیم.

یکی از پایگاههای مزدوران بعث "رزگاری" بنصرف پیشمرگان کومله درآمد
هورامان ۵۹/۸/۲۸:

پیشمرگان کومله در جریان حمله به یکی از پایگاههای مهم رزگاری در روستای "دهل" هورامان، سنگرهای آنها را در بلندیهای "بانه" - دهل محاصره کردند و طی یک شردسه ساعت آنها را به تصرف درآوردند. در این درگیری یکی از مزدوران بعث "رزگاری" کشته و ۷ نفر از جمله فرمانده آنها بنام شیخ شهاب و برادرش شیخ - رمضان دستگیر شدند. همچنین مفا دیرزیادی، اسلحه ها مل مسلسل دوشکا، خمپاره انداز و چند قبضه کلانکالیبر ویرشو مقدار فشنک بدست پیشمرگان کومله افتاد. در جریان این درگیری یکی از پیشمرگان فداکار و دلسوز کومله زیل شهید جمیشد (هورامان) بنام "علی قمری" به شهادت رسید. (خبرنامه ۹۶ کومله)

غرضی اعلام میکند:

اهواز جزو مناطق جنگی نیست

غرضی اسناد خورسان در سخنرانی چند روز قبل خود اعلام کرد اهواز جزو مناطق جنگی نبوده و هر کار که بر او کند و برسد و ۱۰۰۰ ای که نیست ساید محکوم عدری در رابطه با رفتن از شهر و ۱۰۰۰ را از دسترس نبود و اخراج خواهند شد و سیدهای دگری در همین زمینه .
حال برای آنکه نشان دهم چگونه رژیم با شلنات دروغین خود سعی میکند و جاع و احوال اهوار را عادی جلوه داد و مردم هر چه بیشتر را برای کوشش دهنوب شدن به شهربا زگردانند ، تلفات و خساراتی را که در روزهای ۱۶ و ۱۴ آذر ماه سر اسامات سویی ای ارتش مزدور عراقی به

مردم اهواز وارد آمد، ذکر میکنم.
در تاریخ ۱۴ آذر در ارتش لشکر توپخانه عراقی یک نفر در خیابان شهرزاد خانبابا ربه شهادت رسید و در تاریخ ۱۶ آذر در خیابان اصلی با شمشیر در اسامات توپ به قصابی و خوابا - فروشی ۳ - ۴ نفر کشته و عده ای زخمی شد. در جبارا هرتدو آراسفالت عده ای زخمی گردیدند بر اسامات توپ خانه ای در کوه روبروی بیمارستان جدید شاپور ویران گردید. دیواری نزدیک با رفروتنان فروریخت که خوشبختانه به کسی آسیب نرسید در کارگاه چوب بری صیوری واقع در گاه کوهت عبدالله چند کارگر که مشغول حمل چوب بودند کشته و زخمی شدند.
و با زهم رژیم اعلام میکند اهواز جزو مناطق جنگی نبوده و اوضاع آن عادی است!
(سنگل از خبرنامه جنگ ۱۰ کمیته خوزستان)

مراسم چهلمین روز شهادت رفقا

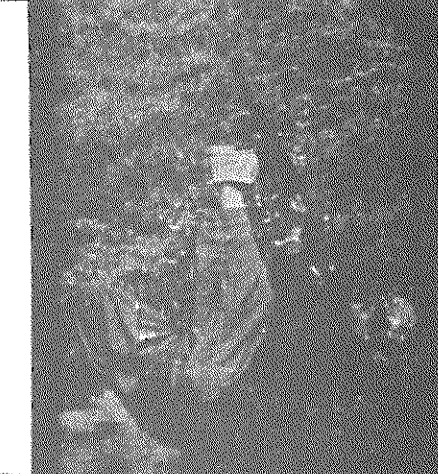
محمود اشرفی و منوچهر نیک اندام

آرمان سرخ رفقای شهید بودا ز طرف سازمان بیکار... فرستاده شده بود. همچنین دسته گل - سرخی که از طرف سازمان بیکار... کمیته خوزستان تهیه شده بود بر مزار شهدا قرار میگیرد یکی از رفقا از آرمان رفقا و علت به شهادت رسیدن آنها و دیگر کمونیستها سخن گفت.
پس از اتمام صحبت رفیق، وصیت نامه رفقا محمود منوچهر، بیام سازمان بیکار به عزیزان شهید، شمری از ستوتک بنام "انها هیچگاه نمرده اند" خوانده شد در تمام مدت جمعیت شرکت کننده با دادن شعارهای "زنده و جاوید با دیدار شهیدان خلق"، "بیکار گروهی هم قسم بخون باکت راهت ادا مهادارد" نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی و آمادگی برای ادا مبارزه در راه منافع کارگران و زحمتکشان نشان دادند. (سنگل از خبرنامه ۱۰ کمیته خوزستان)

در برکردن چهلمین روز شهادت رفقا محمد اشرفی و منوچهر نیک اندام، مراسمی از طرف هواداران سازمان بیکار در آغا جاری و شرکت بستگان و آشنایان دو شهید و نیروهای انقلابی برگزار شد.
در فاصله بین آمدن و مزار رفقای شهید جمعیت در ماشینها سرودهای ای رفیقان، بینم که، انترناسیونال، بیکار خونین، خلق - ترکمن را میخواندند. همچنین در بین راه رفقا و آشنایان شهید در مورد آرمان رفقای شهید و چگونگی اعدامان، در مورد مسئله جنگ و منافع هیئت حاکمه از این جنگ و اینکه این مسئله هیچ عایدی بجز گشتار و آوارگی و... تعبیر کارگران و زحمتکشان نمیکند، صحبت کرده و آنها را برای مردم توضیح میدادند.
بر مزار شهدا سرسخی از گل که نشانگر

بقیه از صفحه ۷ تظاهرات...

داران، علیه زحمتکشان (از فرزندان انقلابی خود و پیشمرگان قهرمان حمایت میکنند. تظاهرات دانش آموزان انقلابی و مردم زحمتکش با حمله به اداران و جاشها خاتمه یافت. همچنین در همین روز دانش آموزان مدارس "حاقانسی" "مهرگان" و "غزالی" نیز در مرحله های اطراف چهار باغ و بیرمحمدو... به دادن شعار برضد رژیم برداشتند. در مدرسه داریوش سابق نیز چندین نفر از دانش آموزان انقلابی توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. بنا به گزارش، در این روز در تمام مدارس سندنچ دانش آموزان انقلابی با تظاهرات و راهپیمایی های خود، به مبارزه برضد رژیم ارتجاعی دست زدند.



به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بش تائیم

زحمتکشان همدان و مصادره انقلابی انبار دولتی

فقر و فلاکت و گرانی ناشی از جنگ ارتجاعی بر کرده زحمتکشان ماسنگی میکند و توانایی رژیم ارتجاعی در پاسخ به خواست زحمتکشان آنان را به طرف حرکات انقلابی مستقل میکند. در تاریخ ۲۷/۸ عده ای از زحمتکشان شهرک دوازده هزار نفری "الله جین" که در ۲۶ کیلومتری همدان قرار دارد و دارای ۹۰۰ کارگاه سفال و سرامیک سازی میباشد، به یک انبار دولتی که مسئولین رژیم روغن نباتی مورد نیاز مردم را در آنجا انبار رنموده و از بخش آن جلوگیری می نمودند هجوم بردند و آنرا به تساوی بین خود تقسیم مینمایند. اینگونه حرکات و مبارزات توده ها نشان از رشد و آوج گیری جنبش دارد و از اینرو وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی است که با شرکت فعالانه در این مبارزات، جنبش توده ها را از حالت خودبخودی خارج نموده، آنرا از افتادن به دام انواع انحرافات مرسوم ساخته و با رهبری صحیح، آنرا در جهت انقلاب فراداهایت نماید.

ادامه یکبار در درون زندان سیرا در تفریحی با مبارزاتی آن سهم سیرا می دارد و درود میگیریم! اخبار و اطلاعات زندانها حاکی است که رفقای ما دلاورانه، طالت کمونیستی خود را نشان داده و در ارتقاء سطح مبارزاتی زندانها و آگاهی بخشیدن به زندانیان عادی میکوشند. آری زندان نیز نمیتواند مانع مبارزه انقلابیون در زندانها باشد.

یاران دربند!

دستان را بگری میفشاریم، بیروزیان را تبریک میگوئیم و میگوئیم که جای خالی شما را در نبرد طبقاتی خارج از زندان، هر چه بیشتر برتفا کنیم، به امید روزی که دستان برتسوان خلق با دیگر رسیاهالها را بکشاید، آنروز در پیروزیست.



جان رفقا صالحی و دکتر سبزقبا در خطر است!

رفقای انقلابی صالحی (دانشجو) و دکتر سبزقبا (استاد دانشگاه) که از زمان یورش ارتجاع به دانشگاهها در زندانها و از بصر میسرند در خطر اعدا قرار دارند. رفقا همزمان با رفقای شهید موهذ، دانشآموخته، رژیم با اشتباه از موقعیتی که دستگیر شده اند، رژیم را با اشتباه از موقعیتی که جنگ ارتجاعی کنونی برایش پدید آورده، قصد

ادام این دورنمای را دارد. با افتای توطئه های رژیم جمهوری اسلامی در مورد زندانیان سیاسی جان ایندوا انقلابی مبارزان را زخطر مرگ نجات دهیم.

زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها، آزادیابید کردید!

آبکنار: یورش ناکام پاسداران به ماهیگیران زحمتکش

روز پنجشنبه ۱۶ آذرماه، پاسداران سرمایه و ما مورین محیط زیست با یاری افراد گروهب فرست به میدان آبکنار (انزلی) که مشغول صید بودند حمله نموده با تیراندازی و ارماب قصد ما در توره های ماهیگیری آنها را داشتند. بهانه آنها برای این یورش صید خارج از ساعت مقرر بود. مردم پس از اطلاع به یشتیا نشی صیادان برخاسته و نیروهای ارتجاعی را وادار به عقب نشینی و پس دادن توره ها نمودند. پاسداران ارتجاع پس از ناکام شدن اقدام به دستگیری یکی از صیادان زحمتکش مینمایند که بدست مردم آزاد میگردد. مبارزه زحمتکشان نامن پیروزی آنهاست.

شیراز: اعتصاب غذای پیروزمند انقلابیون اسیر

فرزندان انقلابی خلقهای ایران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، همچنان به مبارزه ادامه میدهند. انقلابیون زندانی در "عادل آباد" شیراز با موفقیت در رسیدن به خواسته های صنفی خود با اعتصاب غذای خودبایان دادند. مبارزین در بند با مبارزه خود توانستند، وقت ملاقات را از ۱۵ دقیقه به ۲۰ دقیقه برسانند. علاوه بر هوامخوری معمول از ورزش صبحگاهی در هوای آزاد برخوردار باشند. پول بانگام ورزشی و آب گرم را نیز دریافت کردند. در کیفیت غذا ایشان تغییراتی ندهند.

پیروزی این اعتصاب غذایانگر روحیه انقلابیونی است که با مقاومت و یابیداری حتی در زندانها نیز دست از پیکار برنمیدارند. آنها بر علیه شرایط طاقت فرسای زندانها به مقاومت و مبارزه برخاسته و با استواری در برابر برتوطئه های رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی میکنند و زندانها را با مبارزه خود به لوزه در میا و روند. ما با ارج نهادن مقاومت و دلاوری انقلابیون در بند به کلیه آنها و بویژه به رفقای هوا دار که با

بقیه از صفحه ۳۰ رهنمود...

مبارزه و از طرف دیگر این امکان را مهیا میسازد که در صورت وقوع حوادث ناگهانی، به اتکای ارسال سریع و مرتب کمک های مالی که از جانب شما صورت میگیرد، ندرت ما نورد داشته و سازمان بتواند به هدف خویش ناثل گردد. فی المثل در شرایط کنونی که جنگ ایران و عراق پیش آمده هرگاه امکان مادی که سریع ارسال گردد، اجازه میدهد که در اسرع وقت به نامین نیازهای مربوطه به آن بپردازیم (از جمله کمیته های امداد پزشکی و...) همچنین اگر فی المثل از جانب ارتجاع ضربه ای برای مکنات مادی ما وارد شود، ارسال کمکهای فوری و منظم شما مکان میدهد که سریعاً به جبران ضربه وارد بپردازیم و در رفقا لیتمان وقفه ای ایجاد نشود

از اینرو ضروری است که کلیه رفقا، اعضا هواداران، و هم میهنان مبارزان ارسال کمکهای مالی خود را منظم بخشیده و بصورت ماهانه و یا هفتگی آنرا ارسال نمایند. مثلاً اگر رفیق کارگری ماهانه ۲۵۰۰ تومان حقوق میگیرد و به میزان ۴۰۰ تومان میتواند ماهانه کمک کند، به جای پرداخت کمک مالی بپراکنده بصورت منظم هر ماه ۴۰۰ تومان برای سازمان ارسال دارد.

البته اگر بتوان مدت ارسال کمک های مالی را هر چه کوتاهتر نمود (فی المثل بصورت هفتگی یا دوهفته یکبار) بسیار بهتر است و مانع سریعتر از امکانات مالی بهره مند خواهد شد. البته رفقای کارگر میتوانند نیمه هر ماه نیز بصورت منظم کمک های مالی پرداخت کنند. چه سر هر نیمه نیز "مساعده" دریافت میکنند. بدین ترتیب رفیق کارگر ما مبرده که ۴۰۰ تومان در ماه کمک مینماید میتواند در دوهفته ۲۰۰ تومان پرداخت کند.

رفقا برای هر چه بیشتر منظم کردن ارسال کمک های مالی اولاً کمکهای خود را به موقع (روزهای معینی از هفته یا ماه) ارسال نمائید، ثانیاً نام شهرستان خود را حتماً مشخص نمائید تا شما حداً المقدور کمک خویش را با کد (و حتی الامکان با کد ثابت) ارسال نمائید، تا امکان تعیین میزان کمکهای مالی به سازمان توسط ارتجاع مهیا نباشد. رفقا در عین حال میتوانند بخش کمکهای مالی، هر نوع کمک مادی دیگر که مقدور است به سازمان بنمایند. رفقا همچنین باید در جمع آوری و ارسال کمک مالی از سایر هم میهنان مبارز کوشش لازم را بنمایند! پیروز باشید!

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله ...

نکات و رهنمودها می که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

۱- لنورا همیما می از سوی آیت الله خمینی هیچگاه به معنی کامل و بی تخفیف نمانده و همچنان با بدچشمی با هم شدت بی اختلافات و برخورد و جناح رقیب بود. نه حزب جمهوری ارتجاعی حاضر به دادن امتیازاتی به لیبرالها و یا حتی عقب نشینی از برنامہ و نقشه محدود کردن اختیارات بنی صدر است و نه لیبرالهای حاضر و مرتجع با توجه به نقاط قابل اتکالی که دارند، بسا دگلی تن به عقب نشینی خواهند داد. آنها از هم اکنون فعالانه میگویند تا بسیر موج ناراضی مردم و جنبش اعتراضی توده ها سوار شده و آنرا سکوی پرش قدرت سیاسی و مقابله با رقیب سرسخت خود قرار دهند.

۲- هم اکنون توده های وسیعی از مردم در طول ۲۲ ماه اخیر در تجربه روزمره خود، کم و بیش به ما هیت و مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی و سرمداران آن پی برده و متاسفانه بدلیل فقدان یک آلترناتیو انقلابی و باطل کوشش های بی وقفه و غوا مغربیان و لیبرالها که در برابر حزبها و اقدامات ضد خلقی و در عین حال عقب مانده آن، ما یک آزادیخواهی و طرفداری مردم را بر چهره میزنند، اکثر مردم به لیبرالها رفته و بزرگترین بدین صدر و دارودسته لیبرالها جمع میشوند. بدون هیچ تردید و گرافه کوئی، در حال حاضر، این خطر بسیار بزرگی است که جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما را تهدید میکند. این خطر هنگامی افزایش میابد که متاسفانه تا حد آنیم که ما زمان مجاهدیسی (که با لغوه و با توجه به پتانسیل توده ای و با یه دموکرات خود می توانست در کناره رنجیرو - های کمونیستی نقش مهمی را در مبارزه علیه لیبرالها و کل رژیم ایفا کند) و بویژه رهبری آن، با گرایشات شدید لیبرالی، در مبارزه جنگ قدرت میان دوتنروی ارتجاعی و ضد خلقی، در کنار لیبرالها قرار گرفته و مستقیم غیر مستقیم از آنها حمایت میکند.

۳- با توجه به بحران روبه افزایش جامعه و افزایش ناراضی توده ها از هیئت حاکمه و در همین رابطه رشد جنبش توده ای از یکسو و با توجه به سطح توهم توده ها نسبت به کل رژیم (اعم از

حزب جمهوری و لیبرالها) عموماً و لیبرالها خصوصاً، با بد و لا کل رژیم یعنی هر دو جناح حزب (و در همین رابطه شخص خمینی) و لیبرالها به شدت در نبرد توده ها افشا و محکوم شوند و تا نیا در شرایط فعلی لیبرالها را که میگویند در موضع اپوزیسیون، مظلوم نمائی کرده و چهره خیانت کارانه و کریه خود را از توده ها بیوشانند هر چه بیشتر و بیشتر افشا و رسوا شوند.

۴- در کناره افشای بی امان کل رژیم همچنین افشای ما هیت آلترناتیوهای ارتجاعی ای چون بختیار و...، کمونیستها راستین و وظیفه دارند، اولا جریانات رویزیونیستی حزب توده فدائیان (اکثریت) و رنجبران را که هر یک به بنحوی میگویند، با تقسیم کار "رفیقانه" میان خود چهره این یا آن سخن از بورژوازی راقلمرئی کنند، به شدت افشا نموده و توده ها و بخصوص طبقه کارگر را نسبت به ما هیت خائسانه و ضد خلقی آنها آشنا سازند.

۵- کمونیستها همچنین وظیفه دارند، با توضیح و افشای مواضع لیبرالی سازمان مجاهدین و بویژه رهبری آن و خطراتی که این مواضع برای جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما همچنین خود این سازمان (بمنظور یک سازمان دمکرات) دارند نقش فعال خود را در رهاندن این سازمان از دام لیبرالها و جذب آنها بسمت آلترناتیو کمونیستی و انقلابی ایفا نمایند.

۶- در یک کلام کمونیستها و آلترناتیو تمامین رفقای سازمان و هواداران، وظیفه دارند به سبب بردن سیاست و خط مشی پیگیر کمونیستی به میان توده ها و در همین رابطه مرز بندی با جریانات ساکترونا پیگیر جنبش کمونیستی و افشای تمامی جریانات ناپیگیر، رویزیونیستی، ارتجاعی و لیبرالی و از این طریق بالا بردن آگاهیی انقلابی توده ها، همراه با شرکت در جنبش توده ای، رشد و ارتقاء مضمون و شکل مبارزاتی و جدت سازماندهی آنها و در همین رابطه تا مین و جدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر، نقش و رسالت خود را به بهترین وجه ایفا نمایند.

رفقا به پیش!
به استقبال جنبش او جگر بند توده ها بشتابیم!
طبقه حزب جمهوری طبقه لیبرالها ه
زند و باد بیکار توده ها!

«ملاحظات کوتاه»

"الپاس سرکیس مسیحی" هم بگمک جمهوری اسلامی آمد!

در ملاحظات شما ره قبل یکی دوتما از "چشم بندی" آقای رفسنجانی را آوردیم. او که در سفر به کشورهای عربی به ساعت و با اختیای بی شماری های خدا انقلابیست مثال حافظ اسد رسیده بود، قصد "رنگ کردن" مردم ما را داشت و در ضمن گزارش خود از قول "الپاس سرکیس مسیحی" رئیس جمهور لبنان گفت:

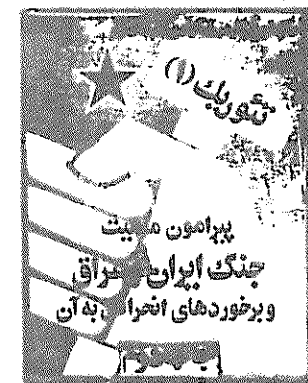
"ما مدتی را در آن نشسته اند و تا زمانه رند روح انقلاب را در مردم و با لطیف در منطقه میدهند" رفسنجانی از قول همان جناب اضافه کرده که "انقلاب ایران برای اوا عجاب انگیز است و آن را میتوان با انقلاب کبیر فرانسو مقایسه نمود" (روزنامه های ۱۵۹ و ۱۱۱ آذر ماه).

ملاحظه نویسن با شنیدن این حرفها بسیار متسری شای اعتنا که طی سالهای گذشته با از سرگردن نام چند نویسنده خارجی می از قول کار لایل انگلیسی و گوستا ولوینو فرانسوی و یافلان استاد دخرست دانشگاهها رواندویا جرج - جرداق مسیحی لبنانی در اشبات و مفید بودن دین "دلایل" میا وردند، آقای رفسنجانی دست آنها را از پشت بسته و از الپاس سرکیس رئیس جمهوری مسیحی لبنانی در تاشیاداً انقلاب اسلامی" بران دلیل میا ورد، بد نیست بدانید آقای سرکیس کیست که حرفها پیش اینقدر آقای ها شمی رفسنجانی را خوش آمده است؟

سرکیس یک سرمایه دار معروف لبنانی است که سابقاً در ارتش با تگ مرکزی لبنان بوده است. اگر به اهمیت بیروت بعنوان بازار بورس و مرکز مبادلات پولی امپریالیستها در منطقه فارسیا نه توجه کنیم، نقش سرکیس بعنوان نماینده الیگارشی مالی لبنان - کسه در وابستگی اش به بازار امپریالیستی حرفی نمیتوان داشت - بهتر بر ما روشن میشود.

نیروهای ارتجاعی لبنان حاکمیت خود را از طریق رکن ۴ ارتش که یک سازمان مفسسی پلیسی نظیر ساواک تا هاست همواره و تا کنون اعمال کرده اند، سرکیس با این سازمان دارای پیوندی ناگسستنی است. هم اکنون شبه حکومتی که سرکیس در آن قرار دارد از طریق رکن ۲ بر ما مانده است. سرکیس با فالانژیستها و با سرگرد مسدودا که دست نشانده اسرائیل در جنوب لبنان است نیز دارای هماهنگی است.

اینکه چرا آقای سرکیس به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخته و چرا آقای رفسنجانی پس از ساعت و ساعت ها پیش در خارج کشور خواسته است مردم ما را فریب دهد و رنگ کند، نکته ای قابل بحث است و مسلماً از سرساده کی او نمیتواند باشد!



سازمان انتشارات
جدید
سازمان

سختنای ابراد شده در دانشگاه
سور دلف
۱۳۲۹
۱۳۲۹

ترجمه

آیا میدانید...؟

آر.سی.دی. (بیمان همکار و عمران منطقه - ای) بدنیا ل و رود ایران به بیمان سنتی وجود آمد. کشورهای عضو P.C.D پاکستان، ایران و ترکیه هستند. تحکیم هر چه بیشتر وابستگی به امیریا لیسیم آمریکا و در آوردن این منطقه استرازیگ بصورت پایگاه امنی برای امیریا لیستیهای غارتگری و زکار، هدف از این بیمان بود.

باری، طبق اسنادی که ملاحظه میکنید بانک بازرگانی مشهد هم خیال میکرده است پس از قیام بهمن ماه، ایران از بیمان امیریا لیستی و اسارتیاریج شده و لذا طی نامه ای (سند اول) از بانک مرکزی (تهران) سوال میکند که برای ورود کالا از پاکستان چه باید کرد؟ و جوابی که از سوی بانک مرکزی دریافت می نماید (سند دوم) نشان میدهد که ایران تا آبان ۵۸ از آن بیمان خارج نشده بوده است. تحقیقی که ما در این باره نمودیم نشان میدهد که این بیمان لغوشده برعکس تا کید میکند که دفتر R.C.D هنوز در تهران مشغول کار میباشد.

ما از رزیبی که قرارداد دوجا شبه نظامی با آمریکا را تا حدود ۹ ماه پس از قیام (بدست دکتر یزدی) همچنان حفظ کرد، البته انتظاری جز این ندا ریم که نه تنها قرارداد های اسارتیاری را حفظ نماید، بلکه کوشش کند تا یما تی را نیز که در نتیجه قیام، بر امیریا لیستیها وارد آمده ترمیم نماید.

راهپیمائی های هواداران سازمان پیکار در آمل

در ساعت ۴ بعد از ظهر سه شنبه ۹/۱۸ نظارهائی از طرف هواداران سازمان پیکار در مرحله "سیکا پل" آمل برگزار میشود که در آن شعاری - دادند:

"زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد با بدگردد"
"کشتار زحمتکشان بدست پاسداران محکوم است"
"آزحطی و گران، مردم به تنگ آمدند"،
"آزادی سیاسی، حق مسلم ماست".

در طول تظاهرات شوربیشتری به آن می بخشید و نا قوس خوش آهنگ ادا می نمود و مبارزه را در کوشش توده ها بصدا در می آورد. اعلامیه های که در طول تظاهرات پخش می- شونده با شورا و شتیاق مردم، در گرفتن و خواندن آنها مواجه میشوند.

در ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۹/۱۷ هواداران سازمان پیکار از محله مصیبتان که یک محله کارگرنشین است، دست به راهپیمایی میزنند در طی راهپیمائی مردم به راهپیمایی پیوسته و شعارها را تکرار میکنند. در محل تجمع مردم، یکی از هواداران سازمان، اعلامیه رفقای ما در ما زندران راجع به جریانات اخیر را می خوانند که با استقبال زیاد مردم مواجه میشود.

بقیه از صفحه ۵ مصادره...

روستا ثیان روبروند، چنانکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با محاصره اقتصادی کردستان ما هاست که مانع ورود ما بحتاج مردم بویژه روستا ثیان میگردد.

اما حزب خائن شده که حاضر به همه گونیه نوکری رژیم میباید در روزنامه "مردم" بارنامه تریلر را که با امضا و مهر پشمرگان پیکار رسیده بود، چاپ و اینطور وانمود کرده بودند که گویا برنحیا به مناطق جنگزده مرزی حمل میشده است (آخر نظر این خائنین، سندنچ مرز ایران و عراق و خلق کردکا فرو و بسته بیعت عراق می- باشد). جالب این است که حزب معلوم الحبال جمهوری اسلامی هم عین این خبر حزب توده را در روزنامه خود چاپ کرده است و بدین وسیله بار دیگر نوکری و حلقه بگوشی حزب خائن توده را به اثبات رسانید.

اما از نظر ما کمونیستها، مصادره اموال دولت که از مکیدن خون زحمتکشان و چپاول شمره کارآنها بدست آمده است، امری است انقلابی و ما اینگونه مصادره ها را یکی از وظایف مبارزاتی خود میدانیم.



روز دوشنبه ۹/۱۷ نیز هواداران سازمان پیکار از سه راهی چابکسره طرف مسجد حاج علی- کوچک دست به راهپیمائی میزنند. شعارها پی از قبیل "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "زندانی سیاسی آزاد با بدگردد" رساننده فریاد اعتراض شان به جنایات رژیم میشود. (نقل از خبرنامه ویژه جدید ارتجاع در ما زندران شماره ۴ از انتشارات رفقای ما در آن استان)

<p>شماره ثبت: ۱۳۵۸/۷/۲۶</p> <p>تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۶</p> <p>پانک مرکزی ایران</p> <p>تهران، نهبان فروری</p>	<p>شماره ثبت: ۳۱۵۷</p> <p>نشانی: تهران، نهبان فروری، پانک مرکزی ایران</p> <p>تلفن: ۲۱۸-۲۱۶۱</p> <p>پانک مرکزی ایران</p> <p>اداره نظارت ایز</p>	<p>شماره ثبت: ۱۳۵۸/۷/۲۶</p> <p>تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۶</p> <p>پانک مرکزی ایران</p> <p>تهران، نهبان فروری</p>
<p>موضوع: گشایش اعتبار جهت ورود کالا از کشور پاکستان.</p> <p>اشاره بنام شماره ۲/۵۲۰ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۶ آن بانک</p> <p>با اطلاع میرساند اتحاد چند جانبه آرسی، دی ملفی نگردیده برای گشایش اعتبار جهت ورود کالا از کشورهای عضو آرسی، دی ملفی طبق بخشنامه های صادره این بانک گمان بقوت خود باقی است. خواهشمند است پس از گشایش اعتبار جهت ورود کالا رونویس گشایش اعتبار را جهت صدور رونویس به پانک مرکزی ایران ارسال فرمائید تا اقدام لازم بعمل آید.</p> <p>اداره نظارت ایز</p>	<p>موضوع: گشایش اعتبار جهت ورود ۷ هزار و ۷۰۰ تن زیت از کشور پاکستان، مبلغ ۱۳۵۰ دلار و مشمول تعرفه گمرکی ۹/۰۹</p> <p>محترمه، با اطلاع میرساند آقای ملل اکبر اقبال مشتری این شعبه درخواست گشایش اعتباری با مشخصات فوق دارد. اینک با توجه بانک بهمان آرسی، دی ملفی به تشریح حکومت جمهوری اسلامی ملفی گردیده است لپذا بدینوسیله خواهشمند است نظریه خودتان را نسبت به سایرین در دو اسات واکان گشایش اعتبار را بطریق آرایه این بانک اعلام فرمائید.</p> <p>پانک مرکزی ایران</p> <p>شعبه مشهد</p>	<p>موضوع: گشایش اعتبار جهت ورود ۷ هزار و ۷۰۰ تن زیت از کشور پاکستان، مبلغ ۱۳۵۰ دلار و مشمول تعرفه گمرکی ۹/۰۹</p> <p>محترمه، با اطلاع میرساند آقای ملل اکبر اقبال مشتری این شعبه درخواست گشایش اعتباری با مشخصات فوق دارد. اینک با توجه بانک بهمان آرسی، دی ملفی به تشریح حکومت جمهوری اسلامی ملفی گردیده است لپذا بدینوسیله خواهشمند است نظریه خودتان را نسبت به سایرین در دو اسات واکان گشایش اعتبار را بطریق آرایه این بانک اعلام فرمائید.</p> <p>پانک مرکزی ایران</p> <p>شعبه مشهد</p>

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

کمکهای مالی دریافت شده

اصحیان:	۲۴۰۰۰ ریال
س ۲۴۰۰۰ ریال	۲۴۰۰۰ ریال
م ۱۲۱۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال
ک . مهر ۲۰۰۰۰ ریال	شاهین شهر رفقای
خ - نصر ۲۰۰۰۰ ریال	هوادر ۱۵۰۰۰ ریال
س ۳۰۰۰ ریال	
کلاچای:	
الف ۱۰۰۰ ریال	نقی ۱۰۰۰ ریال
بوسهر:	
الف ۹۴۰۰ ریال	ب ۶۱۰۰ ریال
رامپرز:	
الف ۳۰۰۰ ریال	س ۵۵۰۰ ریال
م ۳۰۰۰ ریال	
اهوار:	
رفیق عمود ۱۱۰۰۰۰ ریال	
سرباز وظیفه جنوب ۱۵۰۰ ریال	
سنج:	
مادریبشمرک ه - و ۲۰۰۰۰ ریال	
مادریبشمرک الف ۲۰۰۰۰ ریال	

تهران:	۲۷۸۰۰
الف	۲۱۸۲۰
ب	۲۸۰۰
ج	۲۱۸۲۰
د	۲۰۰۰
ه	۱۲۴۰۰
و	۵۸۰۰
ز	۲۰۰۰
ح	۱۲۸۰۰
ط	۴۰۰۰
ق	۱۱۰۰۰
ک	۵۸۰۰
گ	۸۰۰۰
خ	۴۰۰۰

تهران:

ح - د ۵۰۰۰ ریال

م - م کارگر ۳۰۰۰۰ ریال

الف کارمند ۱۰۰۰۰ ریال

زهرا - کارگر ۱۰۰۰۰ ریال

رفقای کود ۱۰۰۰۰ ریال

کارگر فروسکا دوادید ۱۵۰۰۰ ریال

مهوه جی - نازی آباد ۱۵۰۰۰ ریال

سرباز وظیفه ۱۵۰۰۰ ریال

بزرگان هوادر ۱۵۰۰۰ ریال

هسته دانش آموزی ۴ شری ۸۰۰۰ ریال

معلم خراچی س - ن ۳۰۰۰ ریال

رفیق مادر ک ۱۰۰۰۰ ریال

رفیق س ۲۰۰۰۰ ریال برای پیشبرد آلمان بیروتاریا

رفیق مادر لاسهای زمستانی جهت کردستان رسید

س - م ۱۰۰۰۰ ریال همراه با لباس برای بیمه بزرگان

و ناهدات رسید.

ر - ف - ک - الف لیلیا برای شمار رسید.

هسته دانش آموز ۱۰۰۰۰ ریال همراه با نامه

صمیمانه رسید.

رفیق "م" از بازی آباد از کمکهای داروئی ا ت

فردانی منگتم.

رفیق مادر ۱۰۰۰۰۰ ریال که از طریق تهیه سرکه

فرساده بود دید رسید.

رفیق هوشنگ هدیه ات رسید.

رفیق شاهین هدیه ات رسید.

رحیم - ۹۳ لباس برای گولته رسید.

رفیق مادر خنده دار ۱۰۰۰۰ ریال همراه با نامه

سوروشا رسید.

رفیق هوادر وظیفه حسن خان ۳۰۰ تومان

دانش آموز کرج - س - ۱۶ - ۵ تومان

رفیق بدرولت برای تهیه ساری رسید.

اردبیل:

م ۵۰۰ ریال	الف ۵۰۰۰ ریال
ب ۲۰۰ ریال	س ۳۴۰۰ ریال
ت ۲۰۰۰ ریال	الف ۶۰۰۰ ریال
س ۵۰۰ ریال	بدون کده ۷۰۰۰ ریال
ف ۵۰۰ ریال	
م ۵۰۰۰ ریال	

۱- آسارا - رفقای هوادر ۱۳۰۰۰ ریال

۲- آستانه - رفقای دانش آموز هدیه بان رسید

۳- سراب - ن - ۸ - ۲۰۰۰ ریال

۴- سایه گل رفقای دانش آموز ۳۰۰۰ ریال

۵- سلمان - رفیق معلم ۳۰۰۰ ریال

۶- لنگرود - رفیق دیلم ۱۰۰۰ ریال

سریز:

م ۳۰۰۰ ریال

راسته ناکسی ۱۵ لیتریترین

هسته ما ۲۵۰۰۰ ریال

هوادران در خطه جا هدین ۱۰۰۰۰ ریال

کارگر کفایت ۱۰۰۰ ریال

ب - ف سرباز رجبیه جنگ ۱۴۰۰ ریال

ع - و سرباز رجبیه جنگ ۱۰۰۰۰ ریال

رفیق س ۲۵۰ عدد سوار خالی ات رسید.

محمود آباد:

رفقای هوادر ۲۰۰۰۰ ریال

معلم هوادر ۲۰۰۰ ریال

روستای ارنگلا - مادر ۵۰۰۰ ریال

آستانه شرقیه:

هسته دانش آموزی ۱۱۵۰۰ ریال

دماوند - الف - ک ۶۰۰ ریال

ارومیه:

ب - پ ۲۱۰۰ ریال

ک س ۱۰۰۰ ریال

رفقای دانش آموز ۱۰۰۰۰ ریال

رفقای هوادر ۲۰۰۰۰ ریال

سرجرد:

ع - ب ۱۰۰۰ ریال

رفیق دیلمه ۲۰۰۰ ریال

هسته دانش آموزی درفش ۲۰۰۰ ریال

رشت:

ع - کارگر ۲۵۰۰ ریال

ع - معلم ۱۰۰۰۰ ریال

عده ای از دانش آموزان ۲۵۰۰ ریال

رفقای مدرسه مهد دانش - فروغ - سرور

آلابوش ۲۳۵۰ ریال

لاهیجان:

دیلمه های بیکار ۱۳۰۰۰ ریال

ن - ل ۵۰۰۰ ریال

هوادر "سخت" ۱۰۰۰۰ ریال

هسته دانش آموزی ۲۵۰۰ ریال

سقز:

ز ۵۱۰۰ ریال

م ۳۶۰۰ ریال

ه ۲۰۰۰۰ ریال

هوادران جنبش مقاومت ۱۷۰۰

دانش آموزان هوادر جنبش مقاومت ۵۰۰ ریال

قزوین:

الف - م ۳۰۰۰

الف - پ ۲۰۰۰ ریال

م - م ۴۰۰۰ ریال

رفیق لوله کش ۱۰۰۰ ریال

کارگر بروس سیلندر ۱۰۰۰۰ ریال

رفقای هوادر نظریه ۲۰۰۰۰۰ ریال

۱- اتحادیه دانشجویان ایرانی در انگلستان

عضو اتحادیه جهانی هوادر ۲۰۰۰۰۰ ریال

۲- آلمان - فرا تکفورت رفیق پ ۵۰۰۰ مارک

۳- آلمان - آخن: رفقای هوادر کمکهای داروئی شما رسید.

۴- آمریکا - نورفور در رفقای هوادر ۴۵۰۰۰ ریال

۵- اردبیل - ت - ا هدیه ات رسید.

۶- اسلام آباد - پ ۴۰۱۰ ریال

۷- اندیمشک - رفقای هوادر ۱۰۴۰۰۰ ریال

۸- بانه - ج ۵۰۰۰۰ ریال

۹- بوکان س ۶۵۹۰ ریال

۱۰- بروجرد - الف کارگر آسفالته کار ۲۰۰۰۰ ریال

۱۱- رنجان - دهقانان مبارز ۳۰۰۰۰ ریال

۱۲- شستر - ه ۸۷۰۰ ریال

۱۳- کرمانشاه - (همراه با نامه) ۴۰۰ ریال

۱۴- کجساران رفقای هوادر ۵۰۰۰ ریال

۱۵- کازرون - ش - ۱۹۱۷ هدیه رزنده ات رسید.

۱۶- جالوس - ب ۲۰۰۰۰ ریال

۱۷- ماهشهر - ج ۴۰۰۰ ریال

۱۸- ورامین الف ۲۱۰۰ ریال

۱۹- نوشهر ۱۰۰۰ ریال

۲۰- مازندران - دهقانان مبارز روستای ارم ۱۰۰۰۰ ریال

۲۱- مازندران - زنان خانه دار روستای ارم کمکهای مالی تا رسید.

۲۲- کرگان - رفقای هوادر ۱۰۰۰۰ ریال

کمکهای مالی که محل ارسالش معلوم نیست:

ش ۴۵۰۰ ریال

ب ۴۰۰۰ ریال

س ۸۰۰۰ ریال

ک - ج ۶۱۰۰ ریال

م ۱۰۰۰۰ ریال

س ۸۰۰۰ ریال

د - ا - ب ۳۵۰۰۰ ریال

ک - ج ۴۰۰ ریال

رفیق مهدی! ۵۰۰ ریال همراه با مرفقانه ات رسید.

رهنمودی درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز!

هما نظر که میداند سازمان ما به تکای کمک های مالی شما و بویژه رفقای کارگر میتواند اهداف انقلابی خویش را به پیش برد! در شرایط کنونی که سازمان در مصافه مالی قرار دارد، کمک های مالی شما بیش از پیش در پیشبرد اهداف سازمان نقش دارد و ضرورت بسیاری میابد! رفقا! مسئله کمک مالی نیز همچون سایر وظایف دیگر یک وظیفه سرمواختلانی است که بدون آن سازمان نمیتواند فعالیت خویش را به پیش برد! این وظیفه اختلانی نیز مانند هر وظیفه اختلانی دیگر با بدعت تا بصحت نظم و انضباط خورا رگبید! ارسال مسلم کمکهای مالی شما بطور هفتگی از طرفی ما را از میزان امکانات مادی خویش آگاه بقیه در صفحه ۲۷

بقیه از صفحه ۲۲ **جدال...**

شدیدی را از سوی آنها علیه بنی صدر و لیبرالها بدنبال داشت .

در راهیمائی چند هزار نفره ای که در همین رابطه از سوی حزب در هفته قبل در قم برگزار شد ، جمعیت شعرا میدادند : "مدسیها لاری ولا یست فقیهه است" و در قطعنا همراه هیما یا ن آمده بود : "از مجلس میخواهیم که هر چه زودتر دفتر همکاری - های مردم با ریاست جمهوری را که لانه فساد شده و شما مگروهائی فساد انقلاب در زیر پوشش آن توطئه میکنید ، منحل نمایند" (۲) ، در اوا خر هفته گذشته ۶۷ نماینده مجلس به سرمداری آیت طی یک نامه به رئیس مجلس صریحا خواستار "تحت پیگرد قرار گرفتن" بنی صدر بجرم "افشای اسرار حیاتی کشور ، بخصوص در زمان جنگ" (۳) شدند . هاشمی رفسنجانی نیز در نامه تلویزیونی اش در روزهای اخیر در مورد عدم انتخاب وزیر خارجه ، مسئولیت آنرا از بنی صدر دانسته و تهدیدکنان گفت : "اگر بیش از این کوتاه می شود ، مجلس دیگر تحمل نخواهد کرد" (۴) دست آخر و مهمتر از همه اینها با یاد تصمیم آیت الله منتظری و دیگر روحانیون و امام جمعه های شهرستانها مبنی بر دعوت به راه پیمائی مردم جهت حمایت از روحانیت و ولایت فقیهه در روز ۲۷ آذر یاد کرده این راه پیمائی که در واقع "رفراندم" حزب جمهوری بر علیه بنی صدر و لیبرالها بود ، در صورت وقوع ابعاد بحران را بدون تردید گسترده تر و در عین حال عمیق تر میکند ، اما این راه پیمائی از سوی آیت الله خمینی لافو کردید و او کوشید تا علیرغم حمایتهای اخیرش از حزب مانع از بحرانی تر شدن اوضاع گردد ، در این مورد و بخصوص عواملی چون شرایط جنگی کنونی حمایت ارتش از بنی صدر حمایت در مجموع بیشتر آمریکا از لیبرالها ، میزان نارضایتی توده ها از جناح حزب و در همین رابطه مکاناتی که لیبرالها برای جلب توجه های نارضاضی در اختیار دارند ... برای تحمل بنی صدر در شرایط کنونی موثر نبوده اند .

مساله اساسی در اینجا این است که علیرغم لغوراهیمائی از سوی آیت الله خمینی ، بهیچ وجه نتواند فرودکش نکرده و تمایل به اعمال هژمونی کامل بر لیبرالها ، بعنوان یک عامل اساسی در سیاستهای حزب باقی خواهد ماند . لیبرالها نیز بیش از پیش به موضع اپوزیسیون رانده شده و از آنجا که توانائی زیادی در فریب توده ها و سوار شدن بر امواج نارضاضی و جنبشی توده ها دارند ، افشای آنها با یدیکی از مضامین اصلی تبلیغی گروههای کمونیستی و انقلابی (در کنترافشای حزب جمهوری) تشکیل دهد .

بهر صورت ما در آینده با زهمشاهدت تضاد

بقیه از صفحه ۲۲ **آزادی...**

نماید و آمریکا را که از این گروه گانگی خوشنود نبود ، با حل مسئله خوشنود سا زدین ترتیب حزب که فریفتن توده ها در این مورد را نیز می - کوشید به گانالی برای بازسازی سرمایه داری وابسته بدل کند ، اکنون روابط عادی با امپریالیسم را ترجیح میدهد و در این راه از هیچ زبونی و خواری نیز روگردان نمیشود ، به سخنان رجائی پس از ملاقات و تصویب نظراتش توسط آیت الله خمینی توجه کنید :

"انشاء الله امیدواریم که بزودی مسئله ای بنا مگروه گانها نداشتن با شیم ... زیرا همچنانکه قبلا هم گفته ایم این مسئله برای ما ، بصورت یک مسئله مرده ای است ، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری وقت گذرانی بیرون آمده باشد ، جوابهائی تهیه کرده ایم که بعنوان آخرین پاسخ بوسیله نماینده دولت الجزایر که برای همین منظور به ایران آمده است ، بدولت آمریکا اعلام خواهد کرد . دیگر این آمریکا است که میتواند هر موقع با هر روز برای عیدیا تولد یا هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد ." (جمهوری اسلامی ، ۲۶ آذر ماه)

وقاحت اندازدها رد! یکسال گوش خلق را با ، تبلیغاتنا مبنی بر محاکمه جاسوسان ، محاکمه امپریالیسم ، تحقق خواستهای فساد امپریالیستی و ... کرد کردید ، توده ها را فریفتید و امواج خروشان توده ها بر علیه امپریالیسم را منحرف کردید و حالا میگوئید ، "این مسئله مرده است" و انشاء الله دیگر چنین مسئله ای نخواهید داشت و "آمریکا ، جاسوسان را ببرد ... آیا توده ها ، شیادی سیاسی شما را خواهند بخشید ؟ آیا توده ها نمی پرسند آنچه تبلیغات چنین و چنان تان در مورد محاکمه جاسوسان و ... چه شد ؟ آیا توده ها فریبکاری شما را خواهند بخشود ؟ می دانیم که خیر ، اما آش آنقدر شور است که صدای لیبرالهائی که از اول مخالف گروه گانگی نیز نبوده اند ، در آمد ، بنی صدر که در نامه "محرمات" اش به آیت الله خمینی (ضمیمه پیکار ۸۲) اظهارتاسف کرده بود که اکنون این مسئله از موضع ضعف و تسلیم حل میشود ، کسی که خود بیش از همه خواهان عادی تر شدن روابط با

های جناحهای مرتجع رقیب خواهیم بود ، با اوج گیری هر چه بیشتر جنبش توده ای ، بحران در بالا نیز دامنه خواهد شد و با لاینها بیشتر بجان هم خواهند افتاد ، آری اسپها در سریالائی یکدیگر را کاز میگیرند!

پاورقی ها :

- (۱) - جمهوری اسلامی ۱۸ آذر
- (۲) - اطلاعات ۲۶ آذر
- (۳) و (۴) - جمهوری اسلامی ۲۶ آذر

امپریالیسم آمریکا بوده است ، در مواجبه اخیرش (انقلاب اسلامی ، ۲۵ آذر) میگوید که اگر به خواستهای مجلس (که قبلا گفتیم تا چه حد ناسل و حقیرانه بود) پاسخ ندهند ، مسئله نیستی حل شود ، در صورتیکه آقای رجائی "فدا میریالیست" به آمریکا نیها میگوید "تضمینهای مالی به وسیله دولت الجزایر بدهید و هر موقع که خواستید گروه گانها را ببرید" (هما نجا) جالیست که لیبرالها در مورد اقدامات حزبیها در مورد سازش با امپریالیسم هم به موضع اپوزیسیون غلطیده اند . بهر حال جناح حزب نیز میگوید با امپریالیسم روابط عادی داشته باشد و آمریکا بگوید که تنها با لیبرالها نیست که میتواند با زد ، "آنها نیز خا فرند!" حزبیها که خود اکنون بسر بسیاری از مستندهای قدرت نشسته اند اگر تا دیروز روابطی را که لیبرالها با امپریالیسم برقرار میکردند ، کفر میدانستند ، امروز خسود زبونانه و ملتخسانه میکوشند همان روابط را با امپریالیسم برقرار سازند ، در این میان امپریالیسم که زبونی رژیم را برای آشتی دیده است ، میکوشد مسئله گروه گانها را با دادن حداقل امتیازات و گرفتن بیشترین امتیاز بسود خود حل نماید ، بدین ترتیب بر عکس سابق که آمریکا برای حل مسئله با فشاری میکرد اکنون رژیم است که ملتخسانه خواهان آزادی گروه گانها و آغاز روابط عادی گشته است ، اگر سخنان زبونانه رجائی که با التماس خواهان عادی تر شدن روابط با امپریالیسم آمریکا هستند ، چهره رژیم را بیشتر عربان میکنند و صحت نظرات سازمان ما را در خصوص گروه گانگی آشکارتر میسازد ، درس بزرگی نیز برای توده های نیلیونی میهن ما خواهد بود و آن اینست که : به کردار دولت مردان سنگرند نه به گفتارشان چه بسا دشنامهای فدا میریالیستی که از سوی هندستان امپریالیسم داده میشود بدین ترتیب با ید برای فساد میریالیست دانستن یک رژیم ، به برخورد آن رژیم با یگانه اصلی امپریالیسم (سرمایه داری وابسته) و چگونگی برخورد به نیروهای انقلابی نگریست و گرنه اگر به دشنام دادن با دشورژیم عیدی امین و بعث عراق از این دشنامها بیشتر داده اند .

**بهره برداری عوام فریبانه
رژیم جمهوری اسلامی
از جنگ غیر عادلانه کنونی را
افشا کنیم!**

آزادی گروه گانهای آمریکایی ، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

آزادی گروگانها: سازشی خفت بار با امپریالیسم

آیت الله خمینی، دبیروز: مسئله گروگانها، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول!
رجائی، امروز: مسئله گروگانها، برای ما مسئله مرده ای است!

جارجنگل های باصطلاح فدا میرالیستی مبنی بریزانودر آوردن امپریالیسم با، گروگانگیری را باخاطرمیآوردید:
درست در همان زمان که به سرکوب کارگران و زحمتکشان و کمونیستها و انقلابیون مسند امپریالیست میپروا خند و نواها و ارکانهای سرمایه داری وابسته این پایگاه اساسی امپریالیسم را با سازی میکردند، برای فریب توده ها، گرفتاری ۵۲ جاسوس آمریکائی را نابودی امپریالیسم جلوه گرمیسا خنند، تا ذهن توده ها را از نابودی سرمایه داری و استبداد هم کوبیدن ارتش و نهادهای دولتی وابسته به امپریالیسم منحرف کرده و خود برجایش توده ها سوار شوند و نکذاردند جنبش اعتلائی توده ها امپریالیسم را در ایران درهم کوبید، آری آنها گروگانگیری جاسوسان را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" عنوان کردند تا مانع تحقق خواستهای انقلابی توده ها شوند، و از سوی دیگر به تفسیر حجابهاشی با جناح رقیب خود در هیئت حاکمه (لیبرالها) بپردازند، اما امروز دیگر ادا مدامین وضعیت برپا سازی کالمتر سرمایه داری وابسته سایه می افکند، امروز که جناح حزب جمهوری، اسلامی، بین از پیش به تحکیم مواضع خود میپردازد، نیازی به استغاده از جنگلهائی چون گروگانگیری، برای مقابله با لیبرالها ندارد. در عوض خواهان روابط عادی تری با امپریالیسم در جهت تشبیت قدرت خویش، و نظام سرمایه داری، وابسته است اکنون او خواهان اسلحه آمریکائی است تا در جنگ غیر عادلانه کنونی با در دست ارتجاعی عراق، زحمتکشان را به کوشش دم توب بدل سازد، اکنون او خواهان لغو تحریم اقتصادی است، تا نیازهای صنایع وابسته به امپریالیسم را بر آورد و چنین است که دیگر "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول خبری نمیشود،" در عوض التماسهای زیوانه رژیم بدرگاه امپریالیسم برای آزادی گروگانها، ما هیت رژیم را بیش از پیش آشکارتر میکنند بدین ترتیب جناح حزب نیز به حل تبادی که بر سر گروگانگیری با آمریکا ایجاد شده بود میپردازد و میگوید این مسئله را که دربار سازی کالمتر سرمایه داری وابسته، به علت تحریم اقتصادی، و... خلال ایجاد میگرد حاصل بقیه در صفحه ۳۱

یادداشتهای سیاسی هفتگانه

اعتراف آیت الله خمینی: علت بستن دانشگاه وحشت از کمونیستها و انقلابیون بود.

نطق آیت الله خمینی در مورد دانشگاه یکبار دیگر ما هیت توطئه ضد انقلابی بستن دانشگاهها از طرف هیئت حاکمه را برملا ساخت. رژیم تحت عنوان عوامفریبانه "انقلاب فرهنگی اسلامی" و همراه با سرکوب و کشتار دانشجویان مبارز و کمونیست درهای دانشگاهها را بست، اما آیا برایست منظور رژیم بستن دانشگاهها انجام "انقلاب فرهنگی اسلامی" بود؟ جواب این سوال را از خمینی بپرسید، او میگوید: "شما مکر ندیدید که آتوقت که دانشگاهها را ببود چه فساد بود، دانشگاهها سنگربودا زیرای کمونیستها و اطالق جنگ بود برای کمونیستها"، "دانشگاهها در چندین ماه پیش دریکسال و چند رپیشت مرکز همه فسادها قرار داده بودندش و در جنگ کمال کمونیست ها و چریکیها و سایر ارکانهای مینافکتی بوده". "عجب! پس مسئله انجام "انقلاب فرهنگی اسلامی" نبود! بلکه مسئله اساسی این بود که دانشگاهها را که در تصرف کمونیستها و سایر نیروهای مبارز قرار داشت چگونه باید به زیر سلطه در آورد، آری خمینی یکبار دیگر اهداف کثیف هیئت حاکمه را آشکار میکند، رژیم جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی ها، بهشتی ها، بنی - مدرها و... از این وحشت داشتند که دانشگاهها سنگر آزادی است، که دانشگاهها سنگر دفاع از جنبش خلق و جنبش مقاومت خلق گرد است، که دانشگاهها سنگر رژیم و مبارزه دانشجویان کمونیست و انقلابی علیه ارتجاع است.

بر واضح است که طبقات ارتجاعی دانشگاهی را میخواهند که تربیت کنندگان کارگران و نوکران آنان باشند، اما دانشگاهها نمی توانند از جریان مبارزه طبقاتی بدور باشند و دانشجویان انقلابی دانشگاهها را به سنگرمبارزه علیه ارتجاع تبدیل می نمایند. در سراسریات تنگین رژیم پهلوی، مبارزه دانشجویان مترقی یکسدم دانشگاهها را آرام نگذاشت و محنده دانشگاهها را مبارها و بارها از خون دانشجویانی که برای استقلال و آزادی می رزمیدند گلگون گشت، در تمام دوران

جدال بیسابقه حزب جمهوری و لیبرالها

هفته گذشته، نا همدیدترین "رخوردهای قدرت" میان جناحی رقیب رژیم بودیم. لیبرالها که خود می خوانستند فدا انقلاب را به هم فشرده سازند و رقیب را از زحمت بیرون برانند، بتدریج به وضعیتی کشانده شده اند که میتوان از آنها بعنوان "ابوزیسیون هیئت حاکمه" نام برد.

حزب جمهوری بر اساس آنچه که آیت مورد نظرداشت، خواهان تبدیل بنی مدرسه یک مقام تشریفاتی است، او میخواهد از تخصص لیبرالها دربار سازی این سیستم استفاده کند، منتها با سرکردگی خویش در حاکمیت، محدود کردن اختیارات بنی مدرسه از طرف مجلس و سخنان رجائی که "رئیس جمهور در کارهای اجرائی هیچگونه دخالتی ندارد" (۱) گواها بین مدعاست.

متقابلا لیبرالها که حاضر نیستند به فشارهای حزب تن در دهند، می کوشند تا با سوار شدن بر امواج جنبش توده ای، حریف را وادار به عقب نشینی نموده و مواضع کلیدی قدرت را تا آنجا که بتوانند بدست آورند، مفاومتها و تعرضهای اخیر لیبرالها در مشهد و امفیان و دیگر شهرها جلوه ای از این کوشش بود که متوجه خود عکس العمل جناح حزب جمهوری اسلامی و حملات بقیه در صفحه ۳۱

رژیم شاه، دانشگاهها سنگرمبارزه بود، ونمسی توانست در دوران رژیم جمهوری اسلامی سنگرمبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع باقی نماند، از قیامها بپسودا دانشگاهها یک لحظه از افشای ارتجاع، از حمایت از خلق کرد و ترکمن، از دادن آگاهی به توده ها دست نکشید و رژیم جمهوری اسلامی نمی توانست از تداوم این مبارزه به وحشت نیافتد، آری رژیم بنا به ما هیت طبقاتی این هرگز نمی توانست ونمی تواند دست به انقلاب فرهنگی بزند، در حقیقت هدف از فدا انقلاب فرهنگی رژیم حاکم سرکوب دانشگاهها به مثابه سنگرمبارزه و آگاهی بود، امروز آیت الله خمینی وقیحا نه آنهمه مبارزه، آنهمه دلآوری، آنهمه آگاهی را "فساد" می خواند، و این طبیعی است که هیئت حاکمه ارتجاعی ایران دشمن آزادی و آگاهی توده ها است و به همین خاطر دانشگاهها را می بندد، رژیم به عبث فکر میکند با بستن دانشگاهها می تواند جلوی رشد آگاهی توده ها و مبارزه طبقاتی را بگیرد، حال آنکه مبارزه دانشجویان در پیوستگی با جنبش خلق تانابودی ارتجاع ادا مدهوا هدایات.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست